

رساله جلد سازی

(طیاری جلد)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِالْحُكْمِ الْمُسْتَقِيمِ



رساله جلد سازی

رسائل ۵

برگ ۲۲۴

RISĀLAH-YI JILDSĀZĪ

(The Book-binding Treatise)

Sayyid Yūsuf Ḥusayn

رساله منظوم جلد سازی (طیاری جلد) سروده سید یوسف حسین، تنها نوشته فارسی در آموزش شیوه جلد سازی به زبان فارسی می باشد که تاکنون شناخته شده است. این اثر نخستین بار به تصحیح استاد ایرج افشار در نشریه فرهنگ ایران زمین (ج ۱۶ و ۱۷ [۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ خ]) بر مبنای تنها نسخه شناخته شده تا آن زمان به چاپ رسید. چندی پیش نسخه دیگری از این اثر شناخته شد که کاستی های نسخه پیشین را بر طرف می کرده، بنابراین چاپ کنونی برایه نسخه تازه یاب و با توجه به چاپ پیشین اثر انجام شد.

Introduced by
Iraj Afshar

Edited by
Ali Safari Agh Ghaleh

ISBN: 978-880-203-022-1



9 788002 030221



Mirase-Maktoob
Tehran, 2011



رساله جلد سازی

(طیاری جلد)

سروده

سید یوسف حسین

با مقدمه

ایرج افشار

تصحیح

علی صفری آق قلعه



علوم و فنون

۵

رسائل ۱۵

میراث مکتوب ۲۲۴

سرشناسه	:	سید یوسف حسین
عنوان و نام پدیدآور	:	رساله جلد سازی: (طیاری جلد) / سروده سید یوسف حسین؛ با مقدمه ایرج افشار؛ تصحیح علی صفری آق قلعه.
مشخصات نشر	:	تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	بیست و هشت، ۱۰۴، ۵، ص.
فروخت	:	میراث مکتوب؛ ۲۲۴، رسائل؛ ۱۵، علوم و فنون؛ ۵.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۰۲۲-۱؛ ۲۸۰۰۰ ریال.
موضوع	:	جلد سازی
شناسه افزوده	:	افشار، ایرج، ۱۳۰۴-۱۳۸۹، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	:	صفروی آق قلعه، علی، ۱۲۵۷-، مصحح
شناسه افزوده	:	مرکز پژوهشی میراث مکتوب
ردیبندی کنگره	:	Z ۲۷۱/۳/۸ ج ۹۱۳۹
ردیبندی دیوی	:	۶۸۶/۳۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۴۳۳۱۲۹

رساله جلد سازی

(طیاری جلد)

سروده

سید یوسف حسین

با مقدمه

ایرج افشار

تصحیح

علی صفری آق قلعه

ناشر

میراث مکتب

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفود

ترجمه مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

مدیر فنی امور رایانه: محمود خانی

حروفنگار: محمد دمیرچی؛ صفحه آرا: رضا علیمحمدی

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۳۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۰۲۳-۰۶۰۰-۲۲۱

چاپ: نقره آبی؛ صحافی: سیاره

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی مرکز: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین،

شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم، واحد ۹، کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹، صندوق پستی: ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵،

تلفن: ۰۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

دیابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خانه علمی موج می نمذد. این نسخه با حقیقت، کارنامه
دانشمندان فولانی بزرگ و بیویت نامه ایرانیان است بر عده هنرمندان است که این میراث
پارچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ فرهنگ وادب و سوابق علمی خود به احیا
و بازسازی آن اهتمام و زد.

با همه کوشش ای که در سال‌های اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتب و تحقیق و تبع در
آنها انجام گرفته و صدها کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نکرده بسیار است و هزاران
کتاب و رساله علمی وجود داشته باشند اما داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر شده است بسیاری
از متون نیز، اگرچه برای اطلاعاتی مفید مطبوع بر رو شعلی نیست و تحقیق تصحیح مجدد نیاز دارد.
احیا و انتشار کتاب و رساله‌های علمی و فلسفی ای است بر دو شرکت محققان مؤسسه ای از متون
مرکز پژوهشی میراث مکتب در استان ای این هف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نخاده شد تا با حیات
از کوشش علمی محققان و مصححان، و با مشارکت ناسوان، مؤسسه ای ای، اشخاص فرهنگی و
علمای اهل اسلام از این دانش و فرهنگ سهی در نظر میراث مکتب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون
و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم وارد.

اهمیت وضور احیا و انتشار رساله‌های علمی مارابر آن داشت تا در کنار آثار متنظر
شده به انتشار این کونه رساله‌های صورت متفق بردازیم و مجموعه ای ارزشمند در موضوعات
مختلف در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دهم.

اکبر ایرانی

مدیر عالی مرکز پژوهشی میراث مکتب

فهرست مطالب

یازده	مقدمه استاد ایرج افشار
سیزده	مؤلف اثر
چهارده	مندرجات متن
چهارده	بخش‌بندی‌های متن
چهارده	۱. مقدمه
پانزده	۲. بخش آموزشی
نوزده	۳. موعظه و پایان اثر

بیست و یک	مقدمه مصحح
بیست و یک	نسخه‌های اثر
بیست و یک	۱. نسخه مدراس
بیست و دو	۲. نسخه جلالی
بیست و سه	۳. نسخه دانشگاه تهران
بیست و سه	شیوه تصحیح

۱	رساله جلدسازی
۱	نعت سیدالمرسلین
۲	سبب وجود جلد
۳	سبب تألیف کتاب
۴	فصل اوّل - در ساختن مقوا و آهار
۵	فصل دوم - در بیان وضائی و فضائی
۷	فصل سیوم - در بیان "جزبندی" و "سیفه" و "پشتی" و ...

۳۴	نقش بُر
۳۵	مقوّاً بر
۳۶	خط کش
۳۶	زنگیره
۳۷	تحریر بند
۳۸	نقطه
۳۸	پرگار
۳۹	قلم جدول
۳۹	سطاره
۳۹	سیفه
۳۹	سوهان
۴۰	سوژن
۴۰	دسته پیچ
۴۰	شکنجه
۴۱	فصل نهم - در بیان حل زر و نقره و تذهیب و افسان و لپه و ...
۴۲	افسان و لپه
۴۲	جدول
۴۳	ترسیم صفحه‌های جفر
۴۳	راست کردن رنگ ها
۴۵	آمیزش رنگ ها
۴۵	سیاهی
۴۶	شیوه ساختن مدادی با نام قادریه
۴۷	کاغذ رنگین
۴۹	ابری
۵۱	آب‌های ابری
۵۴	عکس
۵۵	چین کاغذ چیدن
۵۵	سیماب

۸	سیفه کشیدن
۹	پیازه
۱۰	شیرازه و انواع آن
۱۱	فصل چهارم - در بیان اقسام و چگونگی سختیان و شستن و ...
۱۳	فصل پنجم - در کندن منبت بر مقوا و چسبانیدن ورقی و ...
۱۴	نوع دیگر تراشیدن سختیان را.
۱۵	آماده‌سازی مقواهای دو دفه جلد
۱۶	چسبانیدن مقواها بر چرم روی جلد
۱۷	چسبانیدن آستر جلد
۱۸	چسبانیدن کراسه‌های پشت‌بندی شده به دفه‌های جلد
۱۹	فصل ششم - در بیان جلد یک پوستی و دوپوستی و جلد کاغذی
۱۹	جلد دوپوست
۲۰	جلد یک پوست
۲۱	فصل هفتم - در بیان قلمدان و جُزدان و زیر مشق و جلد آینه و ...
۲۱	ساختن قلمدان از مقوا بر کالبد
۲۳	ساختن قلمدان بی کالبد
۲۳	ساختن قلمدان از پوره مقوا (براده) بر کالبد
۲۴	ساختن جزو دان
۲۴	ساختن زیر مشق
۲۵	ساختن غلاف آینه
۲۵	ساختن غلاف جلد مصحف
۲۶	ساختن غلاف عینک
۲۶	ساختن مروحه
۲۸	ساختن فانوس
۳۱	ساختن مسطر
۳۱	فصل هشتم - در بیان اسماء و اشکال و چگونگی آلات و ...
۳۱	صخره
۳۳	نشکر ۵۰

فی الموعظة والاتمام الرسالة ۵۷	
نوع دیگر ۵۸	
یادداشت‌های توضیحی ۵۹	
نمايه‌ها ۸۳	
۱. اصطلاحات و شیوه‌ها ۸۵	
۲. مواد و جانوران ۹۱	
۳. ابزار ۹۶	
۴. اندازه‌ها (معیارها) ۹۸	
۵. رنگ‌ها ۹۹	
۶. کسان ۱۰۰	
۷. کتاب‌ها ۱۰۱	
کتابنامه ۱۰۳	

مقدمه استاد ایرج افشار

رساله‌ای که خواننده متن تصحیح شده آن را زیر دست خود دارد، ظاهراً، یگانه نوشته بازمانده از ادوار پیشین در آموزش شیوه «جلدسازی» - یا آنگونه که در زبان مردم شبه قاره رایج می‌باشد «طیاری جلد» - است.

آشنایی من با این اثر به سال ۱۹۶۰ م بازمی‌گردد. در آن سال سفری به کشور هند داشتم و هنگام دیدار از کتابخانه شرقی دولتی شهر مدراس نسخه این اثر را آنجا دیدم. نسخه به شماره (m) 437 در کتابخانه مذکور نگهداری می‌شود و از آنجا که در آن زمان منحصر به فرد بود و تصحیح آن برای مطالعات نسخه‌شناسی بایسته می‌نمود، تلاش کردم تا فیلم آن را به دست آورم، اما این کار ممکن نشد و فرست رونویسی آن را هم نداشتم؛ پس از بازگشت به ایران موضوع را پیگیری کردم و از آنجا که فراهم آوردن تصویر نسخه برایم ممکن نشد، با یاری محمد یوسف کوکن - رئیس وقت قسمت زبان‌های فارسی و عربی دانشگاه مدراس - رونویسی از نسخه تهیه کرده و متن اثر را با مشخصات زیر به چاپ رساندم:

«رساله جلدسازی»، فرهنگ ایران‌زمین، تهران، جلد ۱۶ و ۱۷ [۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ ش]، ص ۱ - ۴۳.

بعدها همان متن را در کتاب زیر - که شامل گفتارهایی درباره صحّافی سنتی بود - به صورت افست به چاپ رسانیدم:

صحّافی سنتی، گردآوری ایرج افشار، تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش، ص ۱۰۷ - ۱۴۹.

این، در نسخه تازه‌یاب سه بیت پیش از نسخه پیشین یافته شد (بیت‌های ۷۷، ۷۸، ۶۵۴) که وجود دو بیت ۷۷ و ۷۸ برای درک درست بخشی از متن ضروری است.

البته، نسخه تازه‌یاب نیز نسبت به نسخه «ب» یک بیت کاستی دارد. این کاستی در نتیجه اشتباه کاتب پیش آمد؛ با این توضیح که پس از بیت ۳۲۱ دو بیت در نسخه مدراس هست که مصراع دوم از بیت نخستین و مصراع نخستین از بیت دوم آنها در نسخه تازه‌یاب حذف و دو بیت یادشده به یک بیت بدل گشته است.

مؤلف اثر

درباره سراینده، جز از نام وی آگاهی دیگری نداریم. نام او در نسخه‌ها «سید یوسف حسین» ضبط شده است. آقای حسینی جلالی در دیباچه‌ای که بر چاپ نسخه برگردان نوشته مؤلف را همان «سید یوسف حسین امروهی» (۱۳۰۲ - ۱۳۵۲ق) دانسته است، اما این موضوع درست نمایند چرا که تاریخ کتابت نسخه مدراس ۱۲۲۸ق است و چنانکه می‌بینیم این تاریخ به زمانی پیش از زاده شدن سید یوسف حسین امروهی باز می‌گردد.^۱

آنگونه که از متن رساله برمی‌آید، سراینده از مردمان شبه قاره است. زبان او همانند بسیاری از فارسی گویان آن منطقه با زبان فارسی رایج در ایران اختلاف‌هایی دارد و اگر همین رساله منظوم را به عنوان معیار فارسی‌دانی او پذیریم، باید گفت که بر این زبان تسلط چندانی نداشته است. جز آن در شعرگویی از ظرافت‌های آن بی‌بهره بوده است. کاربردهای نامتعارف زبانی و به ویژه برخی اشتباهات املایی -که از سوی مؤلف بوده و نه کاتبان^۲ - نشان می‌دهد که سراینده از فضل و دانش بهره چندانی نداشته است. به کارگیری واژگان و اصطلاحات متصرفه در این متن گواهی است بر این که

بعدها آقای نجیب مایل هروی تصویری از نسخه مدراس را با یاری دکتر سید وحید اشرف کچه‌چوی - استاد دانشگاه مدراس - به دست آورده و آن را در مجموعه زیر چاپ کرد:

کتاب آرایی در تمدن اسلامی، تحقیق و تألیف نجیب مایل هروی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۵۹ - ۴۹۵. پس از آن نیز پژوهش‌هایی بر پایه و یا با استفاده از مندرجات این متن به انجام رسید که از جمله آنها می‌توان از نوشتۀ ایو پورتر (Yves. Porter) با عنوان «صحّافی و دستورالعمل‌های مخصوص» یاد کرد که مندرجاتی از رساله صحّافی را در پژوهش خود به کار برده است.^۱

همچنین مقاله زیر از محمدحسین اسلام‌پناه که در آن به تحریر (بازنویسی) بخشی از رساله صحّافی پرداخته است:

«تحریر رساله منظوم جلدسازی»، نوشتۀ محمدحسین اسلام‌پناه، نامه بهارستان، س ۴، ش ۱ و ۲ [بهار - زمستان ۱۳۸۲ش]، ص ۲۵ - ۲۴.

آنچه موجب شد تا این اثر بار دیگر به چاپ رسانیده شود، پیدا شدن نسخه تازه‌ای از این منظومه است که چندی پیش با مشخصات زیر به صورت نسخه برگردان چاپ شد:

رساله جلد، تأليف السید یوسف حسین الامروھی، تقدیم محمدحسین الحسینی الجلالی، شیکاگو، مدرسه آزاد (The Open School)، ۱۴۲۰ق.

با توجه به اینکه نسخه پیشین این اثر از ضبط‌های مطلوبی برخوردار نبود، نادرستی‌هایی در متن راه یافته بود که تصحیح آنها از روی آن تکنسخه امکان‌پذیر نبود. خوشبختانه نسخه تازه‌یاب، شمار قابل توجهی از لغزش‌های نسخه پیشین را تصحیح می‌کند. این موضوع مهمترین دلیل برای چاپ دوباره متن است؛ اما افزون بر

۱. مشخصات مقاله بدین قرار است:

"Reluire et operations particulières", Yves. Porter, *Peinture et arts du livre*, Paris-Tehran, 1992, pp.117-125.

ترجمۀ فارسی مقاله با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:
«صحّافی و دستورالعمل‌های مخصوص»، نوشتۀ ایو پورتر، ترجمۀ سید محمدحسین مرعشی، نامه بهارستان، س ۳، ش ۲ [پاییز - زمستان ۱۳۸۱ش]، ص ۴۲۳ - ۴۵۱.

۱. آقای حسینی جلالی از وجود نسخه دوم این اثر آگاهی نداشته و آن را منحصر به فرد دانسته‌اند.

۲. اینگونه موارد در جایگاه‌های متعدد از هر دو نسخه موجود دیده می‌شود و روشن است که کاتبان در آن دستی نداشته‌اند. برای نمونه واژه «حجم» در بیت‌های ۲۵۷ و ۳۸۹ در هر دو نسخه به صورت «حجم» ضبط شده است.

حضرت علی (ع) نازل شده در کار خود درج کرده است. از این موارد شاید بتوان احتمال داد که سراینده دارای گرایش‌های شیعی بوده است.

۳. سبب وجود جلد (بیت‌های ۲۲ - ۳۷): دلیل پیدید آمدن جلد - به زعم سراینده - این بوده است که عثمان عفّان پس از گردآوری قرآن از حضرت علی (ع) درخواست کرد تا قرآن را اعراب گذاری کند؛ ایشان این کار را انجام داده و پس از پایان این کار، مصحف مذکور را جلد بست.

۴. سبب تأليف کتاب (بیت‌های ۳۸ - ۵۹): سراینده در این بخش اشاره دارد که دلیل گرایش او به جلدسازی این بود که روزی یک درویش نزد او آمد و چند جزو کاغذ نزد او برداشت و خواهش کرد تا آن را جلد کند. سراینده این خواهش او را پذیرفت و جزوها را نزد یکی از استادانش برد و آن شخص جزوها را جلد کرد. در این زمان سراینده به این اندیشه افتاد که شیوه جلدسازی را بیاموزد و نزد دونفر، به نام‌های «احمد سپاهی» و «عبد قادر»، این فن را آموخت. در نهایت، رساله را برای آموزش این فن سرو.^۱

۲. بخش آموزشی (بیت‌های ۶۰ - ۷۹۵): این بخش به نه «فصل» به قرار زیر بخش‌بندی شده است:

فصل ۱؛ در ساختن مقوا و آهار (۶۰ - ۸۱): در این بخش به شیوه ساختن «مقوا» پرداخته شده است. سراینده نخست به یادکرد مواد و شیوه ساختن آهار^۱ پرداخته (بیت‌های ۶۰ تا ۶۸)؛ سپس شیوه ساختن مقوا از برگ‌های کاغذ را آموزش داده و اشاره کرده است که برای ساختن مقوا در اندازه‌های گوناگون می‌باشد از چند برگ کاغذ استفاده کرد (بیت‌های ۶۹ تا ۷۹). وی در آنجا یاد کرده است که هر چه اندازه مقوا بزرگ‌تر باشد می‌باشد برگ‌های بیشتری را به یکدیگر چسباند تا ضخامت مقوا بیشتر شود.

فصل ۲؛ در بیان وضالی و فضالی (۸۲ - ۱۰۳): در آغاز این فصل، یاد شده که برای

۱. یعنی نوعی لعب چسبنده که در این مرحله به کار می‌آید.

سراینده گرایش‌های صوفیانه داشته و احتمالاً پیرو یکی از فرقه‌های تصوف شیه قاره بوده است؛ اما در این زمینه نیز آگاهی بیشتری از نوشتة او به دست نمی‌آید.

مندرجات متن

با اینکه هدف اصلی از سروden این اثر، آموزش هنر «جلدسازی» بوده است، اما سراینده فنون دیگری را نیز در آن آموزش داده است. این موارد در آن روزگاران، جزو فنون وابسته جلدسازی به شمار می‌آمده و فنونی چون ساختن کاغذ ابری، ساختن فانوس، قاب عینک، بادبین و ... را در بر می‌گیرد. سراینده در فصلی جداگانه به توصیف ابزار صحافی و شیوه ساخت برخی از آنها اشاره کرده است.

بنابر آنچه یاد شد، می‌توان گفت که این متن برای آموزش صحافی و فنون وابسته بدان سروده شده است و از این دیدگاه برای آنها که به پژوهش در تاریخ هنرها و همچنین شیوه‌های ساخت آثار هنری می‌پردازند بسی سودمند است. همچنین این اثر می‌تواند برای کسانی که به ترمیم نسخه‌های خطی و ساخته‌های تزئینی می‌پردازند کارآمد باشد.

بخش‌بندی‌های متن

چنانکه خواننده خود خواهد دید، این متن به سه پاره بخش‌بندی شده است که مندرجات هر بخش را - با اشاره به شماره بیت‌های چاپ کنونی - در زیر می‌آوریم:

۱. مقدمه (بیت‌های ۱ - ۵۹) که شامل بخش‌های زیرین است:

۱. خطبه کتاب (بیت‌های ۱ - ۸)

۲. نعت سیدالمرسلین (بیت‌های ۹ - ۲۱): سراینده در این بخش به ستایش حضرت پیامبر (ص) پرداخته و در این میان به ویژه به ستایش حضرت علی (ع) پرداخته و از گفته‌های پیامبر در گرامیداشت حضرت علی نمونه‌هایی را - مانند: «أنا مدينة العلم وعلى باهها» - درج کرده و همچنین برخی آیات قرآنی را که بنا بر روایات در شأن

و همچنین قرار دادن یک تکه چرم باریک (= فتیله) پیش از دوختن نخهای پیرازه است. این «فتیله» بعداً هنگام شیرازه‌بندی در زیر شیرازه قرار خواهد گرفت. پس از این مرحله به شیوه‌های باقتن «شیرازه» و نامهای آن اشاره شده است (بیت‌های ۱۶۹ تا ۱۹۰).

فصل ۴؛ در بیان اقسام و چگونگی سختیان و ... (۲۱۸ - ۱۹۱): در این بخش به انواع سختیان و شیوه ساختن آنها اشاره شده است. در این مورد باید توجه داشت که آنچه به عنوان انواع سختیان از آن یاد می‌شود در واقع مربوط به شیوه‌های رنگ آمیزی سختیان است.

فصل ۵؛ منبّت‌سازی بر مقوّا و ... (۳۰۸ - ۲۱۹): نخستین بخش از این فصل به آموزش تراشیدن چرم با ابزار «نشگرده» برای ابره جلد اختصاص یافته است (بیت‌های ۲۱۹ تا ۲۳۲). سپس به آموزش شیوه دیگری از تراشیدن چرم با سنگ زبر پرداخته شده است (بیت‌های ۲۳۳ تا ۲۴۱). پس از آن به آموزش شیوه آماده سازی مقوّاهای دو دفّه جلد پرداخته شده است (بیت‌های ۲۴۲ تا ۲۶۱)، این کار شامل خالی کردن زیره مقوّا برای نقش‌های ترنج، سربرگ (= سرترنج)، گنجی (= لچکی)، عطف و سرلوح است که در مرحله بعدی، هنگام چسبانیدن چرم بر روی مقوّاهای ایجاد نقوش مذکور لازم است. با اینکه سراینده همه نقش‌های پیش‌گفته را با نام «منبّت» می‌خواند. در مرحله سپسین به شیوه چسبانیدن مقوّاهای آماده شده بر روی چرم جلد و همچنین چگونگی نشاندن «منبّت» (= ایجاد نقش‌های ترنج، سرترنج و ...) اشاره شده است (بیت‌های ۲۶۲ تا ۲۷۹). پس از آن نیز به شیوه چسبانیدن آستر جلد و شیوه‌های تزئین ابره و آستر جلد پرداخته شده است (بیت‌های ۲۸۰ تا ۲۹۵). در مرحله بعدی نیز شیوه چسبانیدن کراسه‌های پشت‌بندی شده به دفّه‌های جلد آموزش داده شده است (بیت‌های ۲۹۶ تا ۳۰۸).

فصل ۶؛ در بیان جلد یک پوستی و دو پوستی و ... (۳۰۹ - ۳۲۴): در این بخش به شیوه تهیّه جلد «یک پوستی» و «دو پوستی» اشاره شده است؛ اما توپیحات سراینده چندان رسانیست.

و فضالی و فضالی به آهار مقوّا - جز آهار مقوّا - نیاز است و به همین دلیل نخست به شیوه ساختن این آهار اشاره شده است (بیت‌های ۸۳ تا ۸۶). پس از این، شیوه «فضالی» و «فضالی» آموزش داده شده است (بیت‌های ۸۷ تا ۱۰۲). از آنچه در این بخش یاد شده برمی‌آید که مقصود از «فضالی»، ترمیم نسخه‌های آسیب دیده است و آنچه یاد می‌کند برابر با شیوه‌ای است که امروزه نیز به همین نام «فضالی» خوانده می‌شود (بیت‌های ۸۷ تا ۹۶). پس از آن مؤلف به تشریح شیوه‌ای پرداخته که امروزه آن را به نام «متن و حاشیه» می‌نامیم (بیت‌های ۹۷ تا ۱۰۲). سراینده در اینجا به نام «فضالی» تصریح نکرده، اما گمان می‌رود که مقصودش از «فضالی» همان «متن و حاشیه» کردن نسخه‌ها است.

فصل ۳؛ در بیان جُزبندی و سیفه و ... (۱۰۴ - ۱۹۰): در این بخش به شیوه آماده سازی کاغذها و تهدوزی کراسه‌ها برای جلد بستن اشاره شده است. مؤلف در آغاز اشاره کرده که نخست باید کاغذها را با توجه به سطوح ای نوشته شده (یا «مسطر») برابر ساخت و بر لبه کاغذها نشانهایی را ایجاد کرد تا هنگام تهدوزی جایه‌جا نشوند و پس از آن جزو‌های را در شکنجه قرار داد (بیت‌های ۱۰۵ تا ۱۱۰). پس از آن به شیوه تهدوزی جزو‌های اشاره کرده و یادآور شده است که این کار - بسته به قطع و اندازه نسخه - به دو شیوه «یک‌بندی» و «دو‌بندی» انجام می‌شود (بیت‌های ۱۱۱ تا ۱۲۴). در ادامه نیز به شیوه «پشتی» (= تقفیه؛ آماده سازی عطف نسخه برای بستن دفه‌های جلد) اشاره کرده است (بیت‌های ۱۲۵ تا ۱۴۰). پس از آن به شیوه «سیفه» کشیدن - یعنی برش دادن لبه کاغذها - اشاره کرده است (بیت‌های ۱۴۱ تا ۱۴۶). سپس به شیوه «پیرازه» دوختن نسخه اشاره کرده است (بیت‌های ۱۴۷ تا ۱۶۸). «پیرازه» عبارت است از نخهایی که به وسیله آنها، کراسه‌ها را از لبه‌های بالا و پایین به یکدیگر می‌دوختند. همین نخ‌ها در مرحله بعدی به وسیله نخهایی - که «شیرازه» نام دارد - به یکدیگر بافته می‌شود. سراینده در توصیف دوختن «پیرازه» به جزئیات کار نیز اشاره کرده است. این موارد شامل قرار دادن یک تکه مقوّا یا کاغذ در دو لبه بالا و پایین برای دوختن نخ پیرازه رسانیست.

(بیت‌های ۵۱۳ تا ۵۱۶)، «دسته پیچ» (بیت‌های ۵۴۱ تا ۵۴۳)، «زنگیره» (بیت‌های ۵۱۷–۵۲۴)، «سطاره» (بیت ۵۳۴)، «سوzen» (بیت ۵۴۰)، «سوهان» (بیت‌های ۵۳۸ تا ۵۴۰)، «سیفه» (بیت‌های ۵۳۷–۵۳۹)، «شکنجه» (بیت‌های ۵۴۴ تا ۵۵۰)، «قلم جدول» (بیت ۵۳۳)، «مقوا بر» (بیت‌های ۵۱۰ تا ۵۱۲)، «نشگرده» (بیت‌های ۴۹۶ تا ۴۹۸)، «نقش بُر» (بیت‌های ۴۹۹ تا ۵۰۹)، «نقطه» (بیت‌های ۵۲۸ تا ۵۳۰).

فصل ۹؛ در بیان حل زر و نقره و... (۷۹۵–۵۵۱)؛ در این فصل به هنرها جنبی وابسته به جلدسازی پرداخته شده است. مطالبی که در این بخش به آموزش آنها پرداخته شده بدین شرح است:

«حل زر و نقره» (۵۵۱–۵۶۱)، «افشان و لپه» (۵۶۲–۵۷۳)، «جدول» (۵۷۴) – (۵۸۲)، «ترسیم صفحه‌های جفر» (۵۸۳–۵۸۹)، «ساخت و ترکیب رنگ‌هایی همچون لا جورد و شنجرف وزنگار و زرنیخ» (۵۹۰–۵۹۰)، «آمیزش رنگ‌ها» (۶۰۹–۶۲۰)، «شیوه ساختن سیاهی یا مداد» (۶۲۱–۶۵۵)، «کاغذ رنگین» (۶۵۶–۶۷۳)، «ابری» (۶۷۴–۷۰۷)، «آب‌های ابری» (۷۰۸–۷۵۱)، «عکس» (۷۵۲–۷۶۷)، «چینی کاغذ چیدن» (۷۶۸–۷۷۱)، «ترمیم ریختگی سیماب پشت آینه» (۷۷۲–۷۹۵).

۳. موعظه و پایان اثر: (بیت‌های ۷۹۶–۸۲۳)؛ در این بخش به برخی آداب و نکته‌های اخلاقی در پیشة صحّافی اشاره شده و در پایان از ثواب تجلید و تزئین مصحف‌ها سخن رفته است.

سراسر این گفتار به طرح و قلم فاضل گرامی، علی صفری آق قلعه، پذیرفته خاطر من است. از این که فرصتی به من داده شد که صورت اصلاحی و تطبیقی متن را بخوانم سپاسگزاری می‌کنم. فهرست‌هایی که برای متن تهیه شده است، هم لازم بوده و هم نشان‌دهنده اهمیت متن است و بیش از آن چاپ‌های پیشین می‌تواند خواننده را بر ارزش‌های مخفی این اثر آگاه کند.

ایرج افشار

فصل ۷؛ در بیان قلمدان و جُزدان و... (۴۷۱–۳۲۵)؛ در نخستین بخش از این فصل به شیوه‌های ساختن قلمدان اشاره شده است. در آغاز این بخش سراینده یادآور شده است که قلمدان را به سه شیوه می‌سازند: یکی از مقوا بر «کالبد» (= قالب)، دیگری از پارچه‌های کاغذ؛ و سوم از پوره کاغذ بر کالبد (بیت‌های ۳۲۸ تا ۳۲۵).

پس از آن به شیوه ساختن قلمدان از مقوا بر کالبد اشاره شده است (بیت‌های ۳۲۹ تا ۳۴۶). سپس به شیوه ساختن «غلاف» برای قلمدان اشاره شده است (بیت‌های ۳۴۷ تا ۳۵۷). پس از آن به شیوه ساختن قلمدان بدون کالبد اشاره شده است (بیت‌های ۳۵۸ تا ۳۶۶). و در بخش سپسین به شیوه ساختن قلمدان از پوره کاغذ (براده) اشاره شده است (بیت‌های ۳۶۷ تا ۳۷۱).

بخش بعدی به ساختن جزو دان (بیت‌های ۳۷۲ تا ۳۷۵). و بخش پس از آن به ساختن زیرمشقی (بیت‌های ۳۷۶ تا ۳۸۲) اختصاص یافته است. بخش بعدی ویژه آموزش ساخت غلاف آینه است (بیت‌های ۳۸۳ تا ۳۹۲). و بخش پس از آن به شیوه ساختن غلاف جلد برای مصحف‌ها اختصاص دارد (بیت‌های ۳۹۳ تا ۴۰۴). پس از این نیز شیوه ساختن غلاف عینک (بیت‌های ۴۰۵ تا ۴۰۷) و همچنین شیوه ساخت «مروحه» (= بادبین) آموزش داده شده است (بیت‌های ۴۰۸ تا ۴۳۳).

«فانوس» نیز از جمله مصنوعاتی است که شیوه ساختن آن در این بخش آموزش داده شده است (بیت‌های ۴۳۴ تا ۴۶۴). نیز در این فصل از «مسطر بستن» و شیوه آن سخن رفته است (بیت‌های ۴۶۵ تا ۴۷۱).

فصل ۸؛ در بیان اسماء و آشکال و چگونگی آلات... (۴۷۲–۵۵۰)؛ در این فصل به ابزار مورد نیاز در جلدسازی و شیوه ساخت برخی از آنها اشاره شده است. نخست از «صخره» سخن رفته و در میانه از برخی موارد چون شکنجه و مهره نیز یاد شده است (بیت‌های ۴۹۵ تا ۴۷۴). پس از آن به ابزار زیر اشاره شده است (که به ترتیب الفبایی: یاد می‌شود):

«پرگار» (بیت‌های ۵۳۱ تا ۵۳۲)، «تحریر بند» (بیت‌های ۵۲۷ تا ۵۲۵)، «خط کش»

مقدمه مصحح

عمده آنچه دانستن آنها برای شناسایی متن و مؤلف آن بایسته می‌نمود در مقدمه استاد افشار درج شده است ولذا در اینجا به شناسایی نسخه‌های به کار رفته در این تصحیح و همچنین شیوه کار اشاره خواهیم کرد.

نسخه‌های اثر

۱. نسخه مدراس: این نسخه به شماره (m) 437 در کتابخانه شرقی دولتی شهر مدراس نگهداری شده و بخشی از یک مجموعه را تشکیل می‌دهد.^۱ نسخه به قلم نستعلیق شکسته آمیز نسبتاً خوش و خوانا بر دست شخصی به نام جمال صاحب به سال ۱۲۲۸ ق نوشته شده است. بخش کنونی در بیست صفحه چهارستونی نگاشته شده که هر ستون دارای ۲۲ سطر است؛ بنابراین هر صفحه بدون عنوان دارای ۴۴ بیت خواهد بود.

ما از این نسخه تنها به تصویر دو صفحه آن دسترسی داشتیم. این دو صفحه در مقدمه کتاب آرایی در تمدن اسلامی (ص هفتاد و هفت) به چاپ رسیده است و برابر با ایات ۴۵۴ تا ۱۵۲۸ از چاپ کنونی است.

1. *A Descriptive Catalogue of the Islamic Manuscripts in the Government oriental Manuscripts Library - Madras*, Vol.1, pp 477- 478.

یعنی آنچه در چاپ به عنوان صفحه روی هر برگ دیده می‌شود می‌بایست در پشت صفحه پیشین از همان صفحه چاپ می‌شد. این موضوع از «ركابه»‌های صفحات به خوبی نمایان است.

از این نسخه در چاپ حاضر با نشانه «ا» یاد شده است.

۳. نسخه دانشگاه تهران: نسخه‌ای می‌باشد که از روی نسخه مدراس به سفارش استاد افسار نوشته شده است. کتابت آن توسط سید حمزه حسین عمری - منشی وقت کتابخانه مدراس - انجام شده و مأخذ کار استاد افسار در چاپ پیشین اثر بوده است. این نسخه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران واگذار شده و هم‌اکنون به شماره ۸۴۳۹ در کتابخانه مذکور نگهداری می‌شود.^۱

این نسخه در نخستین چاپ اثر استفاده شده است و در این چاپ به واسطه چاپ پیشین از آن بهره برده شد. نشانه «ب» در پاورقی‌ها بیانگر متن چاپی مندرج در فرهنگ ایران‌زمین است.

شیوه تصحیح

در چاپ کنونی نسخه «ا» - یعنی نسخه جلالی - پایه قرار گرفت و متن از روی آن بازنویسی شد. سپس ابیات ۴۵۴ تا ۵۲۸ با تصویری که از نسخه «م» در دسترس بود مقابله شد و در جاهایی که نسخه «م» درست تراز نسخه «ا» بود، ضبط این نسخه به متن بردۀ شده و ضبط «ا» در پاورقی یاد شد.

سپس، متن اثر با دو چاپ پیشین، یعنی چاپ فرهنگ ایران‌زمین - با نشانه اختصاری «ب» - و چاپ آقای نجیب مایل هروی - با نشانه «ن» - مقابله شد. آنچه درست بود در متن آمده و ضبط‌های نادرست در پاورقی ضبط شده است، از یادکرد اختلافاتی که به یقین حاصل بدنویسی یا بدخوانی و غلط چاپی در چاپ‌های پیشین بود خودداری شد.

۱. نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۱۱۶ - ۱۱۷. ضمناً زنده‌یاد استاد محمد تقی دانشپژوه هنگام شناساندن نسخه دانشگاه تهران به نشانی یک نسخه دیگر اشاره کرده‌اند.

از این نسخه در چاپ حاضر با نشانه «م» یاد شده است.

۲. نسخه جلالی: همان نسخه‌ای می‌باشد که به صورت نسخه‌برگردان چاپ شده است. در مقدمه این نسخه برگردان به دارنده اصلی نسخه اشاره‌ای نشده است، اما از یادداشتی که در پشت نسخه نوشته شده برمی‌آید که ظاهراً متعلق به کتابخانه آقای محمدحسین حسینی جلالی - فراهم‌آورنده آن چاپ - است.

نسخه در ۹۷ صفحه نوشته شده و هر صفحه دارای ۹ سطر است. با اینکه نسخه دارای انجامه است، اما متأسفانه تاریخ کتابت آن نوشته نشده ولذا نمی‌دانیم که در چه تاریخی نوشته شده است. فقط یک یادداشت خرید در پشت نسخه دیده می‌شود که به تاریخ یازدهم شعبان سال ۱۳۵۶^۱ نگاشته شده و می‌توان گفت که پیش از این تاریخ کتابت شده است.

قلم نسخه نستعلیق شکسته آمیز هندی می‌باشد و بر دست دو کاتب نوشته شده است. قلم نسخه از آغاز تا صفحه ۲۸ خواناً بوده و نسبت به صفحات سپسین، کم‌غلط‌تر است، اما از صفحه ۲۸ دگرگون می‌شود و همراه با زشتی و ناخوانایی، نادرستی‌های آن نیز افزایش می‌یابد. در حاشیه نخستین سطر از صفحه ۲۸ نوشته شده: «ازینجا شروع خط محمدعلی شاه». و این یادداشت نیز دوگانگی قلم نسخه را تأیید می‌کند. در صفحات ۵۹، ۶۰ تا ۶۴ شماری از ابزار صحافی و فنون وابسته بدان به شیوه نازیابی ترسیم شده است.

نکته باشته یادآوری درباره نسخه اینکه گویا این دستنویس بخشی از یک مجموعه بوده است، چرا که در کناره انجامه اثر (ص ۹۷) یادداشتی بدین قرار دیده می‌شود: «مرقومه خط محمدعلی من جمله ۵۰ ورق از هر دو رساله».

دسترسی به این نسخه از طریق چاپ نسخه‌برگردان آن صورت گرفت. مشکلی که در چاپ این نسخه پیش آمده، جایه‌جا چاپ شدن صفحات رو و پشت هر برگ است.

۱. این عدد در نسخه شیوه به ۱۲۵۶ نوشته شده، ولی با مقایسه عده‌هایی که در متن نوشته شده روشن است که عدد ۱۳۵۶ درست است.

در موادی که خوانش «ب» و «م» دقیقاً برابر یکدیگر بود، مشخص است که نسخه «م» (مدرس) چنان ضبطی داشته است ولذا در این موارد به جای اشاره به دو نشانه اختصاری «ب» و «ن» از نشانه «م» استفاده شده است. بنابراین، جز در بیت‌های ۴۵۴ آنجا که در پاورقی‌ها نشانه اختصاری «م» به کار رفته نشان‌دهنده همگونی «ب» و «ن» است.

برخلاف شیوه رایج در چاپ شکل‌های متون که تصاویر را از نو ترسیم می‌کنند باور مباری است که باید همان شکل‌های مندرج در نسخه‌ها را به چاپ رسانید و لذا در این چاپ از تصاویر مندرج در نسخه‌ها استفاده شد. خوب‌بختانه همه – یا اکثر – تصاویر متن که در نسخه مدرس ترسیم شده، در تصویری که آقای مایل هروی در کتاب آرایی در تمدن اسلامی چاپ کرده‌اند موجود است و لذا توانستیم که برای اکثر شکل‌ها تصویر هر دو نسخه را به چاپ برسانیم.

شیوه کار بدینگونه بود که پس از مطابقت تصویرهای دو نسخه و بررسی جایگاه آنها در متن، شکل‌های دو نسخه را یکجا درج کردیم و در این موارد همواره شکل مندرج در نسخه جلالی را در بالا و شکل نسخه مدرس را در پایین آن قرار دادیم. دیگر شکل‌هایی که به صورت منفرد دیده می‌شود همگی مربوط به نسخه جلالی است.

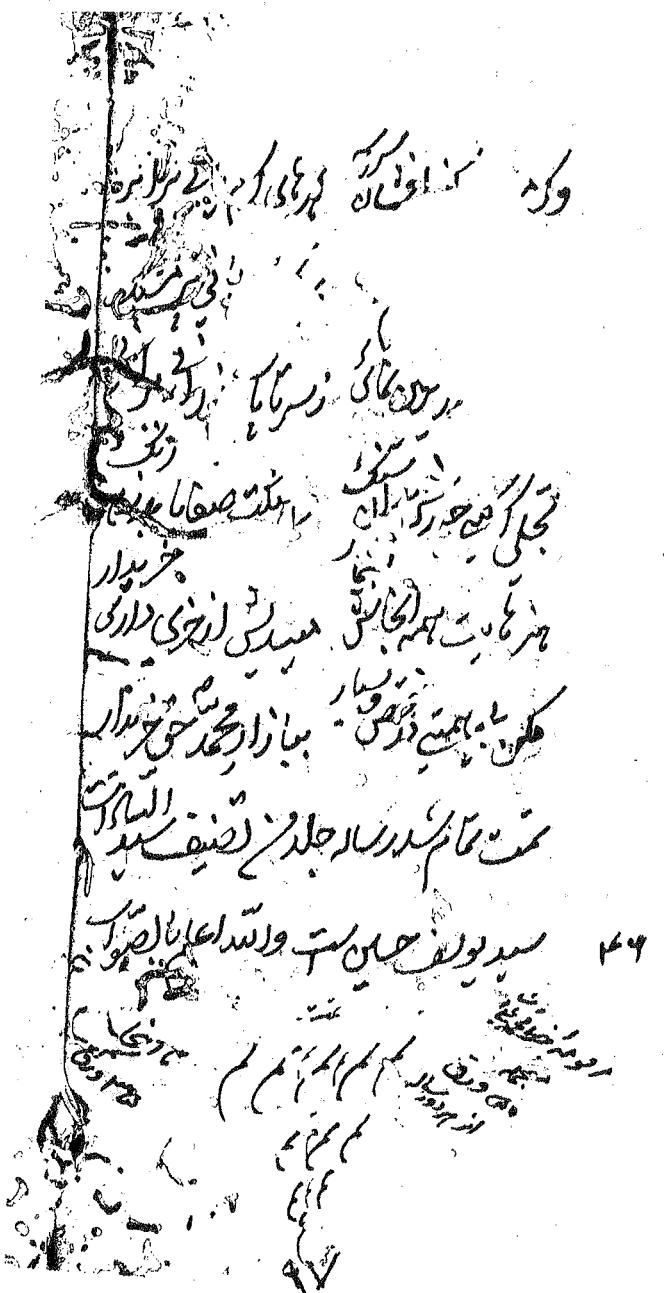
علی صفری آق قلعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پکو خود آن مجلد را که از زمین
لندخی پیدا کی این جلد آدم
نه بی صانع کر زین اجزای پر
بو صلت و صل ده سده
بست خواهی و جو دار از سرد و قدر
هم از خشکی و سردی کم و کم
وقت کیف قلعه اشتابی
پرداز از پاد غیر خود جدا
پس از همچو پیر ازه کرد
با ه در دن خود شیر ازه کرد
زمهین و آسمان پیشکش خود
کشیدم زرد و بی داشت خود

٢٣٦

بیکل نمی باده هفت	چه خرسک کرد می باشد
دو پوکن طول آن و عرض آن کرد	کم می باشد
تقریباً برابر با توک شد	تقریباً برابر با توک شد
چه خرسک را توک نمی شود	چه خرسک را توک نمی شود
پوکه پایه دارد	پوکه پایه دارد
قدرت بسته و کم شود با	قدرت بسته و کم شود با
لشته بکر و زاره تقویت	لشته بکر و زاره تقویت
بین خرسک مواد صد اهم	بین خرسک مواد صد اهم
و خطر بر طرف فاسد پور	و خطر بر طرف فاسد پور
قدر بخوبی کرد و راساز	قدر بخوبی کرد و راساز
دو زاره کاری باز	دو زاره کاری باز
و خود را در کسری	و خود را در کسری
کنایه ای از زیر است	کنایه ای از زیر است
دو زاره کاری کنکر اگر	دو زاره کاری کنکر اگر
برنک قدر بخوبی کرد و دلی	برنک قدر بخوبی کرد و دلی
که اندام و غیره را	که اندام و غیره را
شکسته شکله بخوبی کرد	شکسته شکله بخوبی کرد



رساله جلدسازی

کند "جزیندی" این جلد آدم
به وصلش وصل کرده، ساخت دفتر
هم از خشکی و سردی گرم و تربست
بداد از یاد غیر خود جدایی
به آه درد خود "شیرازه" کرده
كتابم را درو بی دست و پنجه
نموده نقش نه ماندیک یک
به "سگه" ^۳ جلد را تفحیم ^۴ داده

[۲-۱]

[۲-۱]

۱ بگو حمد آن مجلد را که از دم
زهی صانع کزین اجزای ابتر
مقوای وجود از سرد و تربست
به وقت سیف قاطع ^۱ آشنایی
به تار هجر خود "پیرازه" کرده
زمین و آسمان پیچد "شکنجه"
به بی آلت، کتابم را "مشبک"
سما را چون ضیا تجسيم ^۲ داده

۵

۱۰ نسبی الله شهر ^۹ علم گشته
نخست از باب و بواب است کارم
پس آنگه شهر علم و شهر یارم

[۴۶-۰] [۰-۴۶]

نعت سید المرسلین ^۵

«علی بابها» را در نبشه
نخست از باب و بواب است کارم

.۲. ن: «تجیم».

.۱: «قطع»؛ مطابق ن تصحیح شد (نک: تعلیقات).

.۳. عبارت «به سگه» در ا سفید مانده است؛ از م افروده شد.

.۴. ب بیاض است؛ ن [درون کروشه]: «نقویم».

.۵. ب: «در نعت سید المرسلین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم». در اینجا به اندازه سه سطر در

.۶. م: «شهری».

که باغ خشکِ دین را آب باید
کند ز اعراب زینت حرف‌ها را
[۱-۵] "معرب" کرد قرآن را به یکبار
چنین شد استماع اnder روایات
به زلف و خال و سمه کرد تزئین
ولیکن از قبا^۳ عریان نشسته
ردای "عطف" را فگنده بر سر
مجلد را علی شد دستگیری
نه بهر جلد؛ ز اوول دستگیر است
خوش آن^۵ جان کو محب خاندان است
«رضی الله عنهم» گفته، رفتم

بگفتا: يا علی! اعراب باید
ندارد جز توکس این کشف‌ها را
چو محرم بود هم دانای اسرار
همش از "وقف"^۱، مطلق کرد آیات^۲
عروسِ بُرْهَنَه چون گشت تعیین
جمال و زیب و زینت جمله گشته
قبای "جلد" پوشانیده در بر
غرض هر قوم^۴ را راه است و پیری
بحمد الله مرا راه است و پیر است
مرا حب علی در دل چو جان است
سخن در مدعای خویش گفتم

۳۰

۳۵

[ن-۴۶] نشست و کرد جزوی چند در پیش
به جلدی این ورق‌ها را برآری
نگفتم من که این فن را ندانم
ضمیر من بدین روش نبوده
[ب-۴] «یدالله» نام و علوی باصفایی
بیاموز ار بدانی بهر الله
پس از "پشتنی" به "شیرازه" سپردن
نهادم انگهی^۶ بر پاش سر را
[ا-۷] بیاوردم به درویشی سپردم

مگر وقتی رسید از غیب درویش
بگفتا گر به حق توکار داری
پذیرفتم کزو من جلد دانم
دران وقتی مرا این فن نبوده
مرا یک شیخ بوده آشنایی
بر ایشان بردم و گفتم که: ای شاد!
پذیرفتند و "جزیندی" نمودند
پسندیدم از ایشان ایسنقدر را
به اتمامی که بود آن را نمودم

۴۰

۴۵

۱. م: (+ و). ۲. ۱: «- مطلق کرد آیات»؛ از ب تصحیح شد؛ ن: «کرد و آیات».
۳. ب: «بی قبا»؛ در اینیز بالای سطر آمده: «بی». ۴. م: «مرقوم».
۵. ا: «حوشان». ۶. ا: «+ به»؛ ب و ن: «وانگهی».

[۳-۱] «و يطهركم تطهير» آند ایشان
همش در «سعیکم» گفته است^۲ مشکور
علی بُد^۳ کاشف اسرارِ تنزیل
همه اسرارِ حق مکشوف بوده
سaran^۴ خصم را سرها فگنده
محبّان را به زیر سایه دارد
به «و انصار من نصر» مقبول، باران
جز این در^۵؛ ز آن نبی این باب دارد
علی بابها^۶ ز آن کرد محرم
چو محرم نیست کس زان کس گراید^۷
جز این ره^۸ گر روزی خوفست پُر مار [ب-۳]

۱۵ «لیذهب عنکم الرجس» آند ایشان
چو در حق «یطعمون» حق کرد مذکور^۱
علی بُد واقف توریة و انجیل
زبورش با صحف مصروف بوده
ز «عاد من عادا» رانده
به چتر «وال من والاه» آرد
ز «واخذل من خذل» مخدول، خصمان
کجا اجماع خلقان تاب آرد
علی در شهر علمش بود محرم
به شهر اندکس آید، محرم آید
۲۰ صراط و باب و شهر اینست ای یار^۹

سبب وجود جلد^۹

چو ذی النورین عثمان بن عفان^{۱۰} عقان
بسی ز اطراف قرآن جمع کرده
از آن جمله یکی قرآن برآورد
یکی رابرگرفت و دیگران سوخت
ولیک از زینت اعراب مانده
۲۵ فگنده خویش را در جمع قرآن
به جان پروانه گشت^{۱۱} آن شمع کرده
دگر سی بود قرآن‌ها چو بشمرد
چراغ دین به نور مصحف افروخت
چراغ افروخته تا دررسانده^{۱۲}

۱. «کرد مذکور» در ا سفید مانده است؛ از م افزوده شد.
۲. م: «بود». ۳. ب: «وز»؛ ن: «ور». ۴. ن: «سرآن».
۵. ا: «نیست کس گر آید»؛ از ب تصحیح شد.
۶. ا: «ای یار»؛ از ب افزوده شد.
۷. ا: «- جز این ره»؛ از ب افزوده شد.
۸. ا: «- جز این ره»؛ از ب افزوده شد.

۹. این عنوان در ب و ن موجود نیست؛ در اینیز این عنوان پیش از بیت ۹ درج شده است اما جایگاه آن در
این موضع درست تر می‌نماید ولذا آن را بینجا منتقل کردیم.
۱۰. ا: «ابن». ۱۱. ا: «کشته»؛ از ب تصحیح شد.
۱۲. م: «نا در رسانده».

بر آن وزنی که باشد خوب و دلخواه
بسا و آمیز آن را جمله یکسر
قوام او قوامی^۱ دان جلابی
جدا کن عقد و تار و دار^۲ کاغذ
که تا بر هم نیفتند آن ورقها
بچسبانی و بر "تخته" گذاری
ز همواری او هرگز نسالی
حباب و چین بچین^۳ در هم مچسبان
بکن "مهره" که گردد خشک کاغذ
چنین چسبان ولی بشمار^۴ کاغذ
به طول و عرض هفت^۵ انگشت باشد
زياده گر کنی آن هم پسند است^۶
به طول و عرض چند انگشت باشد
بسازی و بچسبانی مر او را
دو بسته^۹ هم برین وزنش نشانی
تو گر زین به کنی «حیاک» گفتم

[۱۰-۱] [۱۱-۱]

"نشسته" پخته کن یک سیر و آنگاه
"صیر" آری سه "توله" ای برادر
نمی باید غلیظ و هم نه آبی
ز هر قسمی که باشد آر کاغذ
برابر کن تو اطراف ورقها
بدان مقدار خواهی کاغذ آری
سپس "آهار" بر کاغذ بمالی
بچسبان کاغذ و بر هم مچسبان
بنه بر روی آن یک خشک کاغذ
علی هذا القياس "آهار" و "کاغذ"
اگر حجم^۵ کتاب انگشت باشد
مقواش زده کاغذ بسند است
وگر حجمش^۸ چهار انگشت باشد
به سی و بیست می باید "مقوا"
"قلمدان" کن و یا "جزدان"؛ تو دانی
طريقی را که دانستم بگفتم

۷۰ ۷۵ ۸۰ ۸۵

فصل دوم

در بیان وضالی و فضالی^{۱۰}

بکن "وضالی"^{۱۱}، از خود جوی فصلی^{۱۲} [ن-۴۶۳]

شوای دل پاره پاره بهر و صلی

۱. آ: «او قوام»؛ از ب تصحیح شد.
۲. ن: «عقد و تاروار».
۳. ن: «چین مچین».
۴. ب: «چسبان ولی بشمار»؛ ن: «چسبان ولی بشمار».
۵. آ: «حجم».
۶. م: «عرض چند».
۷. این بیت و بیت سپسین در نسخه مدراس موجود نیست.
۸. آ: «حجمش».
۹. ن: «پوست».
۱۰. م: «در بیان ساختن وضالی و فضالی گوید».
۱۱. شاید: «فضالی».
۱۲. آ: «+ و».

و گرنه من ازین بیزار بودم
که عند الله می باید کمر بست
بکن تعلیم ازو کین فن بسی هست
همه دانند از مه تابه ماهی
به شهر نیک خصلت شهریاری
پس از تعلیم او کردیم تعظیم
عجایب رحمتی ناگاه آمد
دو سه^۳ کرسی مجلد بود نادر
[۸-۱] بتقوی و قناعت کار بوده
به حلم و سلم خود یکتاش بوده
مجلد کرد آن استاد نادر
به حق احمد و حیدر نگهدار
به توفیق حق دادار اکبر
به علم جلد بس داناش بوده
به لطف و حسن خلق آن «عبد قادر»
خدایا! جمله حاجت‌هاش برآر
به نظم آرم کنون این نشر ابتر

۵۰ ۵۵

فصل اول

در ساختن مقوا و آهار

بیار ای دل به هم اوراق ابتر
نخستین باید سازی "مقوا"
"مقوا" را نخست "آهار" باید
به آب صمغ^۴ سیری حل می‌ساز
مقشر ماش را پنج سیر^۵ می‌آر
به آن آبی که از صمغ است دانی

۶۰ ۶۵

[۴۶۲-۱] [۹-۱] [۵-۱]

مجلد باش و می‌کن جمع دفتر
پس آنگاهی شوی در کار، دانا
که بی "آهار" چیزی کار ناید
به جامه بیز و در ظرفی بیندار
بکن آس و به جامه بیز و بگذار
بی‌یامیزی به این مذکور ثانی

۱. م: «نیست»؛ قافیه مصراع سپسین نیز چین است.
۲. ب: «وسه».
۳. آ: «بایی صمغ» که درست است اما به دلیل نامتعارف بودن این شیوه تلفظ، از م بدین‌گونه تصحیح شد
۴. نک: تعلیقات).
۵. آ: «بحسیر».

فصل سیوم [ب-۷]

در بیان "جُزبندی" و "سیفه"^۱ و "پشتی" و "پیرازه"
و "شیرازه" و "شکنجه"

شوای اجزا همه جمع از پی کل^۲ [ن-۴۶۴]
پس آنگه جزوها در دست جمع آر [۱۴-۱]
به قطرِ ایمن و ایسر نشان کن
که بی این راست "شیرازه" نیاید
فراهم آر و جمله ساز دفتر
بنه اندر "شکنجه" پیچ^۳ او را
بدار آنگه بپیچ^۴ ای جان مادر
یکی "یکبندی" و دیگر "دوبندی"
به "جدول" راست می کش آن نشانها
گذاری شیب و بالا از کتابش
فرو بر در نشان جزو بی کم
گره بر پشت او می زن بر ونش
به پشتش زن گره تار از درون گیر
دو بندی "جزوبندی" این توای یار
به نوع او لین سرتاگزیدن
بکن یک حصه زان حصه نشانه
کنی سوزن فرو در نقطه شاید
به زیر هر یکی سازی روانه
سراپا نه چو اول نی از آن کم

سحرگه ناله زد در باغ ببل^۵ ۱۰۵
نخستین سطر رابر سطر بگذار
میان هر یکی "جزدان" نشان کن
برای "جزوبندی" کار آید
بنه اطراف اوراقش برابر
شکنجه^۶ نه به "تخته سنگ" و اجزا^۷ ۱۱۰
فراز و شیب وبالایش برابر
دو نوع آمد^۸ طریق "جزوبندی"
دو جا می کن نشان بر پشت اجزا
دو خط آیند بر پشت کتابش
بکش در خرط محيط تار ریشم^۹ ۱۱۵
چنان کش تار باشد اندر ونش
دو جزو ش واگذار از اندر ون گیر
شد آن؛ دیگر یکی را گوش می دار
به پشتش چار خط باید کشیدن
قرین سازی دو خط را در میانه^{۱۰} ۱۲۰
به پشت "جزو" زآن خط نقطه آید
ولیکن تار نسبت^{۱۱} در میانه
چنان کش بافته آیند در هم

۱. آ: «سفینه».

۲. شاید «گل» هم بتوان خواند.

۳. آ: «پیچ» (نک: تعلیقات).

۴. آ: «به پیچ» (نک: تعلیقات).

۵. آ: «ثیب» [بی نقطه با]; م: «منبیث»؛ ب: «مسبیث»؛ متن از ن است.

که "آهار مقوّا" کار ناید
به آبی حل کنی در ظرف داری [ب-۶]
کشافت گر بود با جامه بیزش
به جای پاک، سر پوش و نگهدار
درستش ساز اول نیست چاره^{۱۲} ۹۰
به مقدارش بُر و آنجاش بگذار^{۱۳}
بران پاره بمال "آهار" هموار
درستش کن به دست و چست چسپان
بکن با ضرب یک^{۱۴} در یک یک او را
یک از اول یک از آخر بکن بست
دگر افرادها بر جاش چسپان
فراخ از پای و باریک از جبین اش^{۱۵}
تراشیدیم یک گردد ورقها
و گرنه آنچنان گفتم چنین کن
بجز متنش نباشد چیز دیگر
و یا هر زنگ خوش آید به هم تن^{۱۶} ۹۵
میان بروزن متنش پاره سازی
چنان کش گوید آن کن که آن به
که بی "کرسی" نمی بینم نشانی
چه گوییم بارها مکشوف بینی
"مرقع" هم بدین مفهوم گردد

۱. م: «فالوده».

۲. ن: «همزنگ»؛ متن از ا و ب است.

۳. م: «مگذار».

۴. م: «بکن بان ضرب یک»؛ ن: «بکوبان ضرب پتک».

۵. در ا بصورت «دوسی» نیز خوانده می شود.

۶. آ: «جبینش»؛ متن از ب و ن [هرچند قائم کننده نیست].

۷. آ: «از چین اش» که وزن را مخلل می کند؛ متن از ب است.

۸. م: « ساعتی کرسی».

به "کرسی" کش برون خط سیاهی
که "سوهان" به بُود از "سیفه" رانی
ازین هریک کنی هموار هموار
وزان سازی جلا^۲ بگرفته در کف
بکن وا از "شکنجه" نه به جا صاف [ب-۹]

[پیرازه]^۳
که بعد این همی بینم صوابش
در آنجا پارچه "کاغذ" گذاری
بنه عرض ویش^۴ هم نیم انگشت
چنان کش هر دو سر در هر دو چربند
چنانچه گفته ام باید نشاند
ولیک آنجا کنی "شیرازه" او را
به عرضش عرض چونه کن "فتیلک"
[ن-۴۶] فتیله "نیز تابی"^۷ مثل اینها
بزرگی را بزرگش ساز ای شه^۹
بجو بر جای "شیرازه" صوابی
به یک سر زن گره یک بیش و یک کم
نهادی به این کاری تو یارا
کنی "پیرازه" و "شیرازه" در خور
برون پشت کش ای یار جانی

"حوالشی" را بدان قدری که خواهی
به بُر از "سیفه" یا "سوهان" - تو دانی -
غرض از "سیفه" و "سوهانت"^۱ هموار
۱۴۵ پسش خشت سیه پخته مجوف
همین نوعش کنی هموار اطراف

بگیری بهر "پیرازه" کتابش
نشان "چزو بندی" یاد داری
بُر "کاغذ" مطوق چارانگشت
دو تاساز و بنه در جای "چربند"
۱۵۰ به دو انگشت کش بگرفته ماند
همین نوعش نهی در جمله اجزا
"مُترش"^۵ سختیان آری و جب^۶ یک
کبیر و خرد و وسط آمد کتبها
برای خرد، کن باریک چون که^۸
۱۵۵ "فتیله" نه به عرض هر کتابی
به خرت "ابره" کن یک تار ریشم
در آن جایی که کاغذ پاره ها را
بگیری در "شکنجه" کنج دفتر
فرو بر "ابره" در جای نشانی

۱. ا: «سوهاست»؛ متن از ام است.
۲. م: «جلد».
۳. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۴. م: «و پس».
۵. ب: «ترش»؛ ن: «بُرش». ۶. م: «و چسب».
۷. م: «بافی».
۸. م: «کاه».
۹. م: «شاه».

فراموشی مکن جمع آر و می خند [۱۶-۱]
مریع^۲ را به "یک بندی" پسندی [ب-۸]
کتب در وی نهی پیچی^۳ به پنجه [۴۶۵-۵]
برابر در "شکنجه" ساز چسپان
دو پاره از "مقوی" نه به تحت آن
شکنجه^۴ چست بست آنگاه شاید
که بی این، "جلد" هرگز راست ناید
به "پشتی بند" او ز این چاره گیری
کنارش از میان باریک تر دار
۱۷-۱ طولش عرض را داری زیادت
کشی "مهره" ز همواری ننالی
بسی محکم که تا گردد قوی پشت
دو "پَرَك"^۴ جلد بستن را بداری
پس از خشکی برون آری کتابی
درست اطراف سازی واگذاری
خوش و هموار آنگه ساز چسپان
فرو بگذار چسپان آیدش راست
که بعد از "سیفه" بگشایند او را
پسش از "سختیانی" پاره گیری
تراشی "سختیان" باریک و هموار
به طول و عرض آن پشت کتابت
سپس^۳ بر پشت آن "آهار" مالی
بچسپان "سختیان" آنگاه بر پشت
چو عرض "سختیانش" پهن داری
پس آنگه ساز خشک از آفتتابی
به مقدارش "مقوی" را بیاری
"مقوی" را بکن یک طرف "سوهان"
بدان مقدار کآن جرم "مقوی" است
۱۴۰ نه چندان چست چسپانی^۵ مر او را

[سیفه کشیدن]^۶
بگیری^۷ در "شکنجه" باز چستش^۸ به "سیفه" قطع ساز و کن درستش

۱. ا: «پنچی».
۲. ا، ب و ن: «کوری»؛ (نک: تعلیقات).
۳. م: «پشن».
۴. ب و ن: «برگ»؛ متن از ا و م است (نک: تعلیقات).
۵. م: «بچندان چسپ حسپانی».
۶. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۷. م: «نگیری».
۸. م: «پستش».

[۲۲-۱]	علی هذا القياس این را پذیری بگیر از تارِ "پیرازه" توای جان دو "سوزن" راست ران تا انتهای را مر این را "راست رفتن" ^۱ نام دارند [ن-۴۶۷]	همین نوع آن دگر "ابره" بگیری چو باز آیی روی یک زین و یک زان نخست از راست گیری ابتدای را چو "سوزن" بر سر "سوزن" برآرند [۱۸۰]
[۲۳-۱]	که از چپ راست ناید کار، مارا نشانش خط ورب ^۲ نقشی نماید مگر این را به نام ^۳ "چپ" پذیرند همان "موجه" ازین دریا زند سر به شیرینی ^۴ "نیشکر" بلاعفی به شکلِ دال آن را خوش نمایی که بس محکم شود ای یارِ دلدار جز این خود را می‌فیگن در کشاکش بکن پس نقش‌های تازه هر دم بگوییم وصف آن را چون ^۵ پذیرند [ب-۱۱]	ز چپ هم راست باید رفت یارا همه گر راست بافی "موجه" آید چو "سوزن" زیر هر "سوزن" بگیرند همه گر "چپ" ببافی ای برادر یکی گر راست یک گر چپ ببافی چهار از راست، چار از چپ گر آیی ورای ^۶ آن "فتیله" پوش ناچار چو "سوزن" می‌کشی سوی خودش کش چو ببافیدن تو را معلوم کردم پس از اتمام این در "جلد" گیرند [۱۹۰]
[۲۳-۲]	فصل چهارم در بیان اقسام و چگونگی سختیان و شستن و تراشیدن و چسبانیدن آن ^۷	

و یا خُرد است یک انگشت داری
که تابد بر^۸ فتیله تارهایش^۹
به هر جزوی گره صد^{۱۰} بسته گردد
که آید چین به روی کار؛ باری
وسط آمد امورِ دین؛ تو دین دار
که زوج آیند در "شیرازه" ای مرد
به^{۱۱} "شیرازه" دگر رنگی پسندی^{۱۲}
پس از اتمام این "شیرازه" جویند
[۲۱-۱] [۱۰-۱] [۱۰-۲]

به مقدارِ دو انگشتش گذاری
به هر جزوی فرو می‌بر و می‌کش
نه چندان کش که تار اشکسته^{۱۳} گردد
نه چندانش کشی آهسته تاری^{۱۴}
وسط را پیش‌گیری بهر هر کار
بداری تارِ "پیرازه" همه فرد
بدان رنگی^{۱۵} که "پیرازه" به بندی
مگر^{۱۶} این را سلف "پیرازه" گویند

شیرازه و انواع آن^{۱۰}

پس آنگه راه ببافیدن بپویم
دگر چون دال در "دالی" پسندی^{۱۱}
همین^{۱۲} نوعش بسی "شیرازه" جویند
که این از غیب می‌آید سروشی
دو رنگی کن بریشم ساز دویک
بکش بر مثل^{۱۳} "پیرازه" که دانی
چو کشته بند^{۱۴} "شیرازه" کنندش
ز دو سوزن یک از بیخش^{۱۵} برون آر
بگیر از زیرِ "پیرازه" ز دو تار

۱. «تاید بر» [پس از «تا»] یک الف کوچک افزوده شده است؛ ب و ن: «که آید هر».

۲. در ا «مارهایش» نیز خوانده می‌شود.

۳. ب و ن: «پاره گشته».

۴. م: «حد».

۵. م: «یاری».

۶. م: «بگیر».

۷. م: «و».

۸. م: «بنندی».

۹. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ماست.

۱۰. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ماست.

۱۱. م: «موجه».

۱۲. ا. «همی»؛ از ب تصحیح شد.

۱۳. م: «گوییم بیانش».

۱۴. م: «کرد در».

۱۵. ا. «بخشنش»؛ از ب تصحیح شد.

[۲۴-۸]	به رنگ «صبغة الله» شو مصیغ پس آنگه شستن و بستن بجویم سیه گنده نباشد، هم ^۹ نه بی‌رنگ مشو پوشیده ای چرم مدبغ نخست از "سختیان" اقسام گویم بیاری "سختیان" باریک و ^{۱۰} خوش رنگ ۱. م: «راست رفتشن». ۲. م: «راست رفتشن». ۳. م: «باتام». ۴. م: «بشبیرنی»؛ ب: «بشبیرنند»؛ ن: «به شیر بند». ۵. م: «دو رأس». ۶. م: «آن چون بند». ۷. م: «آن». ۸. م: «و». ۹. م: «بنه گنده که هم باشد»؛ متن از ا است.
--------	--

بمال آنها که خواه خاطر^۱ آید
بسازی اینچنین کین زوست اسهل
دقیق از جواهی کن تو مدخل
که آید بعد روزی چند کار آن
که زر حل گشته است اندر سیاهی
هر آن نقشی که در خاطر برآید
نیابی گر تو یارا جنس از حَلّ^۲
به ظرفی آب زیره، پاره نعل^۳
بکن "گلقدن" و نه در مهر تابان
به از حَلّ^۴ خوش نماید این سیاهی

فصل پنجم

در کندن منبت بر مقوا و چسبانیدن ورقی و تراشیدن سختیان
و چسبانیدن و منبت برداشتن [۱-۲۷] و لنگر دادن
و بر کتاب بستن و جلا دادن و قلمکاری کردن^۵

[۴۷۰-۱] «تعال» آید خطاب از نفس خود «دع»
«مقوا» را بنه آهسته بر «چرم»
دو انگشت از طرفها واگذاری
و گریک پاره خواهی هم خوش آید
که بهر کار می دارند او را
برای نرمیش مالی چنین ها^۶
به سه انگشت چون "خامه" بگیرند
به چوگان ارادت زو زدی گوی^۷
تراشیده شوای "چرم مقطع"
به آبی تربکن آن "چرم" را نرم
به مقدار "مقوا" خط برآری
دو پاره گر کنی هم دلکش آید
زیاده بر دو انگشت از مقوا
ز مالش^۸ برگشایی جمله چینها
شتو "نشگرده" چون در دست گیرند
میان کف بنه آن دسته چون گوی
۲۲۰
۲۲۵

۱. ب: «خاطر خواه». ۲. ن: «پاره[ای] بقل»؛ متن از ۱ و م است.

۳. ا: «به زرحل»؛ متن از م است.

۴. م: «در مقواه کندن منبت بر مقواه چسبانیدن ورقی تراشیدن سختیان چسبانیدن و منبت برگماشتن و لنگر دادن و بر کتاب بستن و جلا دادن و قلمکاری کردن و مستور نمودن است».

۵. م: «زمانش».

۶. ا: «زو زدین کوی»؛ م: «رو درین لوی»؛ ب: «رو درین پوی»؛ ن: «رو درین کوی»؛ با توجه به مضمون و

به ویژه اشاره به «گوی» چنین تصحیح شد. ضمناً در حاشیه آنو شده: «ازینجا شروع خط محمدعلی شاه» و از اینجا خط نسخه دگرگون می شود.

[۲۴-۱] همه بشنو ز من^۹ ای یار دلبند
ولی از چند علت دور باید
خراسیده شود تن از مغیلان
نگردد دور هرگز از تراشش
نخواهی داغدار ای مرد تمکن
بفرش خواه رنگین سخت و گرنم^{۱۰}
به پشت "سختیان" مالی کنی سیر
به شست و شوبدار از پیش پاسی^{۱۱}
کش آید روغن از اندام بیرون
که در شستن برآید آب چون در
ز لیمو چار سه^{۱۲} پس شوی در حال
شود مقبول دل ای یار آن چرم
تو شستن^{۱۳} را شناور من نهانی
بیامیزی به او "جغرات" سیری
بنه یک پاس در خورشید تابان
بمالی "شیره لیمو" چنانش
به مثل سرخ شویند آنچنانش
بگویم ساختن؛ بشنو خدara
بسازی "نعل پاره"^{۱۴} چند مدخل
به کار آید تورا هر جا که باشد

[۲۵-۱] ۲۰۵
[ب-۱۲] ۲۱۰
[۲۶-۱] ۲۱۵
[ن-۴۶۹]

۱. م: «بشنو ازین».

۲. ا: «سخت و نرم» [مخدوش است]؛ م: «سخت گرنم»؛ متن ما تلفیقی از دو نسخه است.

۳. ا و م: «باشی»؛ متن از ن و با توجه به بیت ۲۰۸ است.

۴. ا و م: «باشی»؛ متن از ن و با توجه به بیت ۲۰۸ است.

۵. ا: «کاذر» (نک: تعلیقات).

۶. م: «چار و سه». ۷. م: «نوشتن».

۹. م: «بغل باره» [این نقطه بای دوم]؛ در بیت ۲۱۶ نیز «پاره نعل» ضبط شده است.

به رنگ پنج و چارش "جلد" بنده
نخستین "سختیان سرخ" آید

رود چون بُز به خوردن در بیابان
خط ابیض بماند از خراشش

دگر مو را تو بر اندام مگزین
به کار "جلد" ناید اینچنین "چرم"

ز "روغن کنجد" آری ربع از سیر
بنه در تابش خورشید پاسی^{۱۵}

به ظرف از آب شیرین" شوی اکنون
بزن بر سنگ هموارش چو گازر^{۱۶}

بکن پس نیم خشک و شیره اش مال
چو گردد خشک، گردد سرخ و هم نرم

دگر آن "سختیان زعفرانی"
ز "روغن کنجد" آری ربع سیری

به پشت سختیانش مال جانان
نخستین وضع شویی^{۱۷} سختیانش

"سفید" آرند دیگر سختیانش
سیه سازی سفید و سرخ یارا

به ظرفی آر سیری تند از حَلّ
نگه داری به خانه تا که باشد

[آماده‌سازی مقواهای دو دفه جلد]^۱

که فارغ‌گشته اکنون از کشاکش
[۲۰-۱] "حوالی" بهر "زنجره"^۴ نگهدار
ولیکن بر سر مرکز سپاری^۵
بدان مقدار "زنجره" گذاری
"منبّت" ها به دانایی نشانی
به دیدارش دلم افزون گشاید
به طول و عرض نه بر خط دو "گنجی"
به سر "سربرگ" و جای گنج "گنجی"
به هریک تا نماید چون منبّت
بدان مرقوم کاویدن پذیری^۷
زیک ریعش به کاویدن برآری
ولیکن گنجها را تیز می‌دار
به "عطف" و "لوخ سر" ای یار دانا
سه حصه عرض نه پس یک^{۱۰} نشان کن
به بُر بُر مثل کنگربی شک آن را
به هر کاری هنر را روح باشد
که در زیرش بسی روزی بیاید^{۱۳}
ولیکن^{۱۴} نقش بر رویش نپاید^{۱۵}

بشو چسپیده ای^۲ "چرم متّرش"
مقواهای مذکورش نخست^۳ آر
دو خط بر طول و عرض آن برآری^۶
بر اطرافِ "مقوا" خط برآری^{۲۴۵}
زمین^۹ آن "مقوا" را بدانی
چنان کش دلبر و موزون نماید
دو خط کش بر میان پشتی تُرنجی
میان آن مقوا نه تُرنجی^{۲۵۰}
پشن خط کش بر اطرافِ "منبّت"
پس آنگه "نقش بُر" در دستگیری
سه ریعنی از مقواش بداری
درونش را بسی بتراش^۸ هموار
همین نوعش بکن هر دو مقوا
چو ساز^{۱۰} "عطف" خواهی نیم آن کن
دو بخش از عرض بگذار و یک آن را
به حجم^{۱۱} هر کتب^{۱۲} "سرلوح" باشد
زکندن نقش بس خوش تر نماید
ز ناکندن هم ارچه خوش نماید^{۲۵۵}

به "نشگرده" تراش آن خام پخته^۱
نگه کن ریزه از "چرم متّرش"^۲
تراش آغاز سازی از کنارش
کنی باریک و بس نازک کنارش
نماید روی^۴ از صافی برونش
بسی هموار بتراشی تو آن را
نه گنده خواه و نه^۵ نازک میان را
روا هست ار کنی باریک ای یار

نوع دیگر تراشیدن سختیان را^۶

بزرگ و خورده و تیز و کند، هش دار^۷
بر آن سختیان صاف کرده^{۲۹-۱}
بسی آهسته ای مزدور مغور
به خشت آسوده می‌ماند به جایش^{۲۳۵}
وز آن تاریک و زخمی گردش^{۱۱} جان
که چون ترگشت بهر کار ناید
چنین کردن استادان دوران
تو هم پنهان بداری بهتر این را^۹
ولیکن کم کسان دانند این را^{۱۲}
تراشیدن چو شد معلوم زین پس^{۱۰}

۱. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ماست.
۲. ب: «وای»؛ ن: «وان».
۳. م: «بخشت».
۴. آ: «زنجره»؛ از ب و با توجه به بیت ۲۴۵ وزن بیت تصویح شد.
۵. م: «بیاری».
۶. ب: «زمینه» [جالب توجه است].
۷. آ: «بریزی»؛ متن برابر م است.
۸. آ: «تراش»؛ متن برابر ب است.
۹. در ابصورت «سازد» نیز خوانده می‌شود.
۱۰. م: «عرض نیش یک».
۱۱. م: «حجم» [اشتباه مؤلف است و در جاهای دیگر تکرار شده است].
۱۲. م: «هر».
۱۳. م: «نیاید».
۱۴. آ: «ولیک»؛ متن برابر ب است.
۱۵. م: «نیاید».

۱. م: «سنگ و تخته».
۲. آ: «تحیة»؛ متن از م است.
۳. ب: «ازبر و سوراخش»؛ ن: «زبر و سوراخی».
۴. آ: «+ و»؛ متن برابر با ب است.
۵. آ: «گنده خواهی و»؛ ن: «گنده خواهی نه»؛ متن برابر ب است.
۶. م: «نوع دیگر در تراشیدن سختیان است».
۷. م: «درآر».
۸. م: «تاریک».
۹. م: «گنده‌اش دار».
۱۰. م: «جان».
۱۱. آ: «کردنش»؛ متن برابر م است.
۱۲. م: «ترashید جز ازین».
۱۳. آ: «نیشمن»؛ متن از م و با توجه به سیاق عبارت تصویح شد.

کنارش تر کن و چسبان سراسر
ولیک از اندرون باید بریدن
نشانی بر سر آن این سرش را
بچسبانی چنان ناید بدین

[۳۴-۱]

چو گردد خشک از زیرش برآور
چو کُنج^۱ آید و رب^۲ خواهم بریدن
چو چسبانی کنار دیگرش را
مر این را هم ورب باید بریدن

چسبانیدن آستر جلد^۳

برای "آستر" رو دار^۴ چاره
میان را هم چنان هموار ڈاری
که تا چسبیده گردد از همه^۵ سوش
که تا چندان^۶ این پیش آید ای یار
ورب باید بُری؛ همان تا نلغزی^۷
به مقدارِ دو خط می‌نه سراسر
به "نشگرده" وروب^۸ بر پشت چاره^۹
چو ملغزی نلغز این را می‌برندش^{۱۰}
پس از چند ساعت^{۱۱} آری بعد از آتش^{۱۲}
وزین سازی مزین ای نکوکار
بکن چون زلف "زنجره" به رخ^{۱۳} خوب

[۳۵-۱]

[۴۷۳-۱]

پس از "چرم مترش" آر پاره
کنارش چون نخستین نازک آری
بچسبان و بکن "مهره"^{۱۴} تو بر روش
مگر از زیر چند انگشت بگذار
چو شد چسبیده^{۱۵} اکنون بُر تو "مغزی"
گذار از "جلد" اطراف ای برادر
پس آنگه نه به روی آن "سطاره"^{۱۶}
مر این را نام "مغزی" می‌نهندش
بنه در زیر "لنگر" بعد از آتش
"قلم کاری" کنی آنگاه ای یار
به خدش کش دو خط چون خطِ محظوظ

۲۸۰

۲۸۵

۲۹۰

۱. ب: «کچ».

۲. ا: «ورت»؛ ب: «درب»؛ با توجه به ضبط نسخه‌ها تصحیح شد (نک: تعلیقات).

۳. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است. ۴. ب و ن: «زود آر».

۵. م: (او) یکی چهره. ۶. م: «همو». ۷. م: «چسبان».

۸. ا: «چو شد چسبیده»؛ م: «چو چسبیده»؛ با توجه به مضمون تصحیح شد.

۹. ا: «بلغزی». ۱۰. م: «سکاره». ۱۱. ن: «ورب»؛ متن از ا و ب است.

۱۲. ا: «پشت اجاره»؛ ن: «تست چاره» متن از ب است.

۱۳. ا: «مغزی بغر این را مریدش»؛ م: «مغز بقر این را می‌زندرس»؛ ب: «مغز بقر این را می‌زندرس»؛ ن: «مغز

بغل این را می‌زندرس»؛ تصحیح قیاسی است. ۱۴. ا: « ساعتی»؛ متن از ب است.

۱۵. آری بعد از آتش» در اناخوان است؛ از م افزوده شد.

ازین بهتر کنی ورُق^۱ مقوا
بچسبان خشک کن ای یار جانی

[۲۲-۱]

"مبَّت" ها کنی ای یار دانا
نشین از بھر کار خود که دانی

چسبانیدن مقواها بر چرم روی جلد^۲

چو زین فارغ شوی "آهار" مالی
بنه بر "تحته سنگ" این "مقوا"
به جامه تر کنی آن "سختیان" را
به زیر هر "منبَّت" چین برآری
جز جای "منبَّت" جمله هموار
در آن "گنده منبَّت" نه "منبَّت"
بنه پس کاغذی چندی بر آن پشت
پس از چند کوب می‌گردان و می‌بین
و گرنه باز بنشانی "منبَّت"
چو خیزد نقش، بنشان^۳ دیگران را
چو زین فارغ شوی "لنگر" برآری
چه^۴ باشد "لنگر" ای^۵ دانای کارم
پس آنگه بر سر^۶ آن چند سنگی
نگاه پنج کن ای جانِ مادر

[۴۷۲-۱]

[۱۵-۱]

[۲۲-۱]

زیاده^۷ کم نه؛ پس هموار مالی
پسش در دست گیری "سختیان" را
نشانه بر نشان^۸ آن بی‌نشان را
نه باریک و نه گنده^۹، او سط آری
ز "خط کش" هم ز "مهره" ساز هموار
که تا شیند برابر این "منبَّت"
به گرد آن بزن^{۱۰} با "کوپه" چون مشت
چو نقش خاسته بگذار و بنشین
زنی بر سر به "کوپه"^{۱۱} چند نوبت
نخستین وضع سازی جمله گان را^{۱۲}
به زیرش چند روزی در گذاری
میانِ تختها را "جلد" دارم
نیهاده دار آن را بسی در نگی
منه بسیار روزش زیر "لنگر"

۱. م: «ورقی»؛ ن: «برگ»؛ متن از ا است [شاید «ورت» درست باشد].

۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۳. ا: «زیادم»؛ متن از م است.

۴. ا: «نشان بر نشان»؛ م: «نشان هر نشان»؛ با توجه به مضمون عبارت تصحیح شد.

۵. ا: «کنده منبَّت»؛ متن از م است.

۶. شاید: «بگردان و بزن» درست باشد چرا که در بیت سیسین نیز از گرداندن سخن رانده است.

۷. ا: «بر سر بکوید»؛ متن از م است.

۸. ا: «نشان»؛ متن از ب است.

۹. ا: «جمله کانرا». ۱۰. م: «چو».

۱۱. ا و م: «این»؛ با توجه به مضمون تصحیح شد.

به "شیرازه" برآری و گذاری^۲
که تا پنهان^۳ شود "شیرازه" در بر^۴ [۳۷-۱]
برون گیری پس از خشکی به پنجه
زیاده می‌برید و می‌گذارند

۳۰۵ زیاده "چرم" طولانی^۱ که داری
چنان بر روی "شیرازه" برآور
بنه در آفتاب آنگه "شکجه"
پس آن چرمی^۵ که بر "شیرازه" دارند

فصل ششم

در بیان جلد یکپوستی و دوپوستی و جلد کاغذی^۶

[ن-۴۷۴] نمی‌بینی تویک را زآن دو بینی^۷
نگویی آنگه "دو پوست" مارا
ایا تنها مارا باش دائمین^۹ [ب-۱۷]
از آن یک شمه‌ای مانده^{۱۰} بدان هم

دلا از احوالی تا کی دوبینی
شوی با دوست گریک پوست^۸ یارا
کنون بشنو ز من "جلد سفائن"^{۱۱}
چو شد دانسته احوال مقدم

[جلد دوپوست]^{۱۱}
که تا چین چیده^{۱۲} گردد ز آن باسان
بنه "چرم" و "كتب" بر "سنگ تخته"
بغیر آن^{۱۵} "چرم بالا" آستر بسپر^{۱۶}

۳۱۰

سری^(۱) تحریر ناید^۲ راست تقریر
مر این از رسما^۳ بسته سازی
بر آن این دسته مو مالبی شک
کش از صافی نماید هم سر و موى^۵
کز آن این^۹ روشنایی دیر پاید

بر اطرافِ "مبیت" ساز "تحریر"
زموى دنب یابو دسته سازی
بکن تر آن پرک ها^۴ انک انک
چو آیینه شود روشن ازین موى
ز "مهره" هم بسى روشن نماید

۲۹۵

[چسبانیدن کراسه‌های پشت‌بندی شده به دفه‌های جلد]^۷

به چسبانیدن بینم صوابی
در این جای آستر^۸ هشته نشانی
که بى تر، "چرم" ناید نرم تر کن
به آهار ش بچسبان و برش کن
دو "کاغذ" نه در آنجانیک چستش^{۱۱}
بکن محکم به دست و پنج پنجه
بچسبانیدن یک لخت^{۱۴} باشد
چنان چسبان که یک^{۱۶} باشد مارا
نه بشکافد دو نیم آید^{۱۷} از آنجا

چو زین فارغ شدی گیری کتابی
زیاده چرم پشتی^۸ را که دانی
تو را چند بار گویم "چرم" تر کن؟
پسش^۹ آن چرم پشتی^{۱۰} را درش کن
به "خط کش" ساز هموار و درستش
درست و^{۱۲} راست گیرش در "شکجه"
پرک ها^{۱۳} هر دو گریک لخت باشد
و گر^{۱۵} هر دو جدا باشد یارا
نه درزش را کسی بنماید آنجا

۳۰۰

۱. ن: «پنهان».
۲. م: «واگذاری».
۳. این مصروف در اخوانا نیست. متن از ب است.
۴. این م: «چرم»؛ متن از ب و ن است.
۵. م: «زان دو پستی».
۶. م: «آن چیده»؛ متن از ن است.
۷. م: «که با تنهائی ما باش دائمین»؛ ن: «که با تنهائی ما را باش دائمین»؛ متن از ا است و می‌بینیم که هیچگدام قانع کننده نیست.
۸. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۹. ا: «چسید»؛ متن از م است و با توجه به عنوان فصل نهم که در آن از «چین کاغذ چیدن» سخن رفته است.
۱۰. ا: «شمه کانده».
۱۱. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۱۲. ا: «وانیش پخته»؛ م: «وپیش تخته»؛ متن ترکیبی از دو نسخه است.
۱۳. ا: «برگها»؛ متن عیناً از ا است.
۱۴. ا: «چرم پس»؛ متن از م است.
۱۵. ا: «دکر»؛ متن از م است.
۱۶. ا: «ویک».
۱۷. ا: «بسکافد زینماید»؛ م: «بسکافد نه بنماید»؛ تصحیح قیاسی است.

۱. ا: «سزی»؛ متن از م است.
۲. ا: «نایدا»؛ متن از م است.
۳. ا: «مر این از رسما»؛ م و ب: «میان از رسما»؛ ن: «میان از رسما بسته سازی»؛ تصحیح قیاسی و با توجه به ا است.
۴. ا: «برگها»؛ ب و ن: «برگها» (نک: تعلیقات).
۵. م: «هم سری موى».
۶. ا: «آن زین»؛ متن از م است.
۷. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۸. ب: «بیشی»؛ ن: «میشی».
۹. ا: «پیش»؛ متن از ب است.
۱۰. ا: «حسنش». ۱۱. ا: «و»؛ متن از م است.
۱۱. ب و ن: «برگها»؛ متن عیناً از ا است.
۱۲. ب: «تخت».
۱۳. ا: «ویک».
۱۴. م: «بسکافد زینماید»؛ ن: «بسکافد نه بنماید»؛ تصحیح قیاسی است.

فصل هفتم

در بیان قلمدان و جزدان^۱ و زیرمشق و جلد آئینه و غلافها از
هیاکل^۲ عینک و غیره^۳ و مروحه و آفتابگیر^۴ از
اقسام و مسطر بستن^۵

[ن-۴۷۵]	هم از اجنبس "جلد"; اوضاع "جزدان" سه از "جزدان" بدان در ساختن گیر دوم از پارچهای مقوا همین بر "کالبد" سازند و دارند	بیا بشنو ز انسواع "قلمدان" سه وجه از من ^۶ "قلمدان" ساختن گیر یکی بر "کالبد" سازند یارا ^۷ سیوم از "پوره کاغذ" ^۸ نگارند	۲۲۵
---------	---	---	-----

[ساختن قلمدان از مقوا بر کالبد]^۹

مدور^{۱۰} یا مریع خواه خود کن
بدان وضعی که خواهی "کالبد" کن
بزرگ و خرد^{۱۱} فرماید که شاید
به طول و عرض و عمقی کآن خوش آید
بگیری "کالبد" را کآن خوش آید
ولیکن "کالبد" مقطع باید
نه یک یک پارچه بیرون کش آور
نخستین چند ته "کاغذ" به پیچند
مقوا^{۱۲} برنچسپد^{۱۳} زآن بپیچند

۱. م: «جزآن».

۲. م: «-هیاکل»؛ درج این واژه در اینجا درست می‌نماید چرا که پس از این در بیت ۴۰۶ آورده: غلافی ساختنی پیش از هیاکل چنین خواهم که باشد از حمایل

"هیاکل" در اینجا گویا برابر با «کالبد» (= قالب) است که پس از این (مثلاً در بیت ۳۲۷) بدان اشاره شده است.

۳. م: «غیرها»؛ متن از م است.

۴. م: «آفتابگیری». ۵. م: «اقسام و مطريقن». ۶. م: «بسه وجه ازین».

۷. م: «بسارا». ۸. م: «پوره کاغذ»؛ ن: «پورها».

۹. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۰. م: «مرورور»؛ متن از ب است.

۱۱. م: «فرد»؛ متن از م است.

۱۲. م: «حسک تاید»؛ متن از ب است.

۱۳. م: «هم وصاله وصله اندر آور»؛ م: «هم وصال و وصل آور»؛ تصحیح قیاسی است.

۱۴. م: «برنچیند».

رخ از رخ کن نگه ای یار دانا
طرفها را به "آهار"ش بچسبان
ز تکرارش دلم برگشته گشته
چنان تا دیده آید خال و چهره^{۱۴}
و گر با نقش^۲ خواهی ساز "مهره"^۳
و یا با خال و خط کن تو^۵ منور
مزین کن به "سیم" و "زر" تو دانی

[جلد یکپوست]^۷

[منقش کن و یا ساده همان کن]^۹
[اگر باشد "مقوا" هم چنان کن]
کنارش را درون "سختیان" کن
کنارش را چو "مغزی" در پذیری [۳۹-۱] بگیری

۱. ا: «کفته». ۲. ا: «وکری یا نقش»؛ ب: «دگر یا نقش»؛ متن از ن است.

۳. ا: «مشهر»؛ متن از م است. ۴. ا: «چهر»؛ متن از م است.

۵. ا: «تو»؛ متن از م است. ۶. م: «بنجیر».

۷. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است. ۸. م: «هماکن».

۹. مصراج دوم از این بیت و مصراج نخست از بیت سیسین در ا حذف شده ولذا یک بیت از نسخه م کمتر می‌باشد و بیت بدین گونه است:

اگر یک پوسته خواهی همچنان کن
کنارش را درون سختیان کن

که غیر از "مهره" کاری بر نماید
[ب-۱۹]

چنان چسپان که تا گردد نیکتا
نه پیوندش به کس مفهوم گردد
ز پس خدمت بسی لخت کشش کن^۲
ترنج و "کنج، دیگر "خامه کاری"
خوش آید کنده کن تا کنده^۳ هم هست
[۴۲-۱]

[ساختن قلمدان بی کالبد]^۴

منقش کردنش هم هست آسان
چه باشد ورقی از ربع "مقوا"
بچسپان و نشین^۵ فارغ به کنجی
شود زو مبتدی را^۶ دل هراسان
درست و راست کج مج رفع^۷ سازی
کnarش تا نشیند کنج آسان
که آید راست، کار از راستکاری
به پیوند از "سریش" آرنده که پرسی
که بی چرم این نیاید مشکل آسان
[۴۴-۱]

پس آنگه "مهره" کن چندان که باید
بکن تقطیع "چرم" شیب و بالا
نه درز او به کس^۸ معلوم باشد
نه بیرون خوش؛ درون دیگر روش کن^۹
وگر خواهی که بیرونش نگاری
درون کن "کالبد"، بیرون "منبت"

به پیچی "کاغذ" و هر یک شماری
که این «عند^{۱۰} الامور اوسط» آید
پس از خشکی به همواری شتابد
کش از آمد شدن هرگز نرنجی^{۱۱}
که تا^{۱۲} آید رود همچون پیاده
جز پیوند "وصله" نیست ممکن
پس آن پیچیده^{۱۳} "کاغذ" ها بکن وا
ولی بر روش^{۱۴} می دارد نشانه
دو^{۱۵} خانه ساختن پس فرض باشد
دگر^{۱۶} نوعی که خوش آید بخواهی
بزرگ و خرد اگر آیند نیکو
فراخ و تنگ هم باشد و هم نه
"محیطی" و دگر "تختی"^{۱۷} نگارند
که این هم سخت مشکل کار دارم
"مدور" زو "مطول" یا "مریع"
که آن باریک باید از میانه
به "خط کش" از میان چیش^{۱۸} تو بردار
[۴۱-۱]

دو^{۱۹} خانه ساختن پس فرض باشد
دگر^{۲۰} نوعی که خوش آید بخواهی
بزرگ و خرد اگر آیند نیکو
فراخ و تنگ هم باشد و هم نه
"محیطی" و دگر "تختی"^{۲۱} نگارند
که این هم سخت مشکل کار دارم
"مدور" زو "مطول" یا "مریع"
که آن باریک باید از میانه
به "خط کش" از میان چیش^{۲۲} تو بردار
[۴۲-۱]

۱. ا: «بیت» خوانده می شود.

۲. همه نسخه ها چنین است؛ گویا: «خیر».

۳. در اضیط ناخوانایی دارد و بیشتر شبیه «پیچی» نوشته شده است.

۴. در بالای سطر چند حرف نوشته شده که خوانا نیست.

۵. ا: «راه بدرویش»؛ متن از م است.

۶. ا: «را»؛ متن از م است.

۷. ا: «پیچید». ۸. ا: «دوش»؛ متن از م است.

۹. ا: «او»؛ متن از م است.

۱۰. ا: «دیگر»؛ متن از م است.

۱۱. ا: «وصعین»؛ م: «وصفين»؛ تصحیح فیاسی است: یعنی به دو «وضع» (شیوه) غلاف را می سازند.

۱۲. ا: «تختین»؛ متن از م است.

۱۳. م: «چسبیده».

۱۴. ن: «+ با» (?).

۱۵. م: «جنیش».

[ساختن قلمدان از پوره مقوا] / بر کالبد^۸

شنو از من اگر داری اراده

"قلمدان" دگر ساز از "براده"^۹

۱. م: «بکش».
۲. م: «راحت کسی کن».
۳. م: «تأکید».
۴. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۵. ا: «+ و»؛ متن از ب است.

۶. م: «مبتدی دو».

۷. م: «دفع».

۸. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۹. ا: «از برداه».

کنی اوراق اگر افراد از آن به
از آن در گفتنم بخشیده^۱ باشی

سپس یک "جزو کاغذ" در برش نه
چو "تقطیع" معین دیده باشی

[ساختن غلاف آینه]^۲

[۴۶-۱] "غلاف" غیرش از غیرت برآری
هنر را^۵ می‌نایم باش دانا
نهاده در میان، خط کش طرفها
بزرگ و خرد نشناسم تو دانی
مدور یا مطول یا مریع
دگر را ده که عین^۷ شوق ذوقی
به گرد "آینه" چسبان تو او را
ز بهر حفظ^{۱۰} یک خط در بر آرند
پس از اتمام، "جلد" آرند و گیرند
کنی "سوهان" درست و راست^{۱۱} بی کم

اگر "مرات" دل را صاف داری
رمد^۳ از چشم خود کن^۴ دور جانا
بزرگ از قامتش آری "مقوا"^{۲۸۵}
کنارش نه به دلخواهی که دانی
دو بالا را به یک قد کن مقطع
یکی را تحت و تحت تحت^۹ فوقی
به حجم^۸ "آینه" داری "مقوا"^۹
پس از ربیعی "مقوا" برگمارند^۹
نخست از یک طرف راهی پذیرند
بگیری در "شکنجه" هر دو بر هم

[ساختن غلاف جلد مصحف]^{۱۲}

[۴۷-۱] نمی‌خواهم مکرّر را تو دانی
دگر "جلد" است اگر جلدی بدانی
غلاف^{۱۴} غفلتش^{۱۵} سر^{۱۵} خلاف است

۱. آ: «نخشیده».

۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۳. او م: «دهد»؛ متن از ن است.

۴. آ: «کنی»؛ متن از م است.

۵. ب: «هنرها»؛ ن: «هنریا»؟

۶. آ: «تحت و تحت وبخت»؛ ب: «تحت تخت و بخت»؛ ن: «تخت تخت و بخت»؛ متن تصحیح قیاسی است.

۷. م: «بینی».

۸. او م: «حجم».

۹. م: «برنگارند».

۱۰. آ: «ضبط»؛ متن از م [که بهتر می‌نماید].

۱۱. آ: «درست است»؛ متن از م است.

۱۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۳. آ: «غلاف»؛ متن از م است.

۱۴. آ: «عقلش»؛ متن از م است.

۱۵. آ: ب: «غفلتش بر سه»؛ ن: «عقلش بر سر»؛ متن از ا است.

"مقوا" کنده و بی مهره باید
چو جمع آید "براده"^۱ زود آید
سِرِش آمیز^۲ آهار^۳ یکسر
و یابر "کالبد" می‌ساز چسبان
دل از تکرار آن در هم نشسته
۳۷۰ ز "چرم" و "نقش" و "سوهان" گفته گشته

[ساختن جزو دان]^۴

[۴۵-۱] بیا بشنو تو از من "جزودان" ها
ولی "تقطیع" در گفتن نیاید
کس^۶ از نزدیک دیدن عامل^۷ آید
دو پوسته^۸ کن اگر خرد^۹ است یارا
منفّش خواه و ساده در دسر کن^{۱۰}
کنی "یک پوسته" ز آن خردتر کن
۳۷۵

[ساختن زیر مشق]^{۱۱}

پس آنگه "زیر مشق" آید برادر
چنانچه "جلد یک لا" کرده‌ای راست
سپس "حل زر" و یا "نقره" می‌ساز
طریق "حل زر" در "حل" بگویم
سیاه و سرخ و زردش دلکش آید
۳۸۰

۱. آ: «براده»؛ متن از م است؛ شاید مصراع این گونه هم خوانده شود: «کش از سوهان براده زو درآید».

۲. آ: «یا»؛ متن از م است.

۳. هر دو واژه در این نقطه است.

۴. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۵. آ: «و»؛ متن از م است.

۶. م: «کش» که می‌تواند درست باشد.

۷. م: «نزدیک عاقل دیدن»؛ در اوازه «دیدن» بالای واژه «عامل» نوشته شده است و می‌توان هر یک را

پیش از دیگری آورد.

۸. م: «نیست».

۹. برخی واژه‌های این مصراع در اناخوانا است اما به نظر می‌رسد با متن - که مطابق ب است - یکسان

باشد.

۱۰. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۱. آ: «نقش»؛ متن از م است.

۱۲. آ: «بیاید»؛ متن از م است.

دگر هرچه خوش آید کی شناسی
ز دسته دور دسته^۱ بند دسته
میان هر دو چرمش بسته "دسته"
و یا ساده کنی روشن همه پوست
سرت^۵ در مهر کویش کش که^۶ نرم است
"منبت" یا "منقش"، "ساده" تا کن
چو از "تقطیع" بُرسی هست بسیار
ز "چینی" و "فرنگی" دل ریاید
دوت خود بسته^۸ باید سینه اش چاک
به گرد آن کمر^{۱۰} سوراخ کن^{۱۱} دو
ز بھر دور کاغذ طول کن فرض
به "کاغذ" و آنگهی نه ساز آن را

[۴۹-۱] [۲۲-۱]
[۵۰-۱]

دو ته را پاره کن دو ته بگذار
دو پاره چوب بند آنجا سپاری
شکاف تابه اندک چرم بافی^{۱۳}
"وتد" را در میان پاینده با چوب

.۱: «از».
.۵: «سرم» (?).

۴۱۰ به تقطیع "كتابي" هست و "فاسي" (?)
اگر هست از "مقوا"، "بندي دسته"^۱
اگر یکپوته هست از^۳ دو پوسته
"منبت" یا "مشبک" هر دو نیکوست
براه ار گرم مهری مهر گرم است^۴
سبک "دو پوسته" از بھر ماکن
دوال بند را بر جاش بسیار
مگر این "مروحه" کان در آید
مقعر با کمر سر گردن پاک^۷
مطیخ شاخها^۹ باشد هر دو
به طول شاخها "قرطاس" بر عرض
به قدر عرض دسته^{۱۰} کن نشانها
یکی انگشت از مانیش^{۱۲} بگذار
به قدر عرض و طول ته بیاری
میان چوب را نیمه شکافی
کنار هر دو "کاغذ" بند ازین "چوب"

۴۱۵

۴۲۰

۴۲۵

- ۱.۱: «هسته» خوانده می شود؛ متن از م است.
- ۱.۲: «ز دسته دورسته»؛ متن از م است.
- ۱.۴: «کرم مهری کس کرم است»؛ متن از م است.
- ۱.۶: «در مهر کش کر»؛ متن از م است.
- ۱.۷: «مقعر یا کمر سر گردن پاک»؛ ب: «مقصر با کمر سر گردن پاک»؛ تصحیح با قیاس نسخه ها است.

۸. این مصراع در ا در حاشیه صفحه نوشته شده و عبارت «دوت خود بسته» محو شده است که از م افروده شد. ضمناً کاتب نسخه ا در نگارش این بیت و دو بیت سپسین دچار اشتباه شده که در نسخه بدان اشاره کرده و با توجه به نسخه م تصحیح شد.

- ۱.۹: «مسطیخ شاه جها» (?)؛ متن برایر م است. شاید به جای «مطیخ» بتوان «مسطیخ» خواند.
- ۱.۱۰: «مگر».
- ۱.۱۱: «سوراخ کی»؛ متن از م است.
- ۱.۱۲: چنین است در او ب؛ ن: «از پاینیش».

۴۲۰ ز^۲ بھر حفظ خود حفظت نماید
نشسته با ادب بوس و برش نه^۴
که "تنزیل من رب العالمین" است^۵
و گر باشد تو انگر بار^۶ حق کن
زياده یک دو دانگی سازیش هان
"حمایل" را "دوال" آویز جا کن
بکن باریک ربع از قدش این حد^۷
نه یک باریک و یک گنده؛ فراخور
که آن معلوم و این دارم بود راز

[۲۱-۱]

[۴۸-۱]

[۴۷۸-۱]

۴۰۵ ز دل^۱ حرزت که "مصحف" هیکل آید
قُم و بُرگیر و بر چشم و سرش نه
چو خواندن "لایمیه" فرض دین است^۵
دهد هرچه بگیر و کار حق کن
به قدر طول و عرضش بُر "مقوا"
دگر چسپیدن ش مثل "قلمدان"
پس از چسپان بچسپان کنج واکن
کنی روی غلافش ربع از قد^۷
که تا "سرپوش" بنشیند^۸ برابر
یکی "عطفری" دگر "عطفرین" کن ساز

ساختن غلاف عینک^۹

اگر چشم دلت صاف است^{۱۰} و روشن
غلافی ساختی پیش از هیاکل
دگر بادامی جفت ار چه باشد
مدور یا مطول هر چه باشد

ساختن مروحه^{۱۱}

چو تابستان شود کن "مروحه" ساز
"مقوا" و "دو پوستی"^{۱۲} کن تو دانی

۱. م: «ازهی».
۲. نه؛ متن از م است.
۳. م: «-و».
۴. ب: «نه».
۵. م: «چو خواندن لامسه فرض و سنت».
۶. م: «یار».

۷. اوم: «قدر»؛ متن با توجه به قافية بیت (= حد؛ که فقط در ا هست) تصحیح شد.
۸. ا: «نسبنده»؛ متن از ب است.

۹. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۱۰. م: «چشم و دلست صافست».

۱۱. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۲. ا: «که تا اورده»؛ ب: «که تا آید»؛ ن: «که تا آرد»؛ متن با توجه به ضبط ا است.
۱۳. م: «دوپستی».

مددور هشت پهلو را مکن^۱ رد
ستون آهنی کن در میان بند
 محل "سمع"^۳ را در پاش داری
ستونهای دو چوبهای^۴ فرود آر^۵
به پیشش "خار آهن" تنگ کن^۶ بند
نباشد گر چنین در گردش آید
ز "چرم آهو" و "ابرک" سپارند
مسطح سقف او باشد سراسر
زجاجی پاره را بر مرکز این بند
که بشنید ستون گردد میانه
ز بهر کرسیش^{۱۳} پر^{۱۴} ها توقف آر^{۱۴}(?)
گذاری پا و سرای یار دانا
یکی نه^{۱۸} نیمه را بگذار جمله
جز این شکلی^{۱۹} نمی بینم مشکل^{۲۰}

۳. م: «شع».

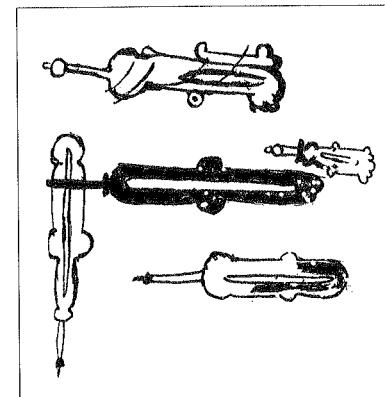
یکی "فانوس" بیرون کن چو گند
دو "چوبک" را به پایه^۲ محکمش بند
سرش را چون سر "سوزن" برآری
نباشد گر "ستون آهن" ای یار
بر آن هر دو ستون "حمال" کن بند
چنان کن در میان گردش آید
برونی^۷ را لباس جامه^۸ دارند
ازین کن فردرتر "فانوس"^۹ دیگر
یکی "حمال"^{۱۰} را بر سقف این بند
ز "کاغذ" بانیی^{۱۱} سازند خانه^{۱۲}
سپس "کاغذ" مددور مثل سقف آر
بخواهی^{۱۵} آنچه^{۱۶} [؟] پر^{۱۴} ها کن نشانها
ببند از^{۱۷} عرض نیم از راست جمله
نگارم شکل پر^{۱۸} ها کوست مشکل

۱. م: «بکن».
۲. م: «مایه».
۳. م: «دو چوب آهن»؛ متن از م است.
۴. چنین است در اوم؛ شاید: «فرود دار».
۵. "تنک کی"؛ م: «نیک کی»؛ با توجه به مضمون بیت تصحیح شد.
۶. م: «برون».
۷. م: «خردتر قانون».
۸. «یکی حمال» در امحو شده است؛ از م افزوده شد.
۹. م: «خود را در نسخه ها».
۱۰. «بانی»؛ برای تصحیح وزن بیت بدین گونه تصحیح شد.
۱۱. م: «دانه».
۱۲. م: «کرسمش».
۱۳. م: «کرسمش».
۱۴. این واژه در اناخوانا است؛ از م افزوده شد.
۱۵. ن: «بینداز»؛ ا: «بنیز از»؛ متن از ب است.
۱۶. م: «اوچه».
۱۷. ن: «بینداز»؛ ا: «بنیز از»؛ متن از ب است.
۱۸. ا: «شکل»؛ ن: «مشکل»؛ متن از ب است.
۱۹. شکل یاد شده در متن در نسخه های اوم ترسیم نشده و فقط در ایک سطر بیاض نهاده شده است.
۲۰. م: «خیال»؛ متن از ب و ن است.

چنان کن کآن "وتد" در جای رشته^۱
دو رشته بافته^۲ در روزن آری
کشی^۳ آن رشته را اندر شکاف آن
معقد کرده هر دو سر گذاری
مددور می گشاید آن دل او را^۵
به دست آید همه چون "دسته" آئین
به نقش و^۶ عکس کن گر بختیار است
ز "عاج" و "شاخ" خوش^{۱۰} هم این چنین است

[۵۱-۱]
[۴۷۹-۱]

[۵

[ساختن فانوس]^{۱۱}

خيالی^{۱۲} بینم از "فانوس" يکسر
که "فانوس خيالش" را کشم بر [ب ۲۳-۱]
به گرد نقطه چون پرگار^{۱۳} گردم ز بهر یار خود بر دار گردم [۵۲-۱]

۱. ا: «رسنه»؛ متن از ب و با توجه به بیت سپسین است که از «دو رشته» سخن می راند؛ ن: «در حال رشته».
۲. م: «تاقته».
۳. ا: «پر ساحت است».
۴. م: «کسی».
۵. م: «آن دل آرا».
۶. م: «را چون».
۷. ا: «مطرح»؛ متن از م است.
۸. م: «کلان شکل».
۹. ن: «شاخ و خوش»؟
۱۰. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۱۱. اوم: «خیال»؛ متن از ب و ن است.

۴۳۰

۴۳۵

۴۴۰

۴۴۵

درون کن

بس خوشتر نماید

چو شد اتمام نه در فراش خار

بُکن "فانوس گردان" را درون زود

سپس افروخته کن "شمع" در پا

دگر "فانوس چرخی" رانگارم

بمثلش^۹ دار "فانوس برون" را

بکن چون گرّه "فانوس اندرانی"

چو آن نصفین رایکی به بندد^{۱۱}

میان هر دو اندک جای بگذار

ستورا عرض در گر پسندی

ستانی پاره^{۱۲} در "قطین" داری

شود افروخته چون "شمع پائین"

ز نقش ورنگ و کاغذ گفته‌ام پیش

بس است این یاد را^{۱۳} کم کس بدانند

سیاه

متنازع در

شمع پائین

دو زن کرده این را نشینم^{۱۴} آریبه گردش^{۱۵} اندر آید مثل دوشین

چو خواهی کردن این اندیش اندیش

و گر دانند، کی کردن تووانند؟

ز "اسلیمی" ، "خطائی" نقش بنمای^۲

برونش گر کنی کمتر نماید [ن-۴۸۰]

که^۵ تا ایستد بگردد مثل پرگاربجز راه دخان و شمع مسدود^۶

ز دود شمع گردد این دلارا

چو افلات^۷ مدور دایر^۸ آرم

مدور گر کنی هم شاید آن را

دو نیمه کن در انواعی^۹ که دانی

به مثل گرّه آن را در پسندند

سپس هر^{۱۰} [دو] مقطع کرده بسیار(?)

هم این را شبی در "قطین" بندی(?)

دو زن کرده این را نشینم^{۱۱} آریبه گردش^{۱۲} اندر آید مثل دوشین

چو خواهی کردن این اندیش اندیش

و گر دانند، کی کردن تووانند؟

۱. «یا اپرک کاغذ باندای»؛ ب: «با کاغذ و اپرک بیندای»؛ متن با توجه به دو نسخه تصحیح شد.

۲. «سیاه»؛ متن از ب است.

۳. «کی»؛ متن از م است.

۴. «اتمام در مراسخ خار»؛ متن از م است که این هم مشکل دارد و عجالتاً به شکل اصلی بی نبودیم.

۵. در ابه صورت «مکر» نیز خوانده می شود.

۶. م: «راه دخان شمع میرود».

۷. «پس افروخته»؛ ب و م: «پس از افروخته»؛ با توجه به وزن بیت تصحیح شد.

۸. «دایره»؛ متن از م.

۹. شاید: «مثلث» درست باشد چرا که در مصراج بعدی می گوید: «مدور گر کنی هم شاید».

۱۰. م: «در آن نوعی».

۱۱. م: «را انکه به بندد».

۱۲. م: «پیش سر».

۱۳. م: «ستان می پاره»؛ م: «ستان می پاره»؛ تصحیح قیاسی با توجه به دو نسخه.

۱۴. م: «شین»؛ متن از م است.

۱۵. م: «بکبرش».

۱۶. م: «این نادر».

[ساختن مسطر]^۱

ولی "مسطر" درست و راست باید حواشی را به دلخواهش ^۲ گذاری قبولش کن نکن هرگز تو مردود به تار باقه ^۳ دوزی کن آنجا گره را در پس پشتیش ^۴ تو بسیار به هر وصفی ^۵ که خواهی کن تو دانی ^۶ مکن بر ما و بر خود ریش خندي	نه بسی "مسطر" کتابت راست آید به تقطیع کتب جزوی بیاری بدان قدری که گوید سطر محدود نشانها کن، فرو بر "سوزن" آنجا مکش بسیار و هم مگذار بسیار بزرگ و خرد کن ^۵ چندان که دانی پش ^۸ در زیر "لنگر" ^۹ دار چندی
[۵۶-۱]	[۴۶۵-۴۷۰]

فصل هشتم

در بیان اسماء^{۱۰} و اشکال و چگونگی آلات و^{۱۱} عدد او دانستن و در شستن^{۱۲} آن

[ن-۴۸۱]

که جمع از تفرقه هرگز شود جمع به بسی آلت خدا کردن تواند

که جمع از تفرقه تا کنی کنی جمع؛ به بسی آلت خدا کردن تواند

[صخره]^{۱۵}

که جز "صخره" نمی بینم عمارت

- این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.
- م: «بدانخواهش» در انیز می توان مانند م خواند.
۱. ا: «تبار یافته»؛ م: «تبار باقته»؛ تصحیح قیاسی است.
۴. ا: «را در پس پیشش»؛ م: «را ده ز پس پستش».
۶. م: «وضعی».
۷. م: «کن توانی».
۹. م: «دار لیک».
۱۰. م: «اماوا».
۱۲. م: «و عدو دانستن در شتن».
۱۴. م: «ترا آلت به باید» [می تواند در متن قرار گیرد].
۱۵. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۳. ا: «هنمندان»؛ متن از م است.

۱۸. ا: «سپس».

۱۱. ا: «-و».

۱۵. ا: «خورد کن».

که معروف است از آن ننوشته‌ام من
کنیز^۳ و "مریم" و "جلمود" و "مرمر"^۴
مگر از لوح قبرم و انگیری^۵
زجاجی و بلوری، غوری^۶ (؟) هر رنگ^۷
سپید و ابلق ارشاد به هر رنگ
سیه^۸ حل رانسازد هرچه باشد^۹؛

[۵۹-۱]
[۴۸۲-۴]

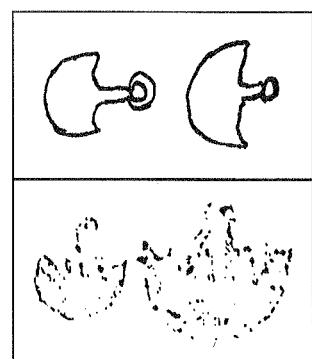
نه شکلش داشت مشکل در نوشتن^۱
دگر سنگ‌آند بسیار ای^۲ برادر
ز هر قسمی که خوش آید پذیری^۵
بیارم مهره‌ها زین معدن سنگ
دگر آرنده از دریا "صف سنگ"
غرض زین دانش مهره^۹ چه باشد

۴۹۰
۴۹۵

[نشکرده]^{۱۲}

به آب و جوهرش "الماس" باید
چو خرسک^{۱۳} گرد می‌سازند "دسته"
طريقش را که گفتم بس معین^{۱۵} است

[۲۶-۱]



.۲. م: «آی».

.۴. ا: «مردر»؛ متن از م است.

.۸. م: «هر سنگ».

.۱۳. م: «خرسنگ».

.۱. م: «شکلش درشت از شکل نوشتن».
.۳. م: «کنیز» [به ضمّ نون در نسخه].

.۵. ا: «بریزی»؛ م: «بزیری»؛ تصحیح بر پایه مضمون بیت است.

.۶. م: «ورنگیری».

.۷. ا: «غموری»؛ متن از م.

.۹. واژه «مهره» در عکس م محو شده است.

.۱۰. در م به صورت «سپه» نیز خوانده می‌شود.

.۱۱. ا: «نسازدنده چه باشد»؛ متن از م است.

.۱۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

.۱۴. م: «پس یقین».

.۱۵. م: «خورد».

که بسی "آهن" همه این فن نباشد
کش از صافی^۲ نماید چهره یار

[۲۵-۱]
[۵۷-۱]

مثلث یا مسدس یا مسیع
هنر باید نباید^۴ سنگ تراشم
که نرم و سخت هست و هست بس رنگ
تو گویی^۶ تخته تخته بسته دسته
مگر حجمش^۸ از این مقدار باشد
تو می‌دانی؛ شناور از من دگر کار

[۱۳-۱]
[۱۲-۱]

و یا از "تار آهن" رشته چاره^{۱۳}

"گُرند" سحق^{۱۵} کرده در پسندند

پس از تقطیع، همواری کشندش

بسازی "خشت پخته" ای^{۱۸} برادر

که آن از بھر هموار این جلا^{۲۰} را

کش و ریز آب^{۲۲} و می‌کن^{۲۳} صاف تخته

بمالی روغنیش هر ماه و^{۲۴} هر سال

.۲. م: « Safi ».

.۴. م: « نباشد ».

.۵. در م به صورت «بسی» و «بی» هر دو خوانده می‌شود.

.۶. ا: « + تخته ».

.۷. م: « چهار ».

.۸. ا: « هر چهار و هر چهار ». .۹. م: « پسیدی ». .۱۰. ا: « آر »؛ م: « آر ». .۱۱. ا: « آره »؛ م: « آره ». .۱۲. ا: « آر نار آهن »؛ متن از م است.

.۱۳. ا: « چهاره »؛ متن از م است.

.۱۴. م: « تار آهنی بندند ».

.۱۵. ا: « گُرند ستحق » [به ضمّ کاف در نسخه]؛ م: « کردند ستحق » (نک: تعلیقات).

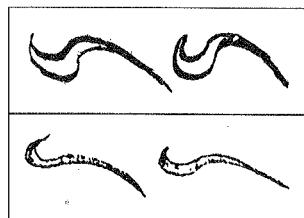
.۱۶. ا: « مستحوق »؛ متن از م.

.۱۷. واژه « گُرند » در ا به همین شکل حرکت گذاشته شده است.

.۱۸. م: « آی ». .۱۹. ا: « کنی کنده »؛ م: « کین کنده و ».

.۲۰. م: « حلد ». .۲۱. ا: « سنک پخته ». .۲۲. م: « زیر آب میکن ». .۲۳. ا: « صاف بیخته ». .۲۴. جزء « ماه و » در عکس ا محو شده است.

درونى^۲ کن تماشا جمله بى شك
شبکه^۵ کن وزان طاق مقرنس^۶
گران^۷ دسته که^۸ حیف است بر گل اندام

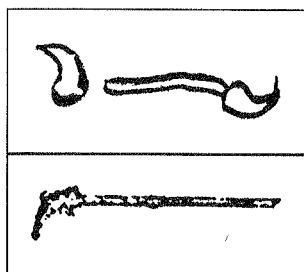


[ب-۲۷]

بساز از نیش عقرب پی مشبک^۱
چو ظفرِ شبیل^۳ کن نوکش مُقوس^۴
سبک چون برگ گل کن نازک اندام

[مقوا بُر]^۹

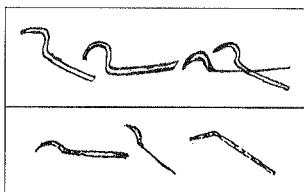
قوی هیکل به عرض و طول چون صل^{۱۰}
نهی چون بر "مقوا" شد جدا هم^{۱۲}
بساز از "دسته" دست خویش را پُر^{۱۱}
"مقوا" را بسى آسان همی بُر^{۱۳}



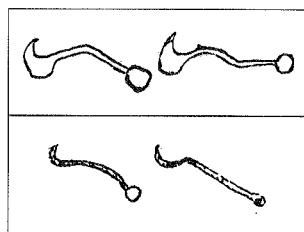
[۶۱-۱]

[۴۸۳-۱]

یک^۳ از بـهـر "مقـوا" یک "مشـبـک"
نمـیـدانـم کـهـ شـکـلـشـ چـونـ نـگـارـم
مـکـنـ "دـسـتـهـ" بـکـنـ شـیرـیـشـ^۷ حـاـصـلـ
مـکـنـ سـطـحـشـ نـمـائـیـ پـشـتـ^{۱۰} مـیـرـوـ(?)
دو جـوـ^۸ کـنـ طـوـلـ نـوـکـ وـ عـرـضـ یـکـ جـوـ^۹
کـنـیـ^{۱۱} گـرـ زـینـ "مـنـبـتـ" شـادـ باـشـیـ



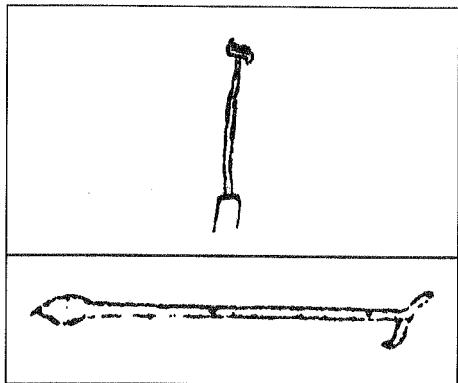
دـگـرـ چـونـ دـسـتـ آـهـوـئـ^{۱۲} خـمـیدـهـ
مـگـرـ سـمـشـ بـهـ جـایـ^{۱۴} نـوـکـ باـشـدـ
"ترـنجـ" وـ "کـنجـ"^{۱۶}، دـیـگـرـ هـرـچـهـ يـارـاـ



۱. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۲. ۱: «نقشیر»؛ م: «نقشتیر»؛ تصحیح قیاسی است.
۳. م: «آی مرد مشبک».
۴. م: «یکی».
۵. م: «کردش».
۶. ۱: «دادصل»؛ م: «واصل»؛ متن تصحیح قیاسی است و به قرینه اینکه از «نوک» و «گردن» سخن رانده می‌توان آن را تشبیهی به «حوالصل» دانست که نوعی پرنده است.
۷. م: «شبیریش».
۸. م: «چو».
۹. م: «عرض بکرد».
۱۰. ۱: «شیت»؛ متن از م است.
۱۱. م: «کسی».
۱۲. ۱: «دشت آهوری»؛ متن از م.
۱۳. ۱: «خریله»؛ متن از م.
۱۴. م: «بمامی».
۱۵. ۱: «کندی»؛ تصحیح قیاسی است.

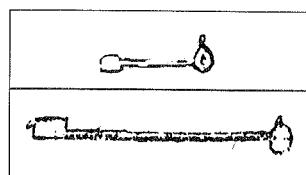
۱. م: «پیش غرفت پی مشبک».
۲. م: «وزونی».
۳. م: «ظفر و شبیل».
۴. او: «مقوش».
۵. م: «بـشـیـکـ».
۶. ۱: «مقـرشـ»؛ م: «مقـرشـ»؛ تـصـحـیـحـ بـهـ قـیـاسـ ضـبـطـ دـوـ نـسـخـهـ اـسـتـ.
۷. ۱: «کـرـآنـ»؛ م: «کـرـآنـ».
۸. ۱: «ـکـهـ»؛ اـزـ اـفـزـودـهـ شـدـ.
۹. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۱۰. ۱: «مقوا و بُر»؛ متن از م است.
۱۱. م: «ظفر پر».
۱۲. او: «ازقم».

[ب] ۲۸ - ۵۲۰ به هم آموده چون زنجیر باید که تا زنجیر چون^۱ زنجیر آید



مطول، گرد و بر^۳ سر نقطه نور
نماید چون الف حرف مودت
کبیرش نقطه ها کن بر حوالی
به هر وضعی که خوش دارند دارند

[۶۲-۱] ۵۲۰ دو "تیغک" کن به شکل تخم^۲ انگور
بطندهش(؟) کنده کن خط^۳ محبت
بزرگ و خرد باید کرد و دالی^۴
به "دسته" جا به جانقشی^۵ نگارند



[تحریربند]^۶

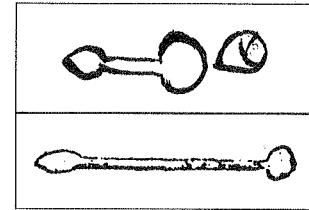
۵۲۵ دگر "تحریربند" آرم به تقریر که بی "تحریر" ثابت نیست تقریر

۱. م: «زنجر از».
۲. ا: «شحم»؛ متن از م است.
۳. م: «مطول کدو بر».
۴. ا: «کرد او الی»؛ م: «کرد والی»؛ تصحیح قیاسی و با توجه به نسخه م است.
۵. ا: «نقش»؛ متن از م است.
۶. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

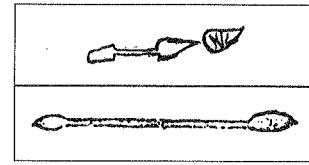
[خطکش]^۱

دو "خطکش" نیز باید کرد مارا
یکی "گرد" و دگر^۲ "بادامی"^۳ آرا
دو سه خط بر طرفها ساز پرداز
به قدریک حبل^۴ کن "گرد" راساز
بباید "دسته" بستن هر دو خطها^۵

۵۱۵ کشی چون بر کتاب آید دو خطها



[۶۲-۱] ۵۲۰ دراهم^۶ بر کنارش خط بشاید دگر چون مغز بادامی بیاید



[زنجره]^۷

دو "زنجره"^۸ بساز از بهر کاری
سرش چون رای^۹ تازی کن مقفر^{۱۰}
به خط^{۱۱} ثلث و نسخ ای یار دلبر
سرش را با کمر پیوند کردن
به دسته بایدش زنجیره^{۱۲} کردن

۱. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۲. او م: «یکی کردد کر»؛ تصحیح به قیاس بیت های سپسین است.

۳. ا: «بادامی».

۴. ا: «یکچتل»؟؛ ب: «یکخلب»؟.

۵. م: «هر دو بارا».

۶. متن مطابق م است. در اخوانا نیست.

۷. این عنوان در نسخه ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۸. ا: «زنجره»؛ متن از م است.

۹. م: «خورد».

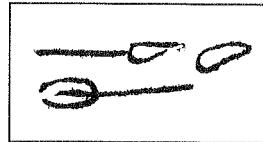
۱۰. ا. رای؛ م: «راز»؛ تصحیح قیاسی است و مشخص است که «رای» بوده که حرف «یا» را شکسته نوشته بوده اند و کاتبان دو نسخه ما آن را «ر» و «ز» خوانده اند.

۱۱. م: «مقفر».

۱۲. ا: «زنجره»؛ متن از م است.

[قلم جدول]^۱

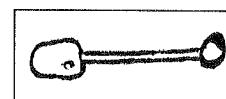
”قلم جدول“ کنی معروف و ”دالی“ به کار زرحل آیند هر دو حالی

[سطاره]^۲

دو رخ همچون ”سطاره“ راست باید چو خط راستی^۳ خط راست آید [ب-۲۹]

[سیفه]^۴

مکن خرد و بزرگش را تو اعراض
بکن قطع اضافی^۵ همچو ”مقراض“ ۵۳۵
دلا! ”الوقت سیف قاطع“^۶ کن
چو برگ سوسنیش^۷ اندام می‌کن
سرایا^۸ دسته و دو رویه کن^۹ تیز

[سوهان]^{۱۰}

دگر^{۱۱} سازی بزرگ و خرد ”سوهان“^{۱۲} تیزندان
بزرگ و خرد چون مشهور بینی
به دست آری به کار خود نشینی

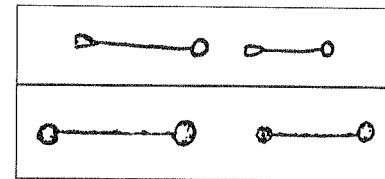
۱. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۳. آ: ”دادستی“؛ م: ”داداشتی“؛ با توجه به مضمون تصحیح شد.
۴. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.
۵. م: ”صافی“.
۶. م: ”آن وقت سیف قاطع“.
۷. آ: ”سرایا“؛ م: ”سریا“؛ تصحیح قیاسی است.
۸. م: ”دو رو بکن“.
۹. م: ”بطوعش“.
۱۰. این عنوان در ابهای عنوان بعدی (سوزن) درج شده و اشتباه کاتب است.
۱۱. م: ”وگر“.
۱۲. آ: ”سکین“؛ متن از ب است.

بکاه اندام دسته خرد^۱ پس کن

درون را گر کنی خوش نیک تدبیر

سرش بر شکل و هیئت چون ”عدس“ کن

به گرد هر ”منبت“ بند ”تحریر“

[نقطه]^۲

ولی چندش شود^۳ مشکل سراسر
قدش انگشت چار و نوک باریک و تاریک
به غربال تفکر جمله بیزی ۵۳۰
به میدان ”منبت“ نقطه ریزی

[پرگار]^۵

”قلم پرگار“ و ”خار“ آر راست^۶ گردی
به گرد^۷ نقطه چون ”پرگار“ گردی [۶۴-۱]
بزرگ و خرد باید راست کردن^۸ [ن-۴۸۴-۲]

۱. م: ”خورد“.

۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۳. م: ”آی“.

۴. م: ”چندن“؛ تصحیح قیاسی است.

۵. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۶. آ: ”خار راست“؛ م: ”خار راست“؛ تصحیح قیاسی است (نک: تعلیقات).

۷. م: ”بکرداری“؛ متن از A است.

۸. در متن اداینجا نوشته شده: ”شکل پرگار و خار“ در حالی که این شکل در نسخه موجود نیست. پس از این هم توضیح ”قلم جدول“ آمده و لذا آن را حذف کردیم.

فصل نهم

در بیان حل زر و نقره و تذهیب و افshan و لپه^۱ و جدول^۲ کشیدن
صفحات جفر و راست کردن رنگها چون [۶۷-۶۸] لا جورد و
شنجرف و زرنیخ و زنگار و سیاهی و غیره و نکاشتن^۳ ابری^۴
و کار عکس و سرخی از لاک خام و رنگهای کاغذ و چربه و
چین کاغذ چیدن^۵ و بریده کردن^۶ و پشت آئینه بستن^۷

[ن-۴۸۵] که تا باشد سند را این قبالت
پس آنگه بهر مالش^۸ برنشستن
"سریش آبی" به ظرفی^۹ چین کن اوّل
که گردد سرخ اگر بسیار مالی
کش از سردی گره بند جوانمرد
پس از ته شین سازی ظرف کج سر
هم از "آبی سریش" آن نازین را
نه بشنیدن به روی آن نگاری
پس این حل^{۱۲} را به هر مشکل حل آری
بسازی اندران از خفض و از رفع
به اندک "حل نقره" در برآری

به "حل زر" نوشت این رساله
بباید هر دو دست خویش شستن
ز "زر" یا "نقره" کن اوراق را حل
پس از انگشت اوراق آهسته مالی^{۱۰}
به گرم‌گرم مالش بایدش کرد
پس از تحلیل جوشی ده بر اخگر
پس از سردی بینی چاشنی را
بکن سرپوش تا گرد و غباری^{۱۱}
قوام مشکلش را چون حل آری
بسازی "حل نقره" هم بران^{۱۳} وضع
و گر خواهی که "زر حل"^{۱۴} اخضر آری

۵۵۵

۵۶۰

۱. ب: «وزرشان و تنه»؛ م [از ن]: «تیه و»؛ متن از ا است. در بیت‌های ۵۶۲ تا ۵۶۴ نیز در ا همین‌گونه ضبط شده است. چنانکه از بیت ۵۳۷ برمی‌آید، «لپه» نوعی «افshan» است:
پس از خشکی به مهره می‌ستانند
۲. م: «+ و». ۳. م: «نگاه داشتن».
۴. ا: «آبری»؛ متن از ب است و با توجه به متن.
۵. ا: «چسبیدن»؛ متن از م است و با توجه به بیت ۳۱۳ همین متن:
۶. م: «هر مر کردن».
۷. م: «+ است».
۸. ا: «ماش»؛ متن از م است.
۹. م: «بظرف».
۱۰. چینن است در نسخه‌ها.
۱۱. ا: «کردد غیاری»؛ متن از م است.
۱۲. م: «حل».
۱۳. م: «بر این».
۱۴. ا: «کرا حل»؛ متن از م است.

[سوزن]^۱

چو "سوزن" شو بر هنه راست و دوز ۵۴۰
همه عیب دریده^۲ تا شب و روز

[دسته‌پیچ]^۳

دگر هم "دسته‌پیچ"^۴ ای یار باید
به شکل نیم‌خیز مار باید
ونه در دست "دسته" کرده می‌ساز
شکنجه^۵ ز آن گشاده بند^۶ می‌ساز
همه آلاتش^۷ از "فولاد" شاید

شکنجه

دو دسته ماه و مهر و خواست پنجه
یکی گردان و دیگر ثابت‌اندام ۵۴۵
بکن سوراخ بر مانند "دسته"
کزو یک ربع و ربع ربع در کن
ز چوب بخ و کهر و ساکوان سوس^{۱۰}
ضرور افزار بیست و دو شمردم
بزرگ و خرد جمله بر تو گفتمن^{۱۱}

۱. عنوان این بخش در ا و م به جای عنوان پیشین (سوهان) نقل شده است.

۲. م: «درنده».

۳. این عنوان در ا و م درج نشده و به جای آن آمده: «سوزن».

۴. و ب: «دسته‌پیچ»؛ با توجه به بیت سپسین که می‌گوید «شکنجه» را با این وسیله باز و بسته می‌کنند
و همچنین تشبيه به مار نیم‌خیز گمان می‌رود که «دسته‌پیچ» درست باشد.

۵. م: «گشاد و بند».

۶. م: «آلایش».

۷. ا: «بچرو آب و پیرش»؛ م: «بجز آب و پرسن»؛ به قیاس مضمون و با توجه به م تغییر داده شد؛ هرچند که
هنوز هم مطلوب نمی‌نماید.

۸. م: «کن بماند».

۹. م: «پنهان».

۱۰. متن برابر با ا است؛ ب: «چوب و پنج کیر و ساگوان سوس»؛ ن: «ز چوب و پیخ گیر و ساگوان سوس»؛ گویا
این واژگان، نام چوب‌ها به زبان هندی باشد.

۱۱. ا: «دیگر»؛ متن از م است.

۱۲. مصراج برابر با ا و ب است؛ ن: «دگر چنپا پهن اش و دگر طوس».

۱۳. ا: «سپرد هم».

ز من چندین شرایط‌هاش بشنو
بکش‌باریک خط چون ربوعی از مو
که بی "تحریر" زر را نیست تقریر
به یک وضعش بباید واسع و تنگ
طلسمات عجایب دارد این گنج
به هفت و هشت و نه ده بیست کن حوش
چهل، پنجاه و صد نشانیده باشی

[ترسیم صفحه‌های جفر]^۴

[۷۱-۱] قمر با شمس می‌سازی مقابل^۶
خط رو پشت او یکسان کشانی
مثلث هم مخمّس هم مریع
که این نبود پسند ای یار جانی
به ترتیش که^۷ باشد روح ارواح^۸
پس آنگه رنگ‌ها بر جا پسندی
به رنگ دلپذیرش ساز دلکش

[راست کردن رنگ‌ها]^۹

برآرد رنگ‌ها هر یک دگر رنگ

دلایل بسیار یک دم باش و مغنو
سر نوک قلم کن چون سرِ مو
بدان^۱ می‌گن بران محلول "تحریر"
بکن‌باریک یا گنده به هر رنگ
نشین در کنج و بنشان^۲ گنج بسیار نج
بکش یک یا دو و^۳ سه چار و پنج شش
ز بیست و پنج تا سی دیده باشی

کشی گر صفحه‌های^۵ جفر ای دل
قمر با شمس یعنی چیست دانی؟
مریع صفحه کن خانه مریع
مکن در صفحه سوراخ از نشانی
مذهب باش و کن تذهیب الواح
نخستین نقش را تحریر بندی
به طرحی کان خوش آید کن مننقش

زهی صباغ^{۱۰} صانع^{۱۱} کز گل و سینگ

۱. ا: «بنشا»؛ متن از م است.

۲. این عنوان در اون در اناخوانا است.

۳. ا: «و» از م و با توجه به وزن بیت افزوده شد.

۴. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۵. ا: «صفعه‌ای» [اندکی ناخوانا است]؛ م: «صفهای»؛ تصحیح قیاسی است [او مطابق ن].

۶. این بیت در ۱ در حاشیه صفحه به خط کاتب متن افزوده شده است.

۷. ا: «ـکه»؛ از م افزوده شد.

۸. ن: «روح ارواح».

۹. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۰. ا: «صنانع» [جالب توجه است؛ به ویژه با قرینه «صانع»]؛ متن از م است.

۱۱. چنین است در نسخه‌ها و گمان می‌رود که «صانع» نیز درست باشد.

۵۸۰

[۶۹-۱]
[۲۱-۱]

شنو از من حلال این مشاکل^۲
طریق "لپه"^۳، "افشان" [و]^۴ "جداول"
به "کاغذهای رنگین" ساز آهار^۵
ترسم‌های^۶ باریک است "افشان"
ز دنب اسپ مـوی چند باید
به "زـ حل" ترکن و افshan به انگشت
بکوشی تا بزرگ و خرد ناید
چو خواهی نقش افshan است^۹ کن پوست
چو سازی "زیر مشق" و "جزو دان" ها
چو خیزد نقش، بنشین بند "تحریر"
کنون پـرویزن کـرپـاس مـیـ آر
بـهـ بـیـزـ اـورـاقـ بـرـ اـورـاقـ آـثـار
مـگـرـ اـینـ رـاـ بـهـ نـامـ "لـپـهـ"^{۱۱} خـوانـند

[۴۸۶-۱]

۵۶۵

[جدول]^{۱۲}

ولی^{۱۳} از طرف چپ بر راستاکش [۷۰-۱]
نباشد گر همه هم نیست نقصان

چو خط راستی "جدول طلا" کش
صناعت‌های بـسـیـارـ اـنـدرـ آـنـ دـان

۱. این عنوان در اون درج نشده و افزوده ما است.
۲. م: «پسته».

۳. م: «پسته».
۴. حرف ربط واو در نسخه‌ها موجود نیست و با توجه به مضمون بخش‌های سپسین افزوده شد.

۵. ب: «نرسیمه‌ای»؛ ن: «سری‌سیمه‌ای».
۶. م: «پسته».

۷. م: «پسته».
۸. م: «بجای».

۹. ا: «ـ است»؛ از م افزوده شد؛ هرچند که این ضبط نیز قائم‌کننده نمی‌نماید.
۱۰. م: «بجام».

۱۱. م: «لمیه».

۱۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۱۳. واژه «ولی» در اون محو شده و از ب افزوده شد.

[آمیزش رنگها]^۱

بنفس" است و "کبود" ورنگ^۲ بسیار سفید و "سرخ" انگیزی شمود^(۳) است دگر^۴ ترتیب ازین گردد هویدا که در سرخی زند^(۵) یاقوت راسنگ به رنگ و تازگی در کام دارند نباشد رنگ اگر چون سنگ بینند دو وزن "لاک"، "آب پاک" باید بساباریک و^۶ در جایی نگهدار کنی آتش کش آرد جوش و^۷ زور پس از تحلیل جوشی آردش تاخت بگردان جانشین^۸ کرده فرو کن نگهدار از غبار و گرد ریزی

دگر آمیزش رنگ است ای یار سفیده نیل^۹ آمیزی "کبود" است بنفس از "نیل" و "سرخ" گشت پیدا دگر از "لاک خام" آرندیک رنگ مگر پنج سیر "لاک خام" آرند بخایند و به جامه رنگ بینند نه گنده؛ خرد^{۱۰} ما را "لاک" شاید ز "لود"^{۱۱} و "لوك" دانگی چار و نیم آر به ظرفی پاک ریزی آب مذکور چو جوش آورد لاکش باید انداخت تو مسحوقین مذکور اندر او کن سپس در ظرف چینی جامه بیزی

۶۱۰

۶۱۵

۶۲۰

[سیاهی]^۹

شود برّاق و جاری آن دل آرا شنو از من "مداد" سهل و اعلا بکش "دوده" تو از بهر سیاهی ز "روغنْ کنجد" آور نیم سیرش به قدر خنثت کن دو فتیله به روغن غرق کن هر دو فتیله پس از صافی بمالی برکش اندر

۶۲۵

۱. این عنوان در نسخه‌ها موجود نبوده و افزوده ما است.

۲. م: «کبودی رنگ».

۳. م: «سفیدنیل»؛ متن از م و با توجه به ضبط واژه در بیت‌های دیگر تصحیح شد. گویا: «سفید و نیل» درست باشد.

۴. ن: «کنده جزو».

۵. م: «وگر».

۶. م: «ـو».

۷. م: «در».

۸. م: «چاشنی».

۹. عنوان از ب است؛ این عنوان در ا درج نشده است.

۱۰. آ: «تحته»؛ متن از ب است.

دگر "شنجرف" و "سیندور"، "لاجورد" آر

دگر تعريف "سحق" و "شست" و از سنگ

[۷۲-۱] مکن در^{۱۱} "سحق" و "شست و شو"^{۱۲} حکایت

که "مسحّق" را صماخی هست در کار

سیاه و هم تباه و مسحّق^{۱۳} کردی

که تا سایی بر او تو جمله رنگی

وزین هم نی "کنیر" آری برادر

به از سبز و سیاه آن سبز^{۱۴} خالیبکوبی چون جرس آواز داد آن^{۱۵}

پسند آمد "کنیری مرمر" اینجا

که نرمش هیچ کس را نیست مرغوب

[۴۸۷-ن] به شب در ظرف^{۱۶} آری جمله یکسر

صبحی تنهشین نه آب بردار

پس از "زردابه" رفتن کار بستن

شود بر "آب ابری" این شناور

بسای از "آب لیمو" شو سراسر

دگر بر وضع ماضی شسته تازی

به "آب پاک" و "ریته"^{۱۷} شست شان کن

۱. آ: «سفید»؛ متن از م است.

۲. در^{۱۸} در ا محو شده است؛ از ب افروده شد.

۳. «وشو» در ا محو شده است؛ از ب افزوده شد؛ ن: «شست و شوی».

۴. م: «سحق».

۵. آ: «کمیر» [مخaldoش نیز هست]؛ با توجه به ضبط نسخه ب و همچنین ضبط همین واژه در بیت پیشین

و بیت ۶۰۰ تصحیح شد.

۶. م: «نیز».

۷. م: «آواز دردان».

۸. م: «سیاه»؛ ن: «سیه».

۹. واژه «ظرف» در ا محو شده است.

۱۰. م: «به آب».

۱۱. آ: «آب شیرین».

۱۲. آ: «سیندور»؛ متن از م و با توجه به بیت ۵۹۱ تصحیح شد.

۱۳. آ: «ریته»؛ م: «رینه»؛ با توجه به ضبط دو نسخه تصحیح شد.

کاغذ رنگیں [۱۳]

نیام از پشت هم بگذار چندین [ن-۴۸۹]

۱. این بیت در حاشیه ۱ و در برابر بیت ۶۳۹ ضبط شده است.

۲. ب: «پیش حجر الاجز و تدر و میزوا»؛ ن: «پیش حجر الاجر و تدر میزوا»؛ متن از ۱ است که هنوز ضبط پذیرفتنی ندارد.

۳. ب: «دو مکذا هرودش سیابا تسنا»؛ ن: «دو مکذا هردوش سا باتسنا»؛ متن از ۱ است که هنوز حل نشده است.

۴. ا: «از لطینو کر و مقلو» [واژه «لطینو» در ابشكل «لطینو» نیز خوانده می‌شود]؛ ب: «از لطینو کرو مغلو»؛ متن از ن است که عجالتاً درست‌تر می‌نماید.

۵. ب: «نگیر و صاف جهنو»؛ ن: «نگیرد صاف و جهنو»؛ متن از ۱ است.

۶. ا: «کری»؛ ب: «کری». ۷. م: «سخایش». ۸. م: «سرایش».

۹. ب: «دو دسته»؛ ن: «دو رسته»؛ متن از ۱ است.

۱۰. ب: «باخت»؛ ن: «تاخت».

۱۱. م: «کنی زین ماہ گر».

۱۲. این بیت فقط در آمده و از نسخه م افتاده است. چنانکه می‌بینیم ضبط آن قانع‌کننده نیست.

۱۳. این عنوان در ا موجود نیست؛ در م نیز فقط آمده: «کاغذ».

دگر مسیکن تو "کاغذهای رنگین"

<p>۶۳۵ [ب] -</p> <p>کش از پنج سیر "روغن"، تولهٔ پنج برون از "دوده" بعضی "روغن" آرنده ولی چربی بُود جانِ "سیاهی" کنون وزن "سیاهی" گوش می‌دار بیاور "دوده" یک دو "تول"^۵ و "مازو" دگر "هیراکشش" (؟) صمغ آر بی‌بیم^۷ به حلّ "تول" و "دوده"^۸ جامه بیزی به محلولین کش "هیراکشش" را</p>	<p>یکی زین نه بر آن بالای آن آب سپس^۲ در حجره بی‌باد شاید نهی اوّل سفالی^۳ بر چراغی به ساعت ساعتی می‌دیده باشی کش از پنج سیر "روغن"، تولهٔ پنج برون از "دوده" بعضی "روغن" آرنده ولی چربی بُود جانِ "سیاهی" کنون وزن "سیاهی" گوش می‌دار بیاور "دوده" یک دو "تول"^۵ و "مازو" دگر "هیراکشش" (؟) صمغ آر بی‌بیم^۷ به حلّ "تول" و "دوده"^۸ جامه بیزی به محلولین کش "هیراکشش" را</p>
<p>۶۳۶ [ن-۱۶]</p> <p>به جامه تربکن با جاکن^۱ از آب همه سوراخ‌ها بستن بباید به روغن تانیفت دوده زاغی ولی اتسام او گردیده باشی برآید "دوده" ای دلدار بسی‌رنج "سیاهی" را به بسی‌چربی نگارند تن بسی "پی" چه باشد جز تباھی^۲؟ به ترتیبی که گوییم هوش می‌دار وزو ربیعش بسننجی^۶ در ترازو که وزنشان بُود هم چار و هم نیم کنی تحلیل "مازو" صمغ ریزی پس از آمیختن کوشی کشش را</p>	<p>به جامه تربکن با جاکن^۱ از آب همه سوراخ‌ها بستن بباید به روغن تانیفت دوده زاغی ولی اتسام او گردیده باشی برآید "دوده" ای دلدار بسی‌رنج "سیاهی" را به بسی‌چربی نگارند تن بسی "پی" چه باشد جز تباھی^۲؟ به ترتیبی که گوییم هوش می‌دار وزو ربیعش بسننجی^۶ در ترازو که وزنشان بُود هم چار و هم نیم کنی تحلیل "مازو" صمغ ریزی پس از آمیختن کوشی کشش را</p>
<p>۶۳۷ [ن-۸]</p> <p>سپس^۲ در حجره بی‌باد شاید نهی اوّل سفالی^۳ بر چراغی به ساعت ساعتی می‌دیده باشی کش از پنج سیر "روغن"، تولهٔ پنج برون از "دوده" بعضی "روغن" آرنده ولی چربی بُود جانِ "سیاهی" کنون وزن "سیاهی" گوش می‌دار بیاور "دوده" یک دو "تول"^۵ و "مازو" دگر "هیراکشش" (؟) صمغ آر بی‌بیم^۷ به حلّ "تول" و "دوده"^۸ جامه بیزی به محلولین کش "هیراکشش" را</p>	<p>یکی زین نه بر آن بالای آن آب سپس^۲ در حجره بی‌باد شاید نهی اوّل سفالی^۳ بر چراغی به ساعت ساعتی می‌دیده باشی کش از پنج سیر "روغن"، تولهٔ پنج برون از "دوده" بعضی "روغن" آرنده ولی چربی بُود جانِ "سیاهی" کنون وزن "سیاهی" گوش می‌دار بیاور "دوده" یک دو "تول"^۵ و "مازو" دگر "هیراکشش" (؟) صمغ آر بی‌بیم^۷ به حلّ "تول" و "دوده"^۸ جامه بیزی به محلولین کش "هیراکشش" را</p>

[شیوه ساختن مدادی با نام قادریه]

ز قدرت می‌رسد مخفی و ظاهر	داد قادر
زیک مَدْ یازده بیتم ^۹ نگارد	ام دارد
دمی بیدار باش ای یار و ^{۱۰} معنو	م بشنو
به وزن سیر و نیمی پاک می‌خر	ای برادر
نخست از پا، پس از ^{۱۲} بالا فروزان	ده سوزان

۱۰. ا: «- و ». ۱۱. ب: «تخم بیرونح »؛ ن: «بیراج ». ۱۲. م: «از پایش از ». ۱۳. ا: «سفال »؛ متن از م است. ۱۴. ا: «تنی بی چه باشد تباهی »؛ م: «تن بی چربی چه باشد جز تباهی »؛ متن با توجه به دو نسخه تصحیح شد (نک: تعلیقات). ۱۵. ا: «بول »؛ متن از م است. ۱۶. ا: «دو ربیع سنحی »؛ متن از ب است. ۱۷. م: «آری هم نیم ». ۱۸. ا: «بحل بول دوره »؛ ب: «بحل اول و دوده »؛ ن: «به حل اول و دوم »؛ تصحیح قیاسی با توجه به ضبطهای یادداشده است.

[ابری]

[۳۶-] گهر ریزی بکن بر "آب ابری"
 [۸۱-] گهرهای هنر ز آن در رباند
 که هم کشتی^۳ رنگست و روانش^۴
 بجوشانی و گیری نیمه اش آب
 که آن ضایع نگردد هم تو پر کم^۵
 بچه!^۶ این "آب"، "آبی" نیست مشتاب
 ز تو در تو همه با تو بجویم
 بیاور "ریته"^۷ چار و هشت توله
 به سیری نیم آبش تر، مسا^۸ گن
 بجوشان و بکن با صاف مخمر^۹
 هم از آینده رفته می سپارم
 سه "ماشه"^{۱۰} کن تکنکهارش^{۱۱}؛ میانه
 دو سیر و نیم آب اندر بپیمای
 فرووش آر و مشکل ساز حل وا
 کز این^{۱۲} "ماءالبصل" را خوشتر آید

۶۷۵ بکش^۲ چون ابر آب از بحر "ابری"
 چوغو اسان این معنی در آیند
 بسیا بشنو طریق بستمانش
 به سیری "لاک خام" و سیر پنج "آب"
 به شیشه ریز و رویش بند محکم
 کنی مخلوط هر رنگی ازین آب
 ۶۸۰ دگر^۷ یک بستمانی با تو گویم
 ز بول سرخ^۸ آور هشت توله
 ز تخمش پوست را یکسر جدا کن
 بس اول بکن تخمش مفتر
 دگریک "بستمان" بر تو گذارم
 ۶۸۵ بکن یک توله "لاک سرخ دانه"
 بکن یک "ماشه"^{۱۰} "لوک" و جمله می سای
 بجوشان صاف کرده همچو حلوا
 بسیاری بستمانی^{۱۵} دیگر آید

۵. م: (نوپر کم).

۶. م: «بجز».

۷. م: «پول سرخ».

۸. ن: «ریته»؛ متن ازا و ب است.

۹. ن: «نرمسا».

۱۰. ن: «واژه "مخمر" در ا محو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۱. ن: «ماشه»؛ متن از م است؛ از م افزوده شد.

۱۲. ن: «ماشه»؛ متن از م است (نک: تعلیقات).

۱۳. ن: «طکنکهارش»؛ در بیت ۶۸۹ نیز چنین است.

۱۴. ن: «ماشه»؛ متن از م است (نک: تعلیقات).

۱۵. ن: «بیا ای بستمان».

[۷۹-۱]

یکی سیر و دگر آفی^۱ (۶) نمائی
 بگیر یک سیر و دُردی^۲ صاف گردان
 بجوشانی و گیری^۳ نیمه این
 پس از خشکی مگر مهره گشائی
 ز سیرابیش خوش آبی نماید
 هلد کاکر سنگی گویند اعتاق^۶
 به ظرفی پاک و صاف از جامه بیزند
 "سمائی" گر کنی هم کش ز "نیل" آب
 کستبی غره^۹؛ کن جمله مقبول
 به رنگ اندر صفا و نار گیرند
 "سیاه آبی" ازین دوده برآرند
 بجوشاند و "لوک" انداک پذیرند
 نه کس را اندر آن^{۱۱} چون چند باشد
 ۶۶۵ یکی پیدا شود رنگی از آن بر
 به قدر فهم^{۱۳} خود هر کس برآرد
 برون آرم گهر گردی^{۱۴} شگرفی
 همه تن موج زن، بحر گهر شو
 دلا سبّاح دریای هنر شو

۱. م: «آنی»؛ ن: «آلی»؛ متن عجالتاً از ا است.

۲. م: (بجوشانی بکن تو). ۴. ب: (ازرونش)؛ ن: (درونش).

۳. م: «یسراق».

۵. م: «یسراق».

۶. ب: «هلاکا کرسنگی گویند اعتاق»؛ ن: «هلاکا گرسنگی گویند اعتاق»؛ متن از ا است.

۷. م: «بچسبانند». ۸. م: «سیر»؛ ب: «یسر»؛ ن: «سیر»؛ متن با توجه به ا است.

۹. م: «کسنین عرة».

۱۰. م: «کس را وندران»؛ متن از م است.

۱۱. م: «باد آبی»؛ م: «با رای»؛ متن بر پایه ن است.

۱۲. م: «کردی»؛ م: «گیری».

نمائی چون به باغ آن سروها را
چو مارِ حلقه بسته^۲ برخیزند
به آخر سر فرو بر کن "مقاطی"^۴
[۸۸-۱] [۴۹۲-۰] [۳۹-۱]
چو مار استاده کرده باد^۵ همسر
همین آیند^۷ مقبولان مکن دفع
چنان کش نقطه‌ها بر هم فتاده
ز مرکز مگذران گاهش برون آر
و یا دلخواه خود کن برگ‌ها خوش
یکی طرح است این هم یارِ جانی
که در "ابری" بسی هست اعتباری
بسی مالش ده و یک قطره‌اش^{۱۱} ریز
به دلخواه خودش بر وزن شینی^{۱۳}؛
[۸۹-۱] سپیدی و سیاهی کن برابر
به تخته شیب کرده نه تو ای یار
چنان غلطت نباشد شوی او^{۱۵} را
پیش^{۱۶} از مهره بگشائی تو این راز
ور از کردن شدی هم کس^{۱۸} کسی بود^{۱۹}

۷۲۵ گذاری گر کشیده نقطه‌ها را
دگر "نقاطی"^۱ مقاطش گرد ریزند
بکش گاه از میانی هر^۳ نقاطی
دگر گنجشک "آید ای برادر
دگر گلهای رنگارانگ، هر^۶ وضع
فگن یک نقطه و می‌کن گشاده
کش از بیرون تو گاه از^۸ اندرون آر
ز اطرافش بکش کن برگ پنج^۹ شش
دگر از اندرون بیرون کشانی
گذار^{۱۰} آید دگر بی اختیاری
بجوشان "لوک" و با "دوده" درآمیز
گشاید یا گذارد چون نه بینی^{۱۲}
گذاری آنچنانش ای برادر
چو بر کاغذ برآید نقش، بردار
 بشوی از "آب شیرین"^{۱۴} روی و مو را
چو شد صاف از کدورت خشک می‌ساز
گر از گفتن شدی^{۱۷} کارش بسی بود
۷۵۰

۱۰. م: «زلفی». ۱. م: «حلقه بستر».
۱۱. م: «مقاطی»؛ متن از ا و ب است.
۱۲. م: «رنگارانگ و هر»؛ م: «رنگارانگ بر»؛ متن به قیاس نسخه‌ها است.
۱۳. م: «آنده در آ محظوظ است؛ از ام افزوده شد.
۱۴. م: «گاه و اندرون»؛ ب: «گاه اندرون».
۱۵. م: «غلط نباشد شوی رو».
۱۶. م: «پیش». ۱۷. م: «شدن».
۱۷. م: «بینی». ۱۸. م: «چینی».
۱۸. م: «بکش کن برکنچ». ۱۹. م: «شدن هم کش».

به کفگیری کفش آهسته^۲ ز آنجا
به "سیرش"، آب پنج سیری فرود آر
کشیده "کاغذ" از آبش بیاری
پس از خشکی و را^۴ آهسته بردار
بر آب^۸ انداخته می‌بین همان رنگ
مکن غرقش مکن^۹ کم او^{۱۰} زیاده
زمین و نقش بند از رنگ همسنگ
بریزی نقطه‌ها زان سبز و احمر
برای نقش ابری کن نگاهی
کشیدن شانه^{۱۵} آید بعد ازین فرض^{۱۶}
گذاری فرجها بر قدر معلوم
کش آید جسته جسته از میانه
نه از شانه به دم دم کن غرایب
گشاده تارها بر هم مکن باب^{۲۰}
[۸۷-۱]

۷۲۵ گذاری "آب میتهی"^۱ ساعت^۲ آنچا
بکن "آهار" را از زاج^۴ آهار
بجوشان صاف کرده زیر آری
بچسبان کاغذش بر تخته هم دار^۵
بکن مخلوط از آب بستمان^۷ رنگ
به دلخواه خودش سازی گشاده
مُطَرَّح نقطه‌ها ریزی ز هر رنگ
بنه در طرفها^{۱۱} پر کبوتر^{۱۲}
بیار از^{۱۳} گنده و باریک گاهی
نخستین عرض کش^{۱۴} پس طول پس عرض
بکن شانه ز سوزن بسته^{۱۷} در موم
بهل جای و بکش جای تو شانه
دگر "لرzanک"^{۱۸} آید بس عجایب
چو زلف عنبرش^{۱۹} پر پیچ و پُر تاب

۱. ن: «آب تیهی»؛ متن از ا، م و ب است (همانند بیت ۷۱۲ است).
۲. م: «ساخت».
۳. م: «آرسته»؛ متن از م است.
۴. م: «واچ»؛ متن از م است.
۵. م: «هموار»؛ متن از ا است.
۶. م: «خشکی او».
۷. م: «آب آسمان».
۸. در ا: «آی» نیز خوانده می‌شود.
۹. م: «بکن».

۱۰. ا: «او»؛ از ب افزوده شد، هرچند که این ضبط هم قانع‌کننده نیست.
۱۱. ن: «ظرفها»؛ متن از ا و ب است.
۱۲. «پر کبوتر» در امحو شده است و از ام افزوده شد مرتباً از واژگان بازمانده ابرمی‌آید که می‌بایست ضبطی
دیگر باشد.
۱۳. «بیار از» در ا محو شده است؛ از ب افزوده شد.
۱۴. م: «کن».
۱۵. ا: «سایه»؛ متن از م است.
۱۶. ا: «غرض»؛ متن از م است.
۱۷. م: «سببه».
۱۸. ا: «لرزاک»؛ متن از ب است؛ شاید «لرزاک» باشد.
۱۹. ا: «ابترش»؛ ب: «انبرش»؛ متن از ن است.
۲۰. ب: «در هم بکن باب»؛ ن: «در هم بکن تاب».

همه چریش از آتش بگیرند
پس آن "چربه" بر آتش تا^۱ پذیرند

[چین کاغذ چیدن]^۲

دگر کاغذ گر آید چین گرفته
کن اندک تر که تا داغش بگیرند^۳
به تخته ساز چسپان تا گشاید
میفگن در کشاکش مهره‌اش کش

تو به رواش^۳ منشین کین گرفته
چو داغی گشت آن بازش پذیرند^۵
همه چین و به دلخواهش نماید
جز مهره نشاید کردنش خوش

۷۷۰

سیماپ^۶

گر آید آینه از^۷ پشت^۸ رفته
چو عینک گشته روی و پشت یکسان
ز روی و پشت^۹ مشکل فرق کردن
بگیر آن تخته را خود دست بر نه

یکی را "پشت" نام دیگرش "رو"
ذهب^{۱۰} به؛ گر نباشد "فضه" بهتر^{۱۱}
گداز و صاف و نرمش کن به روغن
بکن از مهره هموار و صفاده

سبس^{۱۵} یک تخته هموار آری

صفای روش بین در^۹ پشت رفته
ز روی و پشت مشکل گشته آسان
مگر خود را به فهمش غرق^{۱۱} کردن
ببین رو کآن نماید^{۱۲} صاف تر به

به پشتیش پشت چسپان بینیش رو
ور این هر دو نباشد "قلعی" آور
بکوبانی ورقها کاغذی تن^{۱۴}
به قدر آینه بسپریده وانه

بر آنجا چند جزوی کهنه داری

۷۷۵

۱. بر آتش تا در امحو شده است؛ از م افزوده شد.
۲. این عنوان در نسخه‌ها موجود نیست. از عنوان همین بخش در سرآغاز «فصل نهم» گرفته شد.
۳. م: «داش». ۴. م: «بگیرد».
۵. م: «نگیرد».
۶. این عنوان در اینامده است؛ از م افزوده شد.
۷. م: «گر آینه از»؛ ب و ن: «اگر اینه‌ای از»؛ متن از ا است.
۸. ا: «شیب»؛ متن از م است.
۹. م: «از». ۱۰. ا: «پشت»؛ متن از ب است.
۱۱. «خود را به فهمش غرق» در اینامده است؛ از م افزوده است.
۱۲. «ببین رو کآن نماید» در اینامده است؛ از ب افزوده شد.
۱۳. «بهتر» در اینامده است؛ از م افزوده شد.
۱۴. م: «کاغذین تن».
۱۵. م: «پیش».

[عکس]^۱

بگویم کار "عکس" از عکس بر عکس
کسنبی^۲ از دو ابیض کاغذ آرند^۳
به هر نقشی که خواهی زرد و احمر
بنه بر تخته و ترکن به آش

بمهل تارنگ سرخ و زرد گیرد^۵
شود چون خشک در "مهره" بگیری
پس از "تحریر" بگشایند او را
دگر "چربه"^۸ که شیرین چرب آید

دلا ناگه^{۱۰} خط^۹ یاقوت^{۱۱} آمد^{۱۲}
چه به باشد جز این کز^{۱۳} "چربه" گیری؟
دهی^{۱۳} آن را مرقع^{۱۴} کرده یارا
حوالی موم چسپان بسی جدائی

هم از مویی^{۱۷} قلم^{۱۸} تحریر پرداز

شود گریک سر^{۱۹} مو زآن نپاید

نپاید گر تو را معدور می‌باش

۷۵۵

بین در عکس، شخص^۲ خویش بر عکس
حوالی^۳، "متن" را بسپریده دارند
بسپریده کرده چسپان ابیضش بر
ولیکن تر به تر باید شتابش

سپید آن نقش را در خود پذیرد^۵
صفایش راز "مهره" در پذیری^۶
به هر رنگی که خوش^۷ آید مر او را
به رمح مو مبارز حرب^۹ شاید

به تن قوت^{۱۰}، به جان یا قوت آمد^{۱۲}
به است آن مغتنم کز خربه گیری^{۱۲}
دهی اپن را مرقع^{۱۴} کرده مارا

حوالی موم چسپان بسی جدائی

شود گریک سر^{۱۹} مو زآن نپاید

نپاید گر تو را معدور می‌باش

۷۶۰

۱. این عنوان در نسخه‌ها نیست و افزوده ما می‌باشد.

۲. ب: «کسنبی»؛ م: «کسینی»؛ ن: «چو سینی».

۳. آ- آرند؛ از ب و با توجه به قافية مصراع سپسین افزوده شد.

۴. م: «گردد»؛ متن از ا است.

۵. این بیت و بیت سپسین در م جایه جا نوشته شده است.

۶. (رنگی که خوش) در امحو شده است؛ از ب افزوده شد.

۷. «چربی»؛ م: «چربی»؛ متن با توجه به ا است.

۸. م: «تا کی». ۱۱. م: «آید»؛ قافية مصراع سپسین نیز چنین است.

۹. م: «مومیا زر چرب». ۱۲. ب: «خریگیری»؛ ن: «ضریه گیری»؛ متن از ا هیچ کدام از ضبطها قانع کننده نیست.

۱۰. م: «اید»؛ متن از ا هیچ کدام از ضبطها قانع کننده نیست.

۱۱. م: «این مرصع را». ۱۳. ا: «دهن»؛ متن از م است.

۱۲. م: «بروی قطعش». ۱۴. م: «این مرصع را».

۱۵. ا: «چرب کی»؛ متن از ن است.

۱۶. م: «موی». ۱۸. «یک سر مو زآن» در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۷. م: «موی». ۱۹. «پر از تفاوت دور می‌باش» در امحو شده است؛ از ن افزوده شد [در ب: «بکن پرداز تفاوت»].

فى الموعظة والاتمام^۱ الرسالة

نديدي مغز تحقيقش به تقليد
که بشناسی در آن معروف و عارف
چه تفسیر^۴ و معانی، نحو و^۵ تصريف
کلام و مختصر، منطق، مطول
نمیدانی مجلد اکثرش حرف
جزین فن بی^۸ که تا مزدش ستانی
چه شربت‌های نوشان می‌گذاری
شوی^{۱۲} سیره بر آن فارغ نشینی
مگر سیراب از رود سرابی
که اکثر اولیا را این فعال است
رسانی چند عظم از بھر روزی
ولیکن در کتب این را ندیدم
ولی دانم که اکثر از حدیث است
حفيظش حافظ سبحان^{۱۴} برآید
به دارينش نگهبان اسلام است^{۱۶}

دلا در پوست ماندی بهر تقليد
ازان مكتوب و مقرون شد^۲ مصافح
كتب از بهره درش^۳ گشت تصنيف
زنظم و نثر و اشعار مكمل^۶
به دست آيد چون "مشکات" و "مصحف"^۶
جز پيچيدن چرمش ندانی^۷
چه نعمتهاش^۹ آسان می‌گذاري
عجب از خوان يغما^{۱۰} حبه چيني^{۱۱}
لب سيل است و تشهه جان گيائی^{۱۳}
اگرچه کسب بس قوت حلال است
نه قصابي که خون بُز بربری
ز پير سيد عالم شنیدم
نمی‌دانم که قول است و حدیث است
چنین کو حفظ قرآن می‌نماید
غرض از حفظ، تجلید کلام است^{۱۵}

٨٠٠

٨٠٥

٨١٠

که در آيینه افتاد زين^۱ شکنها
به سگين^۲ دور کن ظلمت ز"قلعى"
ز چرب دست و گر آشوب داري
چه گويم بارها^۵ الله کافيست
به جامه دور کن ظلمت تو از نور
زيکر رو که يابي جمله پاياب
ولي ز آنجا سياهي دور جويم
ز ظلمت نور شد ظلمت بود نور
بنه يك تخته ديگر بر آنجا
به زير سنگ داري هفتاهش در
به رویش پشت استاره^۹ توان^{۱۰} ديد
بسی آهسته تر معدور می‌دان^{۱۱}
به هنگام زمستان^{۱۳} ظهر سر بر
جمال مهر بين مهرش نهفته
نمی‌دانيم ما والله اعلم

٧٨٥

٧٩٠

٧٩٤

٧٩٥

۱. ا: «+ ام» [که زايد است]. ۲. م: «مغوروند»؛ ن: «مغوروند»؛ متن از ۱ است.

۳. اين واژه در امحو شده است ولي از بازمانده‌های آن می‌توان پنداشت که «دانش» است؛ م: «از هر درستش»؛ متن از ن است.

۴. ا: «- و»؛ از م افزوده شد.

۵. «آيد چون مشکات و در امحو شده است؛ م: «آيد چون مشکات مصحف»؛ متن از م و با افزودن «واو» از سوی ما می‌باشد (ذکر: تعليقات).

۷. اين مصراح در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۸. «جزين فن بی» در امحو شده است؛ از ب افزوده شد؛ ن: «جزين فن به».

۹. م: «چه نعمتهاش در امحو شده است؛ از م افزوده شد. ۱۰. م: «يغمان».

۱۱. «حبه چيني» در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۳. م: «سيل است و تشهه جان که يابي».

۱۴. «حافظ سبحان» در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۵. «تجليد کلام است» در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۶. اين مصراح در امحو شده است؛ از ب افزوده شد؛ ن: «السلام».

۱. م: «زان». ۲. م: «به سنگی»؛ متن از ۱ است.

۳. ا: «- به شست و شوي در آبش»؛ م: «به شست و شوي مر آتش»؛ ب: «به پشت و شوي آتش»؛ ن: «به

شست و شوي گر آتش»؛ تصحیح قیاسی با توجه به دو چاپ است.

۴. «چون آيینه صافیست» در انيامده است؛ از م افزوده شد.

۵. «چه گويم بارها» در انيامده است؛ از ب افزوده شد.

۶. «کن بر ورق» در انيامده است؛ از م افزوده شد.

۷. م: «وپس آهسته دو روز»؛ متن از ۱ که هیچ‌کدام قائع‌کننده نیست.

۸. ب: «تار»؛ ن: «دار»؛ متن از ۱ است.

۹. ب: «افتاده»؛ ن: «استاده»؛ متن از ۱ است.

۱۱. بخش بيشرينه اين بيت در امحو شده و از م افزوده شد.

۱۲. «آفتاب از پاس مگذر» در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۳. به هنگام زمستان در امحو شده است؛ از م افزوده شد.

۱۴. ن: «که زوهم»؛ متن از ۱ و م است.

"بخاری" هست و "مشکات" است و "مصابح"^۱

نوع دیگر^۲

<p>بر آن بانی امام حیدر آمد از آن تجلیل قرآن مرتضی کرد چو بر مصحف کشی تو جدول حل کنی "سرلوح" اگر "تذهیب کاری" چو گل ریزی به وقف و مطلق آیت حوالشی را رکوع و جزو ربع^۴ است و گر مصحف کنی "افشان" سراسر معرق کن منبت هم مشبک^۵ ز سر تا پاس نورانی برائی^۶ تجلی^۷ گر کنی جلدش بدان سنگ دل سنگت صفا یابد ز هرزنگ میندیش از خریداری^۹ خریدار مکن بی همتی در نقص و بسیار تمام شد رساله جلد من تصنیف سید السادات سید یوسف حسین است و الله اعلم بالصواب^{۱۰}</p>	<p>که در سرشن نداز حی درآمد همه فعلش به قول مصطفی کرد دهد حق «تحتها الانهار» اوّل مرضع^۳ قصر بخشندت نگاری ریاحین بهشت آید برایت به زیر سایه طوبی است ربع است گهرهای کرم یابی برابر به جنت کوشک یابی پُر^۶ مشبک ز سر تا پاس نورانی برائی^۶ دل سنگت صفا یابد ز هرزنگ میندیش از خریداری^۹ خریدار به بازار محمد حق خریدار تمت. تمام شد رساله جلد من تصنیف سید السادات سید یوسف حسین است و الله اعلم بالصواب^{۱۰}</p>
۸۱۵	[۹۷-۱]
۸۲۰	[۹۷-۱]
۸۲۵	[۴۹۵-۱]

یادداشت‌های توضیحی^۱

۱ جُزبندی: همان «جزوبندی» است. در بیت ۴۴ همین متن آمده:
پذیرفتند و "جزبندی" نمودند پس از "پشتی" به "شیرازه" سپردن
دیگر ترکیبات این واژه نیز در متن حاضر بدون همزه پایانی «جزء» ضبط شده
است. مثلاً در ترکیب «جزدان» که در بیت ۸۰ همین متن آمده:

«قلمدان» کن و یا "جزدان"؛ تو دانی دو بسته هم برین وزنش نشانی
البته، سراینده این ترکیب را به صورت «جزوبندی» نیز ضبط کرده است چنانکه در
بیت ۱۰۷ می‌بینیم (نیز نک: بیت ۱۱۱):

برای "جزوبندی" کار آید که بی این راست "شیرازه" نیاید
ولی معمولاً به دلیل ضرورت شعری از ترکیب «جُزبندی» استفاده می‌کند.

۴ وقت سیف قاطع: مبنی بر گفته‌ای از مشایخ است بدین صورت: «الوقت سیف قاطع»؛
ترجمه: وقت شمشیر برنده است. در بیت ۵۳۶ نیز همین گفته را می‌بینیم:
دلا! «الوقت سیف قاطع» کن چو برگ سومنش اندام می‌کن
در این بیت نیز می‌بینیم که واژه «قاطع» به کار رفته ولذا در اینجا ضبط «ا» نادرست
می‌نماید ولذا آن را تغییر دادیم (نک: فرهنگ مأثورات، ص ۵۹۲).

۱. اشاره: ارجاعات به شماره ابیات است.

۱. در مشکات و مصابح در امحو شده است؛ از م افزوده شد.
۲. این عنوان در اینست و از م افزوده شد.
۳. ا: (+ فقط) که اشتباه کاتب است.
۴. ن: «جزء و ربع»؛ متن از ا و ب است.
۵. این مصاعد در امحو شده است؛ از ن و ب افزوده شد [جز واژه معرق که در هر دو چاپ «مفرق» است].
۶. «به جنت کوشک یابی» در امحو شده است؛ از ب افزوده شد؛ ن: «به جنت کوشک یابی».
۷. از سر تا پاش اگر در امحو شده است؛ از م افزوده شد.
۸. متن برابر نسخه‌ها است؛ شاید «تحلی» (پیرایه بر کردن) درست باشد.
۹. ا: «از خری داری»؛ متن از م است.
۱۰. در ۱ در گوشه سوی راست انجامه نوشته شده: «مرقومه خط محمدعلی منجمله ۵۰ ورق از هر دو رساله»؛ و در گوشه سوی چپ نوشته شده: «تا اینجا ۳۵ ورق». انجامه م این گونه است: «تمت: تمام شد رساله جلد من تصنیف سید السادات سید یوسف حسین - سقی الله ثراه و جعل الجنة مشواه - بروز یکشنبه دوم شهر رمضان المبارک از دست جمالی صاحب سنة ۱۲۲۸». انجامه نسخه ب چنین است: «نقل کرده از دست سید حمزه حسین عمری منشی کتب خانه مخطوطات شرقیه حکومت مدراس هند ۱۹۶۸ عیسوی».

"بخاری" هست و "مشکات" است و "مصباح"

نوع دیگر^۲

<p>بر آن بانی امام حیدر آمد از آن تجلید قرآن مرتضی کرد چو بر مصحف کشی تو جدول حل کنی "سرلوح" اگر "تذهیب کاری" چو گل ریزی به وقف و مطلق آیت حوالی را رکوع و جزو ربع^۴ است و گر مصحف کنی "افشان" سراسر معرق کن منبت هم مشبک^۵ ز سرتا پاش اگر تزئین^۷ نمائی تجلی^۸ گر کنی جلدش بدان سنگ دل سنگت صفا یابد ز هرزنگ میندیش از خریداری^۹ خریدار به بازار محمد حق خریدار</p>	<p>که در سرشندا از حی درآمد همه فعلش به قول مصطفی کرد دهد حق «تحتها الانهار» اوّل مرضع^۳ قصر بخشندت نگاری ریاحین بهشت آید برایت به زیر سایه طوبی است ربع است گهرهای کرم یابی برابر به جنت کوشک یابی پُر^۶ مشبک ز سرتا پاش نورانی برائی دل سنگت صفا یابد ز هرزنگ میندیش از خریداری^۹ خریدار به بازار محمد حق خریدار</p>	<p>[ن-۴۹۵] [۹۷-۱]</p>	<p>[ب-۴۳] دو بسته هم برین وزنش نشانی البته، سراینده این ترکیب را به صورت «جزوبندی» نیز ضبط کرده است چنانکه در قلمدان" کن و یا "جزدان؟ تو دانی بیت ۱۰۷ می بینیم (نیز نک: بیت ۱۱۱):</p>	<p>که بی این راست "شیرازه" نیاید برای "جزوبندی" کار آید ولی معمولاً به دلیل ضرورت شعری از ترکیب «جُزْبَنْدِي» استفاده می کند.</p>	<p>۱. در مشکات و مصباح» در ا محو شده است؛ از م افروده شد. ۲. این عنوان در ا نیست و از م افروده شد. ۳. ا: «+ فقط» که اشتباه کاتب است. ۴. ن: «جزء و ربع»؛ متن از ا و ب است. ۵. این مصاعد در ا محو شده است؛ از ن و ب افروده شد [جز واژه معرق که در هر دو چاپ «مفرق» است]. ۶. «به جنت کوشک یابی» در ا محو شده است؛ از ب افروده شد؛ ن: «به جنت گُشک یابی». ۷. از سرتا پاش اگر» در ا محو شده است؛ از م افروده شد. ۸. متن برابر نسخه ها است؛ شاید «تحلی» (پیرایه بر کردن) درست باشد. ۹. ا: «از خری داری»؛ متن از م است. ۱۰. در ا در گوشة سوی راست انجامه نوشته شده: «مرقومه خط محمد علی متجمله ۵۰ ورق از هر دو رساله»؛ و در گوشة سوی چپ نوشته شده: «تا اینجا ۳۵ ورق». انجامه م این گونه است: «تمت: تمام شد رساله جلد من تصویف سید السادات سید یوسف حسین - سقی الله شراه و جعل الجنة مشواه - بروز یکشنبه دوم شهر رمضان المبارک از دست جمالی صاحب سنّة ۱۲۲۸». انجامه نسخه ب چنین است: «نقل کرده از دست سید حمزه حسین عمری منشی کتب خانه مخطوطات شرقیه حکومت مدراس هند ۱۹۶۸ عیسوی».</p>
--	--	---------------------------	---	---	---

۱. اشاره: ارجاعات به شماره ایات است.

یادداشت‌های توضیحی^۱

۱ جُزْبَنْدِي: همان «جزوبندی» است. در بیت ۴۴ همین متن آمده:
پذیرفتند و "جزوبندی" نمودند پس از "پشتی" به "شیرازه" سپردن
دیگر ترکیبات این واژه نیز در متن حاضر بدون همزة پایانی «جزء» ضبط شده
است. مثلاً در ترکیب «جزدان» که در بیت ۸۰ همین متن آمده:
قلمدان" کن و یا "جزدان؟ تو دانی دو بسته هم برین وزنش نشانی
البته، سراینده این ترکیب را به صورت «جزوبندی» نیز ضبط کرده است چنانکه در
بیت ۱۰۷ می بینیم (نیز نک: بیت ۱۱۱):

برای "جزوبندی" کار آید
ولی معمولاً به دلیل ضرورت شعری از ترکیب «جُزْبَنْدِي» استفاده می کند.

۴ وقت سیف قاطع: مبنی بر گفته ای از مشایخ است بدین صورت: «الوقتُ سَيْفٌ قاطِعٌ»؛
ترجمه: وقت شمشیر برنده است. در بیت ۵۳۶ نیز همین گفته را می بینیم:
دلا! «الوقتُ سَيْفٌ قاطِعٌ» کن چو برگ سومنش اندام می کن
در این بیت نیز می بینیم که واژه «قاطع» به کار رفته ولذا در اینجا ضبط «ا» نادرست
می نماید ولذا آن را تغییر دادیم (نک: فرهنگ مأثورات، ص ۵۹۲).

۱. اشاره: ارجاعات به شماره ایات است.

۱۸ اجماع خصمان: گویا مقصود، اجماعی بود که برای برگزیدن جانشین برای پیامبر(ص) واقع شد و ابوبکر را برگزیدند. سراینده می‌گوید که اجماع مردم صلاحیت آن را ندارد که جز داری که پیامبر(ص) آن را برگزیده (اشارة به: انا مدینه العلم...) انتخابی داشته باشد.

۲۹ **مُعَرَّب:** واژه غیرعربی که عرب‌ها در آن تصرف کرده و در زبان خود وارد کرده باشند. از بیت‌های پیشین روشن است که در اینجا منظور، اعراب‌گذاری است و قاعده‌تاً می‌باشد سراینده واژه «مُعَرَّب» را به کار می‌برد، ولی می‌بینیم که چنین نیست و این ضبط با وزن بیت سازگاری ندارد.

۶۲ آهار: مقصود از «آهار» در اینجا نوعی چسب است که برای ساختن مقوّا استفاده می‌شود. سراینده، پس از این، هنگام یادکرد «وَصَالِي» و «فَصَالِي» نیز به شیوه ساخت آهار مخصوص آن کار اشاره کرده است.

باید توجه داشت که پیشینیان در مراحل گوناگون صحّافی از چندین نوع آهار (چسب) استفاده می‌کردند، چنانکه صیرفى در گلزار صفا (تألیف ۹۵۰ق؛ مندرج در: کتاب آرایی، ص ۲۴۹) به شیوه ساخت دونوع آهار – یعنی «آهار نشاسته» و «آهار سریشم ماهی» – و همچنین برخی مواد که خاصیت چسبانندگی دارند اشاره کرده است.

۶۳ به آب صمغ: چنانکه در پاورقی نیز یاد شد، این بخش در «ا» به صورت «بآبی صمغ» ضبط شده است. این شیوه ضبط – یعنی به کار بردن یای بدل از کسره اضافه – در شیه‌قاره رواج داشته و درست هم هست و در جاهای دیگر این متن نیز به کار رفته است. برای نمونه عین همین تعبیر را در بیت ۴۰ می‌بینیم:

بـه آبـی صـمـغـ هـمـ بـایـسـتـ شـسـتـنـ
پـسـ اـزـ زـرـدـابـهـ رـفـتـ کـارـ بـسـتـنـ
نـیـزـ درـ بـیـتـ ۵۵۷ـ مشـاـبـهـ اـیـنـ شـیـوهـ رـاـ مشـاـهـدـهـ مـیـ کـنـیـمـ

پـسـ اـزـ سـرـدـیـ بـبـیـنـیـ چـاـشـنـیـ رـاـ
هـمـ اـزـ آـبـیـ سـرـیـشـ آـنـ نـازـنـیـنـ رـاـ

۸ سِكَه: نوعی مهر (قالب) فلزی که نام پادشاه و نقوشی را که در نظر داشتند بر روی آن نقر کرده و با آن بر زر و سیم نقش ایجاد می‌کردند. از بیت مورد گفتگوی ما روشن می‌شود که قالب و پیزه ایجاد نقش بر روی جلد رانیز «سِكَه» می‌نامیدند؛ شاید به همین دلیل هم هست که جلد‌های منقوش با «سِكَه» را ضریبی می‌نامیدند چرا که در مسکوکات نیز همین فعل «ضرب» به کار می‌رفت. در معنی «قالب زر» در تحفه‌العراقين (بیت‌های ۱۲۱۲ – ۱۲۱۴ چاپ میراث مکتوب) آمده:

ردکرده دار ضرب دنییست	هر سِكَه که آن به نام او نیست
خود بر رخ زر شدن نیارد	آن سِكَه که نام او ندارد
پیشانی مشتری رقم یافت	زان سِكَه که نام او بر او تافت

۹ علیٰ بابها: اشاره به حدیث «انا مدینة العلم و علىٰ بابها».

۱۱ لیذهب...: از آیه ۳۳ سوره الاحزان.

۱۲ چو در حق یطعون... همش در سعیکم: به احتمال بسیار این بیت اشارتی دارد به آیه ۸ سوره الانسان (۷۶)، آنجا که می‌فرماید: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبْهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا». و همچنین آیه ۲۲ همان سوره، آنجا که فرموده است: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا».

و این اشاره‌ها مرتبط است با شان نزول این آیه‌ها که مطابق با تفسیرهای شیعی در حق امام علی و همسر و فرزندان ایشان نازل شده است. (برای آگاهی بیشتر نک: تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۷۸ – ۸۲).

۱۴ زبور: معنی «نوشته» است که مجازاً برای کتاب داود نبی به کار رفته است.

صُحْف: جمع «صحیفه» به معنی نامه و کتاب و در اینجا احتمالاً صحف ابراهیم مذکور است.

ارتباط میان این دو کتاب با حضرت علی (ع) روشن نشد.

۹۹ بروزن: به معنی «به اندازه» است. این کاربرد را در بیت ۳۶۰ نیز می‌بینیم:
همان وزنش زنی «کنج و تونجی» بچسبان و نشین فارغ به کنجی

۱۰۰ به دلخواه خودش نه: مقصود در اینجا مشتری و سفارش‌دهنده است. شیوه‌ناظم این است که هنگام اشاره به مشتری، فرض را بر این می‌گذارد که ما فی الضمیر او برای خواننده روشن است. وی در جای دیگر نیز همین شیوه بیانی را به کار برده است. برای نمونه در بیت ۳۹۸ آمده:

دهد هر چه بگیر و کار حق کن و گر باشد توانگر بار حق کن

۱۰۹ اندر شکنجه پیچ او را: به قرینه آنچه در بیت ۶ آمده «پیچ» درست می‌نمايد: زمین و آسمان پیچد شکنجه کتابم را دروبی‌دست و پنجه

۱۱۴ ریشم: سراینده در بیت ۱۵۷ نیز «ابریشم» را به صورت «ریشم» ضبط کرده است:

به خرط ابره کن یک تار ریشم به یک سر زن گره یک بیش و یک کم

۱۱۷ شد آن دیگر...: مقصود این است که توصیف شیوه پیشین - یعنی «یک‌بندی» - تمام شد و اینک نوبت تشریح شیوه «دو‌بندی» است.

۱۲۴ تقطیع: در اینجا برابر با اصطلاح «قطع» در تداول امروزین است و آن اندازه نسخه می‌باشد. منظور از «تقطیع دراز»، نسخه‌ای است که طول آن نسبت به عرض بیشتر باشد. همچنین «تقطیع مریع» قطعی است که طول و عرض آن برابر باشد و امروزه به آن «قطع خشته» می‌گوییم. (نک: يادداشت نگارنده با عنوان «تقطیع = قطع» در: گزارش میراث، پیاپی ۲۵، ص ۲۳).

در اینجا به دلیل نامتعارف بودن - و همچنین به این دلیل که ممکن است با رنگ «آبی» اشتباه شود - آن را تغییر دادیم. مهم‌ترین قرینه در اینکه اینجا «آب صمغ» درست است - و نه «آبی» - بیت ۶۵ است که پس از این آمده:

به آن آبی که از صمغ است دانی بیامیزی به این مذکور شانی

۶۶ نشسته پخته کن: نویسنده «نشاسته» را این گونه می‌نویسد. در بیت ۸۴ نیز همین گونه نوشته است:

نشسته آنچه می‌باید بیاری به آبی حل کنی در ظرف داری

۶۷ توله: واحد وزن در شبه‌قاره است. در قابایدین کیم (ص ۳۳) آمده: توله: متعارف بنگاله دوازده ماشه است و توله متعارف شاهجهان‌آباد ده ماشه بنگاله که دوازده ماشه شاهجهان‌آباد می‌شود.

پیش از آن «ماشه» را چنین توضیح داده: ماشه بنگاله هشت رتی است و ماشه شاهجهان‌آباد هشت کهنکچی است.

نیز «رتی» و «کهنکچی» را چنین شرح کرده است: سرخ: که عین الدیک باشد - که به هندی کهنکچی نامند - سه جو متوسط است. رتی: متعارف بنگاله - که تخم گل چاندنی است - چهار جو متوسط است و «رتی» شاهجهان‌آباد کهنکچی است.

(از واحد وزن «توله» در بیت ۶۳۰ نیز سخن رفته است؛ برای توصیف این واژه، همچنین نک: فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج ۱، ص ۱۴۶).

۷۲ مشابه این بیت در بیت ۱۳۳ نیز دیده می‌شود: سپس بر پشت آن آهار مالی کشی مهره ز همواری نتالی

۸۴ نشسته: همان «نشاسته» است. (نک: تعلیقۀ بیت ۶۴)

۱۳۵ دو پَرَك جلد...: چنانکه از این بیت و بیت‌های دیگر بر می‌آید، سراپا نده «پَرَك» را به معنی «دَفَّه» جلد به کار برده است. چنانکه در پاورقی نیز یاد کردیم - این واژه در «ب» به صورت «برگ» ضبط شده و در اینجا می‌تواند قابل توجه باشد؛ اما ضبط این واژه در بیت ۲۰۳ نیز به صورت «پَرَك» است و اگر بخواهیم آن را به صورت «برگ» تلفظ کنیم، وزن بیت مختلف خواهد شد:

پَرَك‌ها هر دو گُریک لخت باشد
همین شیوه ضبط را در بیت ۲۹۳ نیز می‌بینیم:
بکن تر آن پَرَك‌ها اندک اندک
بنابراین فعلاً همین ضبط را پذیرفتیم.

۱۴۵ خشت سیه پخته مجوف: گویا سنگی شبیه «سنگ پا» بوده است. در بیت ۲۳۳ همین اثر آمده:

سیه پخته مجوف خشت را آر بزرگ و خورد و تیز و کند، هش دار

۱۵۳ مُتَرَّش: این واژه از واژه فارسی «تراش» جعل شده است و در لغت به معنی «مرد ریش تراشیده شده» است. در اینجا گویا چرم (سختیان) تراشیده شده مقصود است. واژه در بیت ۲۲۸ همین متن باز هم به کار رفته است:

نگه کن ریزه از چرم متَرَّش که آید زیر و سوراخی کند خوش نیز در بیت ۲۸۰ چنین است:
پس از چرم متَرَّش آر پاره برای آستر زو دار چاره

۱۵۷ خرطِ ابره: واژه «ابره» به معنی سوزن است، اما از میان معنی‌هایی که برای واژه «خرط» یاد شده، هیچ‌کدام در اینجا مناسب نماید. گمان می‌رود که مقصود سراپا نده از «خرط ابره» «سوراخ سوزن» باشد.

ریشم: به تعلیقه بیت ۱۱۴ رجوع شود.

۱۲۹ کوژی: چنانکه در پاورقی یاد کردیم، این واژه در همه نسخه‌ها به شکل «کوری» ضبط شده است، اما گمان می‌رود که در اینجا «کوژی» درست باشد و مقصود همان خمیده کردن «پشتی» جلد در برخی شیوه‌های جلدسازی است.^۱ قرینه‌ای که این موضوع را تأیید می‌کند عبارتی از رساله الشیسیر (ص ۷) است که هنگام توصیف «تفقیه» (= پشتی) بدان اشاره شده است:

پشت‌بندی کتاب (تفقیه): دستور کار بستن پشت یا عطف کتاب چنان است که کتاب را در گیره (منگنه، اشکنج)^۲ استوار کنند. پس جزوای را با درفش بالا بیاورند. به همین دلیل پیش‌تر یاد کردیم که دوخت باید سست باشد که جزوای را بتوان بالا کشید؛ که اگر محکم دوخته باشد، بالا کشیدن جزوای ممکن نگردد. پس پشت کتاب را گنبدی (یا کمانی و قوسی) کنند و این کار، اساس پشت‌بندی کتاب است که صدر یا جلو کتاب باید گود و پشت یا عطف کتاب برجسته و کمانی باشد و اگر به عکس باشد، ناپسند است.

جالب توجه اینکه همو بلافاصله پس از آن می‌گوید:

فصل: هنگام پشت‌بندی کتاب باید کتاب به قدر یک انگشت از گیره بیرون باشد که اگر نباشد، عطف کتاب باریک و لاغر و بقیه آن فربه و برآمده آید و این عیب است...

۱۳۰ سختیان / سختیان: چرمی است که از پوست بُز فراهم می‌آید. پس از این در ابیات ۱۹۱ تا ۲۱۸ به شیوه آماده‌سازی سختیان برای جلد اشارت رفته است. در آنجا از فحوای بیت‌های ۱۹۵ و ۱۹۶ به خوبی روش می‌شود که سختیان را از پوست بُز تهییه می‌کرند:

نخستین سختیان سرخ آید
خراسیده شود تن از مغیلان
ولی از چند علت دور باید
رَوَد چون بُز به خوردن در بیابان

۱۳۳ به یادداشت بیت ۷۲ رجوع شود.

۱. این شیوه معمولاً در میان صحافان مناطق غربی سرزمین‌های اسلامی کاربرد داشته است.

۲. امروزه در میان صحافان بیشتر «قید» نامیده می‌شود.

۱۹۴ به رنگِ پنج و چارش...: یعنی جلد‌ها را به سه یا چهار رنگ می‌سازند و من (= سراینده) این رنگ‌ها را یاد می‌کنم.

۱۹۸ داغ دار: حیواناتی که برای شناسایی صاحبان آنها (معمولًاً در گله‌های پادشاهان) بر بدن آنها داغ می‌نهادند. روشن است که نشانه این داغ‌ها بر پوست حیوان باقی می‌ماند.

۲۰۳ بزن بر سنگ هموارش چو گازُر: این مطلب مبنی بر این مضمون است که گازران برای شستن جامه آن را بر سنگ می‌کوبیدند و «سنگ گازری» در غالب شهرها مشهور بوده است. برای نمونه در گلستان سعدی (ص ۷۰، چاپ یوسفی) آمده: تو پاک باش و مدار ای برادر از کس باک زنند جامه ناپاک گازران بر سنگ

۲۱۶ دقیق: به معنی «آرد» است؛ و چنانکه می‌بینیم در اینجا «آردِ جو» مدنظر است.

۲۱۷ گلقند: این واژه در فرهنگ‌ها بدین گونه معنی شده است: ۱- گونه‌ای «گلشکر» که در آفتاب پروردۀ باشند و نه بر آتش؛ ۲- مربای گل سرخ که با قند ساخته باشند. این واژه دارای یک معنی دیگر نیز هست که در متن ما منظور است و از فرهنگ‌ها (از جمله: لغت‌نامه دهخدا) فوت شده است. در صیدنه (ج ۱، ص ۳۲۸) آمده: و «زاچ سیاه» آنست که کفشگران به کار برنده و آن سه نوع است: یکی را «قلقطار» گویند و دیگری را «قلقند» و «قلنقند» هم گفته‌اند و سوم را «قلقدیس» گویند.

نیز در فهرست مخزن‌الادویه (ص ۴۸۲) افست کتابفروشی محمودی آمده: قلقنت و قلقند: به رومی زاجِ اصفر است.

۲۲۸ متّرش: به تعلیقۀ بیت ۱۵۳ رجوع شود.

۱۶۵ وسط را پیش‌گیری...: گویا مبنی بر حدیث: «خیر الامور او سطها» است. (نک: فرهنگ مأثورات، ص ۲۳۸)

۱۷۱ موجه: به قرینه بیت ۱۸۴ همین متن - که به واژه «دریا» اشاره دارد - مشخص است که با واژه «موج» جنسی دارد. بیت مذکور بدین قرار است: همه گر چپ ببابی ای برادر همان «موجه» ازین «دریا» زند سر

۱۸۲ ورب: نویسنده این واژه را به معنی «مورب» به کار می‌برد. برای نمونه در بیت آمده: ۲۷۷

ولیک از اندرون باید بریدن چو کچ آید ورب خواهم بریدن و نیز در بیت ۲۷۹ آمده:

مر این را هم ورب باید بریدن بچسپانی چنان ناید بدیدن (نیز، نک: بیت‌های ۳۶۴، ۳۶۳، ۲۸۴)

۱۹۱ صبغة الله: برگرفته از آیه ۱۳۸ سوره بقره (۲) است: «صِبْغَةُ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنْ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»

ترجمه: [دین خداوند و کیست نیکوتر از خداوند دین را؟ و ما مر او را پرستند گانیم]. با این توضیح که در برخی از متون تفسیری، ترکیب «صبغة الله» را «رنگ» تأویل کرده و آن را مشتق از صباغت (رنگرزی) دانسته‌اند. برای نمونه در تفسیر ابوالفتوح (ج ۲، ص ۱۸۸) ذیل تفسیر همین ترکیب آمده:

بهری دگر از مفسران گفتند: جهودان را عادت بودی که چون ایشان را مولودی بودی، رنگی در او مالیدند و آن، چون شعاعی بودی ایشان را. حق تعالی گفت: شعار مسلمانی که بر رنگِ اصل خلقت باشد، خدا آفرید؛ آن بهتر باشد. بهری دیگر از علماء گفتند: حق تعالی دین را برای آن «صبغت» خواند که دین را اثرب و علامتی بود، چنان که رنگ را.

تو راست باش تا دگران راستی کنند
دانی که بی‌سطاره^۱ نرفته است جدولی
«سطاره» به معنی «مسطره و خط کش» می‌باشد و چنانکه از بیت اخیر الْذَّکر از
سعدی می‌بینیم، به معنی خط کش و پیزه ترسیم جدول نیز هست.

۲۹۳ پَرَك: به تعلیقۀ بیت ۱۳۵ نگاه کنید.

۲۹۶ کتاب (كتابی): مقصود از «كتاب» در اينجا کراسه‌هايي است که تهدوزي شده و به
اصطلاح سراينده به مرحله پشتی رسيده است و آماده می‌باشد تا جلد بر آن نصب شود.

۲۹۷ زياده چرم پشتی: پيش از اين (بيت‌های ۱۳۰ تا ۱۳۵) در توضیح «پشتی» بستن
ياد کرده که باید چرم (= سختيان) را اندکي پهن تر چسبانيد تا هنگام چسبانيدن به
«پرک‌ها» آن را به کار برد.

۳۰۰ خط کش: به تعلیقۀ بیت ۲۶۶ نگاه کنید.

۳۰۲ پَرَك: به تعلیقۀ بیت ۱۳۵ نگاه کنید.

۳۱۰ «يک پوست» و «دو پوست»: جلد‌هايي است که درون آنها مقوا به کار نمي‌برند
و فقط از ابره و آستر چرمين استفاده می‌کردن. چنانکه از توصيفات اين بخش
بر می‌آيد، جلد‌های «دو پوست» از يك رویه (ابرءا) چرمين و يك آستر چرمين تشکيل
مي‌شد، اماً جلد‌های «يک پوست» فقط داراي يك لايه ابرءا چرمين بود.
نکته بايسته يادآوري اينکه اصطلاحات «يک پوست» و «دو پوست» در بیت کنوئي
داراي ايهام است.

۱. در چاپ «ستاره» ضبط شده و ضبط ما مطابق لغتنامه دهخدا (ذيل مدخل «سطاره») است.

۲۳۴ سيء پخته مجوف خشت: به تعلیقۀ بیت ۱۴۵ رجوع شود.

۲۶۰ وَرْق: سراينده اين واژه را در جايگاه‌های ديگر نيز به سکون «را» به کار برده
است. برای نمونه در بیت ۳۵۹ آورده:

بچسپان چرم بر وْرْقِ نگارا
نيز در بیت ۷۸۵ آورده:

روان سيماب کن بر وْرْقِ مذكور

۲۶۵ نه باريک و نه گنده...: در بیت ۴۰۳ آمدۀ:

كه تا سريوش بنشيند برابر
در بیت ۶۱۵ آمدۀ:

نه گنده؛ خُرد مارالاک شايد

۲۶۶ ز خط کش...ساز هموار: سراينده در جاي ديگر نيز به اين نکته اشاره کرده که
«چين»‌های کاغذرامي توان با «خط کش» از ميان برد. برای نمونه در بیت ۳۵۱ آورده:

بچسپان و کنارش زير و بر آر
نيز در بیت ۳۰۰ از صاف کردن با «خط کش» سخن رانده است:

به «خط کش» ساز هموار و درستش
دو «کاغذ» نه در آنجانيك چستش

۲۷۹ و رب: به تعلیقۀ بیت ۱۸۲ نگاه کنید.

۲۸۶ سَطَارَه: اين واژه در عربى به صورت «سَطَارَه» - به تشديد «طا» - ضبط شده
است، اماً در فارسي بدون تشديد «طا» نيز به کار رفته است؛ چنانکه در يكى از قصايد

سعدى (مندرج در: کلیات سعدی، ص ۷۵۶) آمده:

۳۵۹ ورق: به تعلیقۀ بیت ۲۶۰ نگاه کنید.

۳۶۰ کُنج: گویا همان طرحی است که امروزه به آن «لچکی» می‌گوییم و آن عبارت است از یک طرح مثلث‌مانند که در چهار گوشۀ سطح روبی جلد نقش می‌کردند.

۳۶۳ و رب: به تعلیقۀ بیت ۱۸۲ نگاه کنید.

۳۶۹ سِرِش: همان «سِرِیش» است.

۳۹۷ لايمسّه: اشاره به آیه ۷۹ سوره الواقعه (۵۶) است؛ آنجا که می‌فرماید: «لَا يَمْسِّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ».

۴۰۰ تنزیلُ من...: اشاره به آیه ۸۰ همان سوره است؛ آنجا که می‌فرماید: «تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۴۹۸ دهد هر چه بگیر: مقصود مشتری و سفارش‌دهنده است. (نک: تعلیقۀ بیت ۱۰۰)

۴۰۶ غلافی ساختی: یعنی پیش از این، از هیكل‌ها (هیاکل) غلاف ساخته‌ای.

۴۳۴ فانوس: نوعی چراغ که بدنه آن را به شکل قفس ساخته و گرداند آن را با پارچه یا کاغذهای رنگین - و یا چنانکه در بیت ۴۴۲ همین اثر می‌بینیم با «چرم آهو» و «ابرک» - می‌پوشاندند و در میانه آن یک شمع می‌افروختند. این پوشش پارچه‌ای یا کاغذین موجب می‌شد تا هم از خاموش شدن شمع جلوگیری شود و هم نور چراغ نسبت به نور شمع افزایش یابد. چیزی شبیه «آباژور»‌های امروزین بوده است و تصویر آن در تعدادی از نگاره‌های کهن دیده می‌شود.

۳۱۱ جلد سفائن: چنانکه در پاورقی نیز دیده می‌شود، این اصطلاح در «ا» و «ب» به شکل «سفائین» ضبط شده است. ضبط متن ما بر پایه «ن» است و گمان می‌رود که «سفائن» (جمع «سفینه») درست باشد، چرا که جلد‌های یک پوسته و دو پوسته را - به دلیل آسانی حمل و نقل - در سفینه‌ها و نسخه‌های بیاضی به کار می‌بردند.

۳۱۳ که تا چین چیده گردد: تعبیر «چیدن چین» را در عنوان «فصل نهم» نیز می‌بینیم.

۳۴۲ چنانکه در پاورقی نیز یاد کردیم، مصراع دوم از بیت کنونی و مصراع نخستین از بیت سپسین در نسخه «ا» موجود نیست. گمان نویسنده این سطرها بر این است که آوردن این دو مصراع حاصل اشتباه کاتب نسخه «م» است به ویژه که در مصراع نخست از بیت سپسین از «مقوا» نیز سخن رفته و می‌دانیم که در جلد‌های «یک پوست» و «دو پوست» از مقوا استفاده نمی‌شد. البته، در اینجا سراینده می‌گوید که «چرم پُشتی» را باید همانند جلد‌های معمولی (= دارای مقوا) به آستر جلد چسبانید.

۳۴۳ بسیار آنجا عرض باشد: یعنی اگر عرض قلمدان زیاد باشد، بهتر است که دو خانه برای «دواات»‌ها (سیاه و سرخ) تعبیه کنی.

۳۴۴ یک از سرخی و دیگر از سیاهی...: مقصود این است که دو خانه برای «دواات»‌ها بساز؛ یکی برای جوهر سیاه و دیگری برای جوهر سرخ (شنگرف).

۶۲۲ مقصود از «سیاهی» در اینجا مرکب سیاه (تیره‌رنگ) است، چنانکه در بیت هنگام تشریح شیوه ساختن مداد (= نوعی مرکب) آمده: بکش "دوده" تو از بهر "سیاهی" شنو از من طریقش گر بخواهی

۳۵۱ خط کش: به تعلیقۀ بیت ۲۶۶ نگاه کنید.

۵۰۸ ظِفْر / ظُفْر: ناخن.

شِئل: شیربچه وقتی شکار کند.

۵۱۰ صِل: مارِ باریک.

۵۱۴ حَبْل؟: ضبط این واژه به درستی روشن نشد. احتمال دارد که واژه‌ای محلی باشد. در میان همه ضبط‌هایی که برای این واژه امکان پذیر است، واژه «خُبل» با بیت ماسازگارتر است. در لغتنامه دهخدا برای این واژه این معانی یاد شده است: میوه درخت عضاست، آذینی که در قلاده کنند.

۵۳۱ چنانکه دیده می‌شود، نخستین مصراع این بیت در «ا» به صورت «قلم پرگار و خارا راست کردی» ضبط شده است. به نظر می‌رسد که در اینجا «خارا راست کردی» درست باشد که «خارا» در اینجا به معنی سوزن پرگار است و در کنار «قلم» باید «خاری» وجود داشته باشد تا پرگار تشکیل شود ولذا «خارا» در اینجا نمی‌تواند درست باشد.

۵۳۴ خطٌ راستی: این تعبیر در بیت ۵۷۴ نیز به کار رفته است:

چو خطٌ راستی جدول طلاکش ولی از طرف چپ بر راستاکش

۵۳۶ الوقتُ سيفُ قاطعُ: به تعلیقۀ بیت ۴ رجوع شود.

۵۴۵ سَمَانَه: مخفّف «آسمانه» و به معنی «سقف» است. در اینجا گویا بخش بالایی شکنجه در نظر است.

سمک: ضبط این واژه به درستی مشخص نیست. اگر آن را به فتح «سین» بخوانیم به همان معنی «آسمانه» خواهد بود؛ اما این ضبط با وزن بیت سازگاری ندارد.

فانوسِ خیال: در بهار عجم (ج ۳، ص ۱۵۶۷) آمده:

فانوسی باشد که صورت‌ها و پیکرها در آن تعییه کنند و گاهی منقوش سازند و آن فانوس بگردد و گاهی آن صورت‌ها به زور دو فتیله بگردند و فانوس به جا ماند مثل خیمه شب‌بازی و آن را «فانوسِ گردان» نیز گویند.

۴۴۲ ابرک: در لغتنامه دهخدا یاد شده که «ابرك» نام هندی «طلق» است. در بیت ۴۵۰ همین متن نیز به این نام اشاره شده است.

۴۵۲ در فراش خار [؟]: چنانکه در پاورقی نیز یاد کردیم، این عبارت برای ما نامهوم مانده است. آنچه مسلم است اینکه مقصود نوعی «خار» (میله آهنی) است که در میانه زیر فانوس می‌نهادند تا بر روی آن بگردد. پیش از این نیز در بیت ۴۴۰ از «خار آهنی» و تأثیر آن در گردش فانوس سخن رفته است:

بر آن هر دو ستون "حمّال" کن بند
به پیشش "خار آهن" تنگ کن بند
چنان کن در میان گردش آید
نباشد گر چنین در گردش آید

۴۵۷ چون گُرّه: تلفظ «گُرّه» با تشدید نیز در زبان فارسی رایج بوده، چنانکه در تحفه العارقین خاقانی (بیت ۱۶۱ چاپ میراث مکتوب) آمده:

جان در تِ رِبع و رُبع پردادار بدساز چو گُرّه و گُرّه ساز

۴۸۴ کُرند: این ضبط در نسخه «ا» (ص ۵۸) در بیت ۴۸۵ دیده می‌شود. در لغتنامه دهخدا بدون تعیین حرکت حروف و به نقل از فهرست مخزن‌الادیه آمده: «کرند: اسم هندی سنبادج است».

(نیز، نک: مخزن‌الادیه، ص ۴۸۷ چاپ افست کتابفروشی محمودی)

۴۸۶ مَسْحُوق: سوده و کوفته و نرم کرده. از مصدر «سَحْق» به معنی سودن.

۵۹۵ مَحْقٌ: باطل کردن، تباہ کردن، ناچیز کردن.

۶۰۴ آبِ صمغ / آبی صمغ: به تعلیقۀ بیت ۶۳ رجوع شود.

۶۰۵ آب ابری: مایعی است که کاغذهای ابری را در آن رنگ می‌کردد. پس از این در بیت‌های ۷۰۸ تا ۷۵۱ از انواع این مایع و شیوه ساختن آنها سخن رفته است.

۶۰۸ سیندر: به تعلیقۀ بیت ۵۹۱ نگاه کنید.

ریته: در لغتنامه دهخدا چنین معنی شده است: «میوه درختی در هندوستان شبیه فندق که چون در آب مخلوط کنند کف کند و سر و موی و پارچه ابریشمین را بدان شویند». قرینه‌ای که نشان می‌دهد توصیف لغتنامه مربوط به همین گیاه است، بیت ۶۹۴ از همین متن است که اشاره دارد به اینکه از پوست «ریته» هنگام آمیختن با آب و مالش، کف بر می‌آید:

ز "ریته" ربع سیر از قشر آرند به آب از مالش کف، کف برآرند
نکته جالب توجه در اینجا این است که ضبط این واژه در «ا» به صورت «ریته» است. همین واژه در بیت ۶۸۱ در «ن» نیز به صورت «ریته» ضبط شده است و گمان می‌رود که این ضبط مربوط به تلفظ دقیق این واژه در شبۀ قاره باشد؛ منتها از آنجا که ضبط «ریته» نیز در نسخه‌ها دیده می‌شود و نسبت به «ریته» افزونی دارد، عجالتاً این ضبط را پذیرفتیم. از این گیاه در بیت ۶۹۳ نیز یاد شده است.

۶۱۴ نباشد رنگ...: در اینجا چگونگی آزمایش مرغوبیت «لاک» را بازگو می‌کند و مقصود این است که برای آزمودن باید «لاک» را به دندان خایید، اگر به جامه (= پارچه) رنگ داد مرغوب است ولی اگر رنگ نداد، از نظر ارزش تفاوتی با یک تکه سنگ ندارد.

۵۴۹ بیست و دو: ابزاری که در این بخش بدان‌ها اشاره شده سیزده مورد است که عبارت اند از: صخره، نشگرده، نقش‌بُر، مقوّاب، خط‌کش، تحریر‌بند، نقطه، پرگار، قلم‌جدول، سوهان، سوزن، دسته‌پیچ و شکنجه. روشن نشد که سراینده چگونه شماره این ابزار را بیست و دو دانسته است.

۵۵۷ آب سریش / آبی سریش: به تعلیقۀ بیت ۶۳ رجوع شود.

۵۶۳ به کاغذهای...: این بیت نشان می‌دهد که پیش از افسان کردن کاغذ، آن را آهار می‌زند.

۵۷۱ سه چار از تار کش...: منظور این است که از میانه تار و پودکرباس، سه چهار تار را بیرون بکش تا ساختار مشبّک و توری پیدا کند و برای افساندن مناسب باشد.

۵۷۴ خط راستی: به تعلیقۀ بیت ۵۳۴ نگاه کنید.
جدول طلا: در رساله در بیان خط و مرگ و کاغذ و ساختن رنگ‌ها (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۳۶ - ۵۳۷) به شیوه ترسیم جدول پرداخته شده است.

۵۹۱ سیندور: چنانکه در پاورقی نیز می‌بینیم این واژه در نسخه «ب» بصورت «سینه‌ور» ضبط شده است. ضبط همین واژه در نسخه «ب» در بیت ۶۰۸ نیز همین‌گونه تکرار شده است. ضبط این واژه در آنجا در نسخه «ا» بصورت «سیندر» است. عجالتاً از ضبط درست این واژه آگاهی نیافتدیم. با توجه به اینکه ضبط «سینه‌ور» وزن بیت را مختل می‌کند در هر دو مورد ضبط نسخه «ا» را در متن درج کردیم.

۵۹۴ مَسْحَوق: به بیت ۴۸۶ نگاه کنید.
مسحّق: ابزار سودن و نرم کردن، ابزار سحّق کردن.

شیوه در رساله حلیه‌الکتاب (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۱۵۰-۲۵۰) تشریح شده است و چنانکه می‌بینیم، به جای «روغن کنجد» از «روغن کتان» سخن رفته است:

فصل چهارم در دوده گرفتن: بگیرند روغن کتان و در چراگدان کنند. و فتیله سطبر کنند. و بگیرند خمره بزرگ - روی وی گشاده - چراگدان در آن خمره نهند چنانکه بر سر چراگدان بازگونه نهاده باشند و کون خمره سوراخ بود. و خمره دیگر بر سر آن سوراخ گرداند و شیر در خمره بالایی بممالند و یک شبانروز بگذارند تا دوده از آن سوراخ از خمره بالایی بگیرد. پس از آن به پرِ مرغ فروگیرند.

در رساله در بیان طریقه ساختن مرگب الوان و کاغذهای الوان (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۷۵۰) نیز از «روغن کتان» سخن رفته است.

۶۲۶ جامه: به تعلیقۀ بیت ۶۱۴ نگاه کنید.

۶۲۸ نهی اوّل سفالی بر چراغی: در رساله خط و مرگب حسین عقیلی رستمداری (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۳۳۴) آمده:

...روش دوده گرفتن آن است که چراغ را در زیر ظرف سفالین بگذارند و چنان کنند که شعله چراغ به سقف آن چراغ نرسد؛ و اگر چنین نکنند، آتش در دوده می‌افتد و ضایع می‌شود. و ظرف ظرف سفال را سوراخ کنند تا چراغ فرونشینند....

زاغی: گویا منظور رنگ «زاغی» است که قاعده‌تاً باید سیاه بسیار تیره باشد. در لغتامۀ دهخدا در برابر همین واژه آمده: «آنچه به رنگ کبود است».

۶۳۰ توله: واحد وزن (نک: تعلیقۀ بیت ۶۷).
کش از پنج سیر...: یعنی از پنج سیر روغن کنجد به اندازه پنج توله دوده به دست می‌آید.

جامه: و در این بیت، به معنی یک تکه پارچه است. اندکی پس از این در بیت ۶۲۶ آمده:

یکی زین نه بر آن بالای آن آب
(نیز، نک: بیت‌های ۶۲۰ و ۷۸۵)

۶۱۵ گنده: به تعلیقۀ بیت ۲۶۵ رجوع شود.

۶۱۶ لود: ضبط این واژه روشن نشد و گویا نام یک ماده به زبان محلی است.
لوک: در لغتامۀ دهخدا به معنی گیاه «عشقة» و «پیچک» یاد شده و همچنین دوغی که کردن با آن قروت (= کشک) می‌سازند. شاید یکی از این معانی منظور باشد و شاید یک نام محلی باشد. این واژه در بیت ۶۴۸ نیز آمده:
دگر از ورد گیسورنگ گیرند بجوشانند و «لوک» اندک پذیرند

۶۱۹ مسحوقین مذکور: منظور مسحوق «لود» و «لوک» است که در بیت ۶۱۶ از سودن (= سحق کردن) آنها سخن رفته است.

۶۲۰ جامه: به تعلیقۀ بیت ۶۱۴ نگاه کنید.

۶۲۱ براق و جاری: در رساله سواد الخط مجnoon رفیقی هروی (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۱۹۱) آمده:

شناختن سیاهی: بدان که سیاهی خوب آن است که سیاه و براق و روان باشد....

۶۲۲ سیاهی: به تعلیقۀ بیت ۳۴۴ نگاه کنید.

۶۲۳ ز روغن کنجد آور نیم سیرش: در اینجا شیوه تهیۀ «دوده» را آموزش می‌دهد. این

در رساله حلیه‌الكتاب (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۰) آمده: در صنعتِ مرگبِ یاقوتی مستعصم که به یک قلم سه سطر توان نوشت و در غایت روشنی و برآقی باشد.

۶۵۶ کاغذ‌های رنگین: دربارهٔ شیوه‌های رنگ کردن کاغذ، نوشته‌هایی از سده‌های پیشین وجود دارد. برخی از این آثار مستقل بوده و برخی نیز بخش‌هایی است که در خلال آثار مرتبط با کتاب‌پردازی به این موضوع پرداخته شده است. برای نمونه در رساله در بیان کاغذ مرگب و حل الوان (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۱۹۴ - ۱۹۶) نیز در آداب المشق مجنون هروی (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۲۱۷ - ۲۱۸); نیز در گلزار صفا اثر صیرفی (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۲۴۲ - ۲۴۸); نیز در خط و مرگب حسین عقیلی رستمداری (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۳۳۶ - ۳۳۹); نیز در رساله در بیان طریقه ساختن مرگب الوان و کاغذ‌های الوان (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۱۱ - ۵۰۹); نیز در رساله در بیان رنگ کردن کاغذ (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۱۹ - ۵۱۵); همچنین در رساله در معرفت کاغذ الوان (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۲۳ - ۵۲۵); نیز در رساله در بیان خط و مرگب و کاغذ و ساختن رنگها (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۳۴); همچنین در رساله مرگب‌سازی و جلد سازی (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۵۶۳ - ۵۶۴) به این موضوع پرداخته شده است.

۶۶۵ سیا آبی: همان «سیاه آبی» است که در بیت ۶۶۷ نیز از آن سخن رفته است. گویا نوعی آبی سیر است.

۶۶۸ لوك: به تعلیقۀ بیت ۶۱۶ نگاه کنید.

۶۷۴ آب ابری: به تعلیقۀ بیت ۶۰۵ نگاه کنید.

۶۷۹ آبی: گویا میوه «به» منظور است. در اینجا به شیوهٔ طنزآمیز می‌گوید که: ای بچه! این آب (بستان)، میوه «به» نیست.

۶۳۱ برون از دوده بعضی روغن آردند: یعنی برخی از افراد، روغن را از دوده می‌گیرند تا بدون چربی باشد. این مطلب در بسیاری از کتاب‌های آموزش خوش‌نویسی یاد شده است. برای نمونه در رساله سواد الخطّ مجنون رفیقی هروی (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۱۹۲) آمده:

اگر خواهی سیاهی مطوس باشد طریقه او آن است که اول دوده را بگیری در سفال آب نارسیده روغن او را بستانی و طریق دیگر روغن گرفتن او آن است که دوده را در کاغذ کنی و

نیز در رساله خط و مرگب حسین عقیلی رستمداری (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۳۳۴) آمده:

... بعد از آن دوده را در کاغذ درشت پیچیده، اطراف آن را دو انگشت خمیر بگیرند و در میان آتش نهند تا آنکه روغن خود را بگذارد و بعد از آن که خمیر پخته شد، دوده از آنجا بیرون آورند.

همچنین در آداب المشق بابا شاه اصفهانی (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۱۵۵) آمده: چون ده مثقال دوده چربی گرفته به دست آورد....

چنانکه در بیت سپسین نیز یاد شده، نویسنده رساله ما - برخلاف بسیاری از استادان خوش‌نویسی - بر آن است که نباید چربی دوده را گرفت.

۶۳۲ تن بی پی چه باشد...: این مصراع به قیاس تصحیح شد. در اینجا «پی» (=پیه) می‌تواند وزن و معنی را درست کند. ضبط «پی» به عنوان مخفف «پیه» از دیرباز در زبان فارسی کاربرد داشته است.

۶۳۹ زیک مدیا زده بیتم نگارد: مقصود این است که با یک بار آگشتن قلم به مداد می‌توان چند «بیت» (= واحد نگارش در گذشته) نوشت. در رساله اصول و قواعد خطوط سه اثر فتح الله سبزواری (مندرج در: کتاب آرایی، ص ۱۰۹) آمده:

... و منقول است که به یک مد خوب، سی بیت کتابت کرده‌اند و این فقیر را اتفاق افتاد که به یک [مد] هیجده بیت نوشت.

۷۹۰ نار؛ نیاور.

۸۰۰ مشکات و مصحف: افزودن «واو» میان دو واژه «مشکات» و «مصحف» به قرینه بیت ۸۱۱ است که در آنجا نیز از «مشکات» به عنوان نام کتاب و در ردیف «بخاری» و «مصباح» یاد شده است:

"بخاری" هست و "مشکات" است و "مصباح"
به مثل نور در مشکات و مصباح

۸۱۴ تحتها الانهار: بخشی است از شماری از آیات قرآنی. برای نمونه در بخشی از آیه ۲۵ سوره بقره (۲) آمده: «**هُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ**». ترجمه: [مر ایشان راست بهشت‌هایی، می‌گذرد از زیر آن جوی‌ها].

۶۸۲ تر، مساكن: یعنی در شب آن را ترکن. در اینجا به جای شب، برابر عربی آن، یعنی واژه «مسا» را به کار برده است.

۶۸۵ ماشه: واحد وزن است. در لغتنامه دهخدا (به نقل از برهان قاطع) آمده: «یک حصه از دوازده حصه تولچه را نیز گویند و تولچه دو مثقال و نیم است».

۷۳۷ سِقاطی: عجالتاً ضبط قطعی این واژه را در نیافریم. «سِقاط» در لغت به معنی «بال مرغ» و همچنین «خطا در نوشتن و سخن و حساب» و «لغش و خطأ» است و در اینجا به نظر می‌رسد که نوعی ابری با نقش‌های اتفاقی منظور باشد.

۷۵۳ کسبنی / کسبنی: ضبط این واژه به درستی روشن نشد. در لغتنامه دهخدا - به نقل از فهرست مخزن الادیوه - ذیل «کسبنا» آمده: «اسم هندی عصفر است». نیز در همان متن در ذیل «عصفر» آمده:

گل کاجیره که به هندی کسبنی گویند؛ و جامه‌ای که به رنگ آن سرخ شود آن را معصفر گویند.

۷۶۰ یاقوت: مقصود یاقوت مستعصمی خوش‌نویس نامدار (در گذشته ۶۹۸ ق) است.

۷۸۲ به سِکّین: واژه «سِکّین» به معنی «کارد» است و گمان می‌رود که این ضبط بهتر از «سنگی» باشد.

۷۸۵ ورق: به تعلیقۀ بیت ۲۶ نگاه کنید.

نمایه‌ها

۱. اصطلاحات و شیوه‌ها
۲. مواد و جانوران
۳. ابزار
۴. اندازه‌ها (معیارها)
۵. رنگ‌ها
۶. کسان
۷. کتاب‌ها

۱. اصطلاحات و شیوه‌ها^۱

پُشتی	۲۹۹، ۲۹۷، ۴۴	آمیزش، رنگ	۶۰۹
پشتی بند	۱۳۰	اسلیمی (نقش ...)	۴۵۰
پیرازه	۵، ۱۵۹، ۱۴۷، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸	إعراب	۲۸، ۲۷، ۲۶
پیرازه	۱۷۸، ۱۷۶	افشان	۵۶۳، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۶۹
تجلی (/ تحلی)	۸۲۱	الواح <-> لوح	۸۱۸
تجلید	۸۱۰	اوراق <-> ورق	
تحریر (/ تحریر بستن)	۵۲۷، ۵۲۵، ۲۹۱	برگ جلد <-> پَرَکِ جلد	
تحلی (/ تجلی)	۸۲۱	بستمان	۶۷۶، ۶۷۰، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۸، ۶۹۱
تختی (نوعی غلاف قلمدان)	۳۴۷		۷۲۵، ۷۰۸
تذهیب (/ تذهیب کاری)	۸۱۵	بند دسته (برای مروحة)	۴۱۱
تراشیدن ساختیان (/ چرم)	۲۱۹، ۱۳۱	بیت (= واحد نگارش در قدیم)	۶۳۹
تراشیدن کاغذ	۹۵	پایه (در فانوس)	۴۳۷
تراشیدن مقوا	۲۵۳	پر (در فانوس)	۴۴۹، ۴۴۷، ۴۴۶
	۳۵۰	پَرَکِ جلد (/ برگ جلد)	۳۰۲، ۲۹۳، ۱۳۵
		پشت کتاب (= عطف)	۱۳۲، ۱۱۳

۱. نمایه‌ها بر اساس شماره بیت‌ها تنظیم شده است.

زنجیره	۲۴۳، ۵۱۷، ۳۲۰، ۲۹۰، ۲۴۵
زنجیره منبت	۳۲۰
ساییدن	۶۷، ۶۰۶، ۶۰۲
سبوی پخته	۶۲۵
ستون آهن / آهنی (در فانوس)	۴۳۹، ۴۳۷
ستون دوچوبه‌ای (در فانوس)	۴۳۹
سحق	۵۹۳، ۵۹۲، ۴۸۴
سربرگ (= سرتزنج)	۲۴۹
سرپوش (برای غلاف جلد مصحف)	۴۰۳
سرخی (= جوهر سرخ رنگ)	۶۱۱، ۳۴۴
سرلوح (نیز نک: لوح سر)	۸۱۵، ۲۵۷
سفائن (جلد ...)	۳۱۱
سقاطی (گویا نوعی نقش در کاغذهای ابری)	۷۳۷
سقف (در فانوس)	۴۴۶، ۴۴۳
سنگ تراش (تراشنده سنگ)	۴۷۸
سیاهی (= جوهر سیاه رنگ)	۶۲۲، ۳۴۴
شبکه کردن ؟	۵۰۸
شیبل (بچه شیر در حال شکار)	۵۰۸
شُست (شست و شو؛ برای رنگ‌ها)	۵۹۲
شُسته (برای رنگ‌ها)	۵۹۴
شمع پائین (در فانوس چرخی)	۴۶۲
شیرازه	۵، ۴۴، ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۵
شیرازه بافی	۱۰۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷
	۳۰۸، ۳۰۶، ۳۰۵

خط نسخ	۵۱۸
داع دار (حیوان یا چرم داغ دار)	۱۹۸
داع گرفتن (در کاغذ)	۷۶۹
داعی شدن (در کاغذ)	۷۶۹
دالی (= نوعی شیرازه بافی)	۱۷۰
دالی (= نوعی قلم جدول)	۵۳۳
دراز => تقطیع دراز	
دفتر	۱۰۸، ۶۰، ۲
دوات	۳۴۲
دوا (= تسمه چرمی برای حمایل)	۴۰۱
دوا بند (برای مروحة)	۴۱۶
دوبندی (= شیوه جزو بندی)	۱۱۷، ۱۱۱
	۱۲۴
دو پوست (جلد ...)	۳۱۰
دو پوسته (جزودان ...)	۳۷۴
دو پوستی / دو پوسته (برای مروحة)	۴۰۹
راست رفتن (از اصطلاحات شیرازه بافی)	۴۱۵، ۴۱۲
	۱۸۰
راه دخان و شمع (= منفذی برای خروج دود و نهادن شمع در فانوس)	۴۵۳
رمح	۷۵۹
روغن کشی	۷۰۵
زُر حل (نیز نک: حل زر)	۵۶۱، ۵۳۳، ۲۱۸
	۶۹۸، ۵۶۶
زنجیر	۵۲۰

تلنج (= نقش میانه جلد)	۳۵۶، ۲۴۹، ۲۴۸
تقطیع	۵۰۶، ۳۶
تقطیع (= قطع نسخه در تداول امروزین)	۴۶۶، ۱۲۴
تقطیع (شیوه‌ای در قطع کردن چرم)	۳۵۳، ۳۸۲، ۳۶۲
تقطیع (برش دادن)	۴۸۵
تقطیع دراز (نوعی قطع نسخه)	۱۲۴
تقطیع مربع (= قطع خشنی)	۱۲۴
جدول (جداول)	۵۶۲، ۱۱۲
جدول حل	۸۱۴
جدول طلا	۵۷۴
جزیندی (نیز نک: جزو بندی)	۴۴، ۱
جزدان (نیز نک: جزو دان)	۳۲۵، ۱۰۶، ۸۰
	۳۲۶
جز و دان	۱۱۴، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۳
	۷۸۲، ۷۸۰، ۴۶
جزوبندی (نیز نک: جزو بندی)	۱۰۷، ۱۱۱
	۱۴۸، ۱۱۷
جزودان (نیز نک: جزدان)	۵۶۹، ۳۷۲
جزو کاغذ	۲۸۱
جفر	۵۸۳
جلد	۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۵۶، ۴۸، ۱، ۱۲۹
	۳۲۵، ۲۸۵، ۲۷۳، ۱۹۹، ۱۹۴، ۱۹۰
خط ثلث	۸۲۱، ۳۹۳، ۳۹۱

۱. به درستی معلوم نشد که این واژه چیست، ولی عجالتاً آن را جزو اصطلاحات آورديم.

مذهب (تذهیب کار)	۵۸۷
مربع < تقطیع مربع	
مرضع	۸۱۶، ۷۶۲، ۶۹۷
مرفع	۷۶۲، ۱۰۳
مسحوق / مسحوقین (برای رنگ‌ها)	۵۹۴
	۶۱۹
مشبک (اصطلاح جلدسازی)	۴۹۹، ۷
	۸۱۹، ۵۰۷
مشبک (شیوه ترئین مروحه)	۴۱۳
مصحف (/ مصاحف = نسخه قرآن)	۳۹۵
	۸۱۸، ۸۱۴، ۸۰۰، ۷۹۷، ۶۵۷
معرب (اعراب گذاشته شده [کاربرد بیرون از فرهنگ‌نامه‌ها])	۲۹
	۸۱۹
معرق	
مغزی	۳۲۴، ۳۱۸، ۲۸۷
	۵۰۸
مقنس	
مقوا	۱۳۷، ۱۲۷، ۷۷، ۶۲، ۶۱، ۳
	۲۴۳، ۲۲۳، ۲۲۱، ۲۲۰، ۱۳۹، ۱۳۸
	۲۶۳، ۲۶۰، ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۴۶، ۲۴۵
	۳۶۲، ۳۵۹، ۳۳۵، ۳۲۷، ۳۲۳
	۳۹۹، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۵، ۳۷۴، ۳۶۸
	۵۱۲، ۵۱۱، ۵۰۶، ۴۹۹، ۴۱۱، ۴۰۹
ملمع (کاغذ ابری ...)	۶۹۷
منبّت (= کندن مقوا) جلد و ایجاد	
نقش‌هایی چون ترنج و سرترنج بر روی جلد)	۲۴۶، ۲۵۰، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۶
	۵۰۰، ۳۵۷، ۳۲۰، ۲۹۱، ۲۷۰، ۲۶۷
	۸۱۹، ۵۳۰، ۵۲۷، ۵۰۳
کرسی نشاندن	۱۰۱
کسبنی (?)	۷۵۳
کف	۶۹۵، ۶۹۴
کمریند	۴۲۷
کنج	۵۰۶، ۳۶۰، ۳۵۶
کنجی (= لچکی)	۲۴۹، ۲۴۸
کنده	۳۶۸، ۳۵۷
کنده منبّت (جای منبّت که بر روی مقوا)	
کنده باشند)	۲۶۷
کوری (اصطلاح پشت‌بندی؛ نیز نک: کوژی)	
	۱۲۹
کوژی (اصطلاح پشت‌بندی؛ نیز نک: کوری)	
	۱۲۹
گازر	۲۰۳
گنجشک (نوعی نقش در کاغذهای ابری)	
	۷۳۸
لباس جامه (پوشش فانوس)	۴۴۲
لپه	۵۷۳، ۵۶۴، ۵۶۳
لرزانک (نوعی نقش در کاغذهای ابری)	
	۷۳۳
لنگر (از اصطلاحات شیرازه)	۱۷۵
لوح	۵۸۷
لوح سر (نیز نک: سرلوح)	۲۵۴
متن	۷۵۳، ۹۹، ۹۷
مجلد (= جلدساز)	۱، ۳۴، ۵۴، ۵۷، ۶۰
محیطی (نوعی غلاف قلمدان)	۳۴۷
مد	۶۳۹
مداد	۶۳۸، ۶۲۱

قابله	۵۵۱
قرطاس	۴۲۶، ۴۲۰
قطعه	۷۶۴، ۱۰۳
قلمدان	۳۶۱، ۳۵۸، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۲۵
	۴۰۰، ۳۷۰، ۳۶۷
قلمکاری	۲۸۹
کاغذ	۹۸، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱
	۳۳۴، ۳۰۰، ۲۶۸، ۱۵۸، ۱۴۹، ۱۴۸
	۴۲۵، ۴۲۱، ۳۸۱، ۳۴۱، ۳۳۸، ۳۳۵
	۷۲۳، ۶۶۰، ۴۶۳، ۴۵۰، ۴۴۶، ۴۴۵
	۷۵۳، ۷۴۸، ۷۲۴
کاغذ (پوره ...)	۳۲۸
کاغذ حیری	۶۰۵
کاغذ خطای	۷۶۳
کاغذ رنگین	۶۵۶، ۵۶۳، ۳۲۴
کاغذی تن (= مانند کاغذ)	۷۷۸
کاوبیدن (= نقر و کنده کاری کردن مقوا)	
	۲۵۲
کتاب (/ کتب = به معنای متعارف)	۷۹۸
کتاب (/ کتب = کراسه‌های پشت‌بندی شده)	
	۳۱۵، ۳۱۴، ۲۹۶، ۱۳۶
کتابی (شکل و اندازه مروحه)	۴۱۰
کرسی	۳۶۵، ۱۰۱، ۱۴۲، ۳۶۳
کرسی (در فانوس)	۴۴۶

۱. گویا عمل صاف کردن منظور است و نه وسیله صافی نمودن.

۲. مواد و جانوران

آبی سریش	۵۵۷
آستر (روکش درونی دفه جلد)	۲۹۷، ۲۸۰
۳۱۵	
آهار (نوعی لعب چسبنده ویژه صحافی)	
۲۶۲	
۵۶۳، ۳۶۹، ۳۱۷، ۲۹۹	
آهارِ مقوا	۸۲۳
آهار (برای ابری)	۷۲۲
آهن	۴۷۵، ۴۴۰، ۴۳۷
آهو	۵۰۴
آهو (چرم ...)	۴۴۲
آینه	۷۸۴، ۷۸۱، ۷۷۹، ۷۷۲، ۳۸۹
ابرک (= طلق)	۴۵۰، ۴۴۲
ابری	۷۴۴، ۷۲۹، ۷۰۱، ۶۹۷
ابری (آب ...)	۶۷۴، ۶۰۵
ابریشم (نخ ...؛ نیز نک: بریشم)	۱۵۷، ۱۱۴
ارقام (نوعی مار)	۵۱۱

۱. در برخی نمونه‌ها منظور آبی است که از شستن یا حل کردن مواد به دست می‌آید.

ورق مقوا	۲۶۰	منبت (شیوه تزئین مروحه)	۴۱۵، ۴۱۳
وصالی	۸۲	منقش (شیوه تزئین مروحه)	۴۱۵
وصل (وصالی)	۸۲	موجه (= نوعی شیرازه بافی)	۱۸۲، ۱۷۱
وصله	۳۴۰، ۳۳۳		۱۸۴
وقف (از نشانه‌های کتابتی در مصحف‌ها)	۸۱۶	مهره کردن ← «مهره» در نمایه ابزار	
یکبندی (= شیوه جزو بندی)	۱۲۴، ۱۱۱	نقاطی (نوعی نقش در کاغذهای ابری)	۷۳۶
یکپوست / یکپوسته (جلد ...)	۳۱۰	وتد	۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۰
یکپوسته (جزودان ...)	۳۷۵	ورق	۳۸۱، ۳۵۹، ۱۰۸، ۹۲، ۸۹، ۸۷
یکپوستی / یکپوسته (برای مروحه)	۴۱۲، ۴۰۹	ورق (از زر یا نقره یا قلعی برای پشت آینه)	۵۷۲

۷۷۸

ریسمان	۲۹۲	چرم بالا (در جلد دو پوستی)	۳۱۷، ۳۱۵
ریشم > ابریشم		چرم پُشتی	۲۹۹، ۲۹۷
زاج	۷۲۲	چرم متّش (= چرم تراشیده شده)	۲۲۸، ۲۲۸
زجاج (= آبگینه)	۴۴۴		
زر	۷۰۶، ۶۹۷، ۵۹۱، ۵۷۸، ۵۵۳، ۳۲۱	چرم مدبّع (= چرم دباغت شده)	۱۹۱
زردابه	۶۰۴	چرم مقطع (= چرم بریده شده)	۲۱۹
زرنیخ	۶۰۶، ۵۹۲	چوب	۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳
زعفران	۶۶۹		۴۳۷، ۴۲۸
زنگار	۶۰۶، ۵۹۱	حجر الاجز	۶۴۶
زیق	۷۹۲	حریری کاغذ (= کاغذِ حریری)	۸۸
زیره (آب ...)	۲۱۶	حلوا	۶۸۷
سختیان (= چرم بُز؛ نیز نک: چرم)	۱۳۰، ۱۹۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۳، ۱۹۲، ۱۳۱	حنا	۶۵۸
	۲۶۳، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۰	حوالصل (نام پرنده)	۵۰۱
	۳۴۸، ۳۲۳، ۲۶۴	خل (= سرکه)	۲۱۸، ۲۱۵، ۲۱۲
سختیان زعفرانی	۲۰۶	دُرّدی	۶۵۸
سختیان سرخ	۱۹۵	دقیق جو (= آرد جو)	۲۱۶
سختیان سفید	۲۱۰	دُم اسپ (موی ...)	۵۶۵
سریش (= سریش)	۳۶۹	دوده	۶۲۲، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۳۶
سر و	۷۳۵		
سریش (نیز نک: سریش)	۳۶۵	ذهب (= طلا)	۷۷۷
سریش آب	۵۵۳	رشته	۴۲۸، ۴۲۷
سفال	۶۲۸	روغن	۶۲۸، ۶۲۴، ۴۸۹، ۲۰۲، ۶۳۰، ۶۳۱
سفیده نیل	۶۱۰، ۶۰۸، ۵۹۱	روغن کنجد	۶۲۳، ۲۰۷، ۲۰۰
سنده	۵۵۱	ریته (ریته)	۶۹۴، ۶۸۱
سوسون (برگ ...)	۵۳۶	ریته (مغزِ تخم ...)	۶۹۳
سیریش	۷۲۲	ریته (قشر ...)	۶۹۴

تار باfte	۴۶۸	اسپ (موی دُم ...)	۵۶۵
تار پیرازه (= نخ پیرازه)	۱۶۸، ۱۶۶	السی؟ (برای آب ابری)	۷۱۱
تاز ریشم (= تار ابریشم ؛ برای تهدوزی و		الماس	۴۹۶
پیرازه)	۱۱۴، ۱۵۷	انگور (تخم ...)	۵۲۱
	۱۲۱	بیر	۵۱۱
تخم انگور	۵۲۱	بذر مزوا	۶۴۶
تخم بیزاج (?) <-> تخم بیزاج		براده (= پوره کاغذ)	۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷
تخم بیروح (?) <-> تخم بیزاج		برگ سوسن	۵۳۶
تخم بیزاج (?)	۶۴۱	بریشم (نیز نک: ابریشم)	۱۷۳
تخم ریته (مغز ...)	۶۹۳	بُز	۸۰۶
تخم میتهی	۷۱۴، ۷۱۳، ۷۱۲	بزغاله (پوست ...)	۶۵۳
تکنکهار (?)	۶۸۹	بُسراق (= یاقوت زرد)	۶۶۲
تول (شاید « بول »)	۶۳۶، ۶۳۴	بول (شاید « بول »)	۶۳۶، ۶۳۴
جامه (= پارچه بافتۀ ندوخته / تکه پارچه)		بول سرخ (/ پول سرخ)	۶۹۲، ۶۸۱
	۷۸۵، ۶۱۴	پارچهای مقوا (نیز نک: مقوا)	۳۲۷
جغرات	۲۰۷	پاره نعل (?) (نیز نک: نعل پاره)	۲۱۶
جلاب	۶۸	پالوده	۸۶
جلمود (نام نوعی سنگ)	۴۹۱	پرکبوتر	۷۲۸
جو	۱۱۲۸	پسته	۵۰۵
جو (دقیق ...)	۲۱۶	پوره کاغذ	۳۲۸
چربی (روغن)	۷۶۷، ۶۳۲، ۶۳۱	پوست (= چرم)	۴۱۳
چرم (نیز نک: سختیان)	۲۲۷، ۲۲۰، ۱۹۹	پوست بزغاله	۶۵۳
	۳۴۹، ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۰۸، ۳۰۵، ۲۹۸	پی (= پیه)	۶۳۲
	۸۰۱، ۴۲۴، ۴۱۲، ۳۷۱، ۳۶۶، ۳۵۹	پیاز دشتی ابیض	۷۰۹
چرم آهو	۴۴۲	تار (= نخ تهدوزی و پیرازه)	۱۱۶، ۱۱۵، ۵
			۱۶۳

۱. در این جایگاه برای نشان دادن اندازه به کار رفته است.

موم	۷۶۳، ۷۳۱
موی دُم اسپ	۵۶۵
موی دنب یابو	۲۹۲
میته‌ی (آب ...)	۷۲۱، ۷۱۸
میته‌ی (تخم ...)	۷۱۲
نار	۶۶۶
نشسته (= نشاسته)	۸۴، ۶۶
نعل پاره(?) (نیز نک: پاره نعل)	۲۱۲
نقط (نفت)	۷۶۳
نقره	۶۹۷، ۵۹۳، ۵۵۳
نی	۴۴۵
نی شکر (= نوعی شیرازه‌بافی)	۱۸۵، ۱۷۰
نیل	۶۶۴، ۶۱۱
نیل (آب ...)	۶۶۴
ورد گیسورنگ	۶۶۸
هیراکشش (نوعی صمغ)	۶۳۷، ۶۳۵
یاقوت	۶۱۲

لیمو (آب ...)	۶۰۶
لیمو (شیره ...)	۲۰۹
ماء البصل	۶۸۸
مار	۷۳۸، ۷۳۶، ۵۴۱، ۵۴۶
مازو	۶۳۶، ۶۳۴
ماشِ مقرّش	۶۴
متروش سختیان (= سختیان تراشیده شده)	۱۵۳
متروش چرم (= چرم تراشیده شده)	۳۱۳
مرمر (سنگ ...)	۶۰۰، ۵۹۷، ۴۹۱
مزیم (نام نوعی سنگ)	۴۹۱
مسحوق کُریند (نیز نک: کُریند سحق کرده)	
مغز تخم ریته	۶۹۳
مغیلان	۱۹۶
مقرّش ماش > ماش مقرّش	
مقوا (پارچهای ...)	۳۲۷
مو	۷۶۵، ۷۶۴، ۷۰۹

عدس	۵۲۶	سیفه (= ابزار برش کاغذهای نسخه ^۱)
عقرب	۵۰۷	۱۴۴، ۱۴۳
عنبر	۷۳۴	۴۷۹ (نام هندی یک سنگ)
فضه	۷۷۷	۳۲۱ (سیم)
فولاد	۵۴۳، ۴۹۶	۷۸۵ (سیماب (نیز نک: زیق))
قشر ریته	۶۹۴	۶۰۸ (سیندور ۵۹۱)
قلعی	۷۸۲، ۷۷۷	سیه پخته مجوف خشت > خشت سیه
کرپاس	۷۱۷، ۶۴۵	پخته مجوف
کُریند سحق کرده (نیز نک: مسحوق کُریند)	۴۸۴	۴۳۳ (شاخ)
کنجد (روغن ...)	۶۲۳، ۲۰۷، ۲۰۰	شمع ۴۰۴، ۴۵۳، ۴۳۸
کنگر	۲۵۶	شنجرف (نیز نک: شنگرف) ۶۰۲، ۵۹۱
کنیر (سنگ ...)	۵۹۸، ۵۹۷، ۴۹۱	۶۹۷ (شنگرف (نیز نک: شنجرف) ۶۴۹)
کنیری مرمر	۶۰۰	۷۱۰ (شهد)
گلقدن	۲۱۷	۷۰۹، ۲۰۴ (شیره)
لاجورد	۵۹۳، ۵۹۱	۲۰۹ (شیره لیمو)
لاک (نیز < لاک سرخ دانه> و «لاک خام»)	۶۱۸، ۶۱۵، ۴۸۶	۶۷۸ (شیشه)
لاک خام	۶۷۷، ۶۱۳، ۶۱۲	۶۸۹ (صابون)
لاک سرخ	۶۹۲	۶۹۶، ۶۹۳ (صابون مصری)
لاک سرخ دانه (نیز < لاک>)	۶۸۹، ۶۸۵	۶۷ (صبر)
لطبنو (لطبنو/لطبنو)	۶۴۷	۴۹۴ (صدف سنگ)
لود	۶۱۶	۵۹۷، ۵۹۶، ۵۹۵، ۵۹۴ (صمایخ سنگ ...)
لوک	۷۴۵، ۶۸۶، ۶۶۸، ۶۱۶	۶۰۰ (صمیخ هیراکشش ۶۳۵، ۶۳۵)
لیمو	۲۰۴، ۸۵	۶۰۴، ۶۵، ۶۳ (صمیخ آب ...)
عاج	۴۳۳	

۱. در برخی موارد مجازاً به معنای عملیات سیفه کشیدن نیز به کار رفته است.

قلم تحریر	۷۶۴
قلم جدول (قلم ویژه جدولکشی)	۵۳۳
کالبد (= قالب)	۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱
کرپاس (پرویزن ...)	۵۷۱
کفگیر	۷۲۱
کمان (برای برش سنگ)	۴۸۴
کوپه (ابزار کوبیدن)	۲۶۸، ۲۷۰
گردان (از اجزای نقش بُر)	۵۰۱
لنگر (نوعی پرس و دستگاه ساده فشار دهنده)	۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۸، ۴۷۱
معخیط	۱۱۴
مرات (آینه)	۳۸۳
مروحه (= بادبیز)	۴۱۷، ۴۰۸
مسخّح	۵۹۴
مسطر	۴۶۵
مشکات (= چراغ)	۸۱۱
مصباح (= چراغ)	۸۱۱
مقراض	۵۳۵
مقوا بر	۵۱۰
مهره (مهره کردن) ^۱	۷۴، ۱۳۳، ۲۶۶، ۲۸۲، ۴۹۳، ۳۶۸، ۳۵۲، ۳۱۹، ۲۹۵
نیز نک: زجاجی، بلوری، غوري.	۹۱
نشگرده	۴۹۶، ۲۸۶، ۲۳۶، ۲۲۷، ۲۲۵
نقش بُر	۴۹۹، ۲۵۱
نوک (از اجزای نقش بُر)	۵۰۵، ۵۰۲، ۵۰۱
هیاکل (ج هیکل؛ کالبد)	۴۰۶

۱. نیز نک: زجاجی، بلوری، غوري.

دیگ	۷۱۳
زجاجی (نوعی مُهره)	۴۹۳
زیر مشق	۵۶۹، ۳۷۶
سَطاوه (خط کش، خطکش برای جدول)	
کشیدن)	۵۳۴، ۲۸۶
سکه (= قالب جلد)	۸
سمانه (بخشی از شکنجه)	۵۴۵
سمک (بخشی از شکنجه)	۵۴۵
سنگ تخته	۴۸۸، ۳۱۴، ۲۲۷
سنگ صماخ < صماخ	
سوزن (نیز نک: ابره)	۱۲۰، ۱۷۹، ۱۷۳
سوزن	۵۴۰، ۴۶۸، ۴۳۸، ۱۸۸، ۱۸۳، ۱۸۰
سوهان	۳۶۸، ۱۳۸، ۱۴۴، ۳۶۳، ۳۹۲، ۳۷۱
شانه (برای نقش انداختن بر ابری)	۷۳۰
شکنجه	۷۳۳، ۷۳۲، ۷۳۱
شکنجه	۱۴۱، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۶
شمیشیر	۵۳۷
صخره (از ابزار جلدسازی)	۴۷۵، ۴۷۴
ظرف چین (ظرف چینی)	۶۲۰، ۵۵۳
ظرف سفالین	۶۴۲
غربال	۵۳۰
غوری (نوعی مُهره)	۴۹۳
قطبین (در شکنجه)	۵۴۶
قطین(?)	۴۶۱، ۴۶۰
قلم	۵۷۷
قلم پرگار (قلمی که بر بازوی پرگار نصب	۵۳۱
است)	

۳. ابزار

ابره (= سوزن؛ نیز نک: سوزن)	۱۵۷، ۱۶۰
جزبند (= جزو بند)	۱۵۰
چراغ	۶۲۸
چربه	۷۶۷، ۷۶۹
حوض خانه (برای آب ابری)	۷۱۸
خامه (= قلم مو)	۲۲۵
خشست < خشت سیه پخته مجوف	
خشست پخته	۴۸۸، ۴۸۶
خشست سیه پخته مجوف (سنگی شبیه	
سنگ پا برای تراشیدن سختیان)	۱۴۵
خشیدن	۲۳۶، ۲۲۵
خطکش	۵۱۳، ۳۵۱، ۳۰۰
خطکش بادامی	۵۱۶، ۵۱۳
خطکش گرد	۵۱۴، ۵۱۳
دسته (برای ابزاری چون: مروحه، نشگرده، نقش بُر و مقوا بر)	۴۲۱، ۴۱۲، ۴۱۱
تخته چوین	۴۹۷، ۴۳۳، ۴۳۱، ۴۲۶
تخته سنگ	۲۶۳، ۱۲۶، ۱۰۹، ۸۹
تخته شبیه کرده	۷۴۸
تخته هموار	۷۸۰
ترازو	۶۲۴
تیغک	۵۲۱

۴. اندازه‌ها (معیارها)

ساعت (برای طول کتاب)	۱۴۹، ۷۸، ۷۶
سیر (ستیر)	۲۰۷، ۲۰۰، ۶۶، ۶۴، ۶۳
	۴۸۱، ۴۲۲، ۲۲۳، ۲۸۳
	۷۱۹، ۵۶۵، ۵۲۹
پاس (واحد زمان)	۲۰۸، ۲۰۱
توله	۶۹۲، ۶۸۵، ۶۸۱، ۶۳۰
جو	۵۰۲، ۱۲۸
خنصر (=انگشت کوچک)	۶۲۴
دانگ	۶۱۶، ۴۰۰
درم	۶۸۹

۵. رنگ‌ها

سرخ (/سرخی)	۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۱
سرخ لاک	۶۶۵
سفید (نیزنک: سپید)	۶۱۰
سمائی	۶۶۴
سیاه‌آبی (سیاه آبی)	۶۶۷، ۶۶۵
سیاهی	۷۴۷
سیر ^۱	۶۵۷
شمود(?)	۶۱۰
طنبول(?)	۶۶۵
کبود	۶۱۰، ۶۰۹

آفی(?)	۶۵۷
ایپیض	۷۵۴، ۷۵۳
احمر	۷۵۴، ۷۲۸
بنفس	۶۱۱، ۶۰۹
حنائی	۶۶۰، ۶۵۷
زاغی	۶۲۸
زرد	۷۵۶، ۷۵۴
سبز	۷۲۸، ۶۶۴
سپید	۷۵۶
سپیدی	۷۴۷

۱. چنانکه می‌دانیم واژه «سیر» معمولاً به معنی «پر رنگ» است اما در اینجا گویا نوعی رنگ حنایی مراد است.

۱. در این جایگاه برای نشان دادن اندازه به کاررفته است.

۶. کسان

- احمد (= حضرت پیامبر؛ نیز نک: محمد،
مصطفی، نبی) ۵۸
احمد سپاهی (از استادان سراینده در
جلدسازی) ۵۰
حیدر (= امام علی؛ نیز نک: علی، مرتضی)
علی (امام ...؛ نیز نک: حیدر) ۹، ۱۳، ۱۹،
۳۶، ۳۴، ۲۷
محمد (پیامبر؛ نیز نک: احمد) ۸۲۳
مرتضی ۸۱۳
مصطفی ۸۱۳
نبی (نبی الله) ۹، ۱۸
نجانچی (/ به خانچی) ۷۰۰
یدالله علوی (از مشايخ سراینده) ۴۲
یاقوت (یاقوت مستعصمی، از
خوشنویسان) ۷۶۰
- ذیالورین < عثمان بن عفان
عبد قادر (از استادان سراینده در جلدسازی)
عثمان بن عفان ۲۲

۷. کتاب‌ها

- صحف ۱۴
قرآن ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۸۰۹، ۸۱۳
مشکات ۸۰۰، ۸۱۱
صبح ۸۱۱
- انجیل ۱۳
بخاری (= جامع الصّحیح) ۸۱۱
توریه ۱۳
زبور ۱۴

كتابنامه

- بهار عجم (۳ ج)، لاله‌تیک چندبهار، تصحیح کاظم دزفولیان، تهران، طلایه، ۱۳۸۰ خ.
- رساله جلد، تأییف السید یوسف حسین الامروھی، تقدیم محمد حسین الحسینی الجلالی،
شیکاگو، مدرسه آزاد (The Open School)، ۱۴۲۰ ق.
- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزائی
النيشابوری، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های
اسلامی آستان قدس رضوی، چندین سال.
- صحافی سنتی، گردآوری ایرج افشار، تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه
تهران، ۱۳۵۷ ش.
- فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ابوالحسن دیانت، تبریز، انتشارات نیما، ۱۳۶۷ خ.
- فرهنگ مأثورات متون عرفانی، باقر صدری نیا، تهران، سروش، ۱۳۸۰ خ.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱۷)، نگارش محمد تقی دانش پژوه،
تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ خ.
- قربادین کبیر، سید محمد حسین عقیلی شیرازی، تهران، کتابفروشی محمودی، ۱۳۷۸ خ.
- کلیات سعدی، به کوشش محمد علی فروغی، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ خ.
- گلستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۴ خ.
- معجزن الادیبه، نک: قربادین کبیر.

فهرست آثار منتشر شده مرکز پژوهشی میراث مكتوب

به ترتیب شماره ردیف

۱۷. تحفة المحبین / یعقوب بن حسن سراج شیرازی (قرن ۱۰ق.); به اشراف محمد تقی دانش پژوه؛ تصحیح کرامت رعنا حسینی و ایرج افسار
۱۸. عیار داشت / علینقی بهبهانی؛ به کوشش دکتر سید علی موسوی بهبهانی
۱۹. قاموس البحرين / محمد ابوالفضل محمد؛ تصحیح علی اوجبی
۲۰. مجمل رشوند / محمد علی خان رشوند (قرن ۱۳ق.); تصحیح دکتر منوچهر ستوده و عنایت الله مجیدی
۲۱. شرح القیسات / میر سید احمد علوی؛ تحقیق حامد ناجی اصفهانی
۲۲. ترجمة تقویم التواریخ / حاجی خلیفه (قرن ۱۱ق.); از مترجمی ناشناخته؛ تصحیح میرهاشم محدث
۲۳. تفسیر الشہرستانی المسمی مقابیع الاسرار و مصابیع الابرار / الامام محمد بن عبدالکریم الشہرستانی (قرن ۶ق.); تصحیح دکتر محمدعلی آذرش
۲۴. انوارالبلاغه / محمد هادی مازندرانی، (قرن ۱۲ق.); تصحیح محمدعلی غلامی نژاد
۲۵. جغرافیای حافظ ابرو (۳ج) / حافظ ابرو (قرن ۹ق.); تصحیح صادق سجادی
۲۶. تائیة عبد الرحمن جامی / تصحیح دکتر صادق خورشا
۲۷. رسائل دهدار / محمد دهدار شیرازی (قرن ۱۰ق.); تصحیح محمد حسین اکبری ساوی
۲۸. تحفة الابرار فی مسابق الائمه الاطهار / عمادالدین طبری (زنده در ۷۰۱ھ.ق.); تصحیح سید مهدی جهرمی
۲۹. شرح دعای صباح / مصطفی خوئی؛ تصحیح اکبر ایرانی قمی
۳۰. نبراس الضیاء و تسویه السواء فی شرح باب البداء و اثبات جدوى الدعاء / المیر محمد باقر الداماد (المتوفی ۱۰۴۱ق.); تحقیق حامد ناجی اصفهانی

A Descriptive Catalogue of the Islamic Manuscripts in the Government Oriental

Manuscripts Library Madras, BY Vidyasagara Vidyavacaspatti & P. P.

Subrahmanya Sastri, Madras, The Superintendent Government Press, Vol. 1, 1939.

مقالات‌ها

«تحریر رساله منظوم جلدسازی»، نوشتۀ محمد حسین اسلام پناه، نامه بهارستان، س ۴، ش ۱ و ۲ [بهار - زمستان ۱۳۸۲ ش]، ص ۲۵ - ۳۴.

«ترجمه فارسی التّیسیر فی صناعة التّفسیر»، بکر بن ابراهیم اشبیلی (د ۶۲۸ یا ۶۲۹ق)، ترجمۀ محمد آصف فکرت، نامه بهارستان، س ۱، ش ۲ [پاییز - زمستان ۱۳۷۹ خ]، ص ۵ - ۱۷.

«رساله جلدسازی»، فرهنگ ایران‌زمین، تهران، جلد ۱۶ و ۱۷ [۱۳۴۹ - ۱۳۴۸ ش]، ص ۱ - ۴۳.

«صحّافی و دستورالعمل‌های مخصوص»، نوشتۀ ایو پورتر، ترجمۀ سید محمد حسین مرعشی، نامه بهارستان، س ۳، ش ۲ [پاییز - زمستان ۱۳۸۱ ش]، ص ۴۲۳ - ۴۵۱.

"Reluire et operations particulières", Yves. Porter, *Peinture et arts du livre*, Paris-Tehran, 1992, pp. 117-125.

٤٠. راهنمای تصحیح متون / نوشتۀ جویا
جهانبخش
٤١. دیوان الهامی کرمانشاهی / میرزا احمد
الهامی، تصحیح امید اسلامپناه
٤٢. شرح نهج البلاغه نواب لاهیجی (٢ ج) / میرزا
محمد باقر نواب لاهیجانی، تصحیح دکتر سید
محمد مهدی جعفری، دکتر محمد یوسف نیری
٤٣. دیوان مخلص کاشانی / میرزا محمد مخلص
کاشانی، تصحیح حسن عاطفی
٤٤. زبور آل داده / سلطان هاشم میرزا، تصحیح
دکتر عبدالحسین نوایی
٤٥. مجموعه آثار حسام الدین خوئی / حسن بن
عبدالمؤمن خوئی، تصحیح صغیری عباسزاده
٤٦. تذکرۀ مقیم خانی / محمد یوسف بیک منشی،
تصحیح فرشته صرافان
٤٧. سیع رسائل علامة جلال الدین محمد دوانی؛
تحقیق و تعلیق دکتر سید احمد تویسرکانی
٤٨. خلسله برین / محمد یوسف واله اصفهانی
قزوینی، تصحیح میرهاشم محمد
٤٩. ترجمۀ فرحة الفری / محمد باقر مجلسی
(قرن ١١ ق.)، پژوهش جویا جهانبخش
٥٠. سراج السالکین / گردآورنده ملامحسن فیض
کاشانی؛ تصحیح جویا جهانبخش
٥١. الآثار الباقیة عن القرون الخالية / ابوريحان
محمدبن احمد البیرونی؛ تصحیح پرویز اذکایی
جذوات و مواقيت / میر محمد باقر دادماد؛
علی اوجی
٥٢. دو شرح اخبار و ایيات و امثال عربی کلیله و
دمنه / فضل الله ایسفزاری و مؤلفی ناشناخته،
تصحیح بهروز ایمانی
٥٣. هفت دیوان محتشم کاشانی / کمال الدین
محثشم کاشانی؛ دکتر عبدالحسین نوایی،
مهدی صدری
٥٤. بدایع الملح / صدرالافضل خوارزمی؛
تصحیح دکتر مصطفی اولیانی
٥٥. فهرست نسخه‌های خطی مدرسه امام صادق
(ع) چالوس / مقدمه سید رفیع الدین موسوی؛
به کوشش محمود طیار مراغی
٥٦. کتاب الأدوار فی الموسيقى / صفوی الدین
عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر الارموی
بغدادی
٥٧. تحفة الأزهار و زلال الأنهر فی نسب أبناء
الأئمة الأطهار (٤ ج) / ضامن بن شدقم
الحسینی المدنی؛ تحقیق کامل سلمان الجبوی
٥٨. الفتن فی ذکر علماء سمرقند / نجم الدین
النسفی؛ تحقیق یوسف الہادی
٥٩. شرح ثمرة بطلموس / خواجه نصیرالدین
طوسی؛ تصحیح جلیل اخوان زنجانی
٦٠. کلمات علیة غرّا / مکتبی شیرازی؛ تصحیح
دکتر محمود عابدی
٦١. مکارم الاخلاق / غیاث الدین خواندمیر؛
تصحیح محمد اکبر عشیق
٦٢. فروغستان / محمد مهدی فروغ اصفهانی؛
تصحیح ایرج افشار
٦٣. مرأة الحرمين / ایوب صبری پاشا؛ ترجمة
عبدالرسول منشی؛ تصحیح جمشید کیان فر
٦٤. نامه‌ها و منشآت جامی / عبدالرحمان جامی؛
تصحیح عصام الدین اورون بایف و اسرار
رحمانف
٦٥. بهارستان و رسائل جامی / عبدالرحمان
جامی؛ تصحیح اعلاخان افصحزاد، محمد جان
عمراف و ابوبکر ظهورالدین
٦٦. سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان
(فارسی) / غیاث الدین علی یزدی؛ تصحیح
ایرج افشار
٦٧. جواهر الاخبار / بوداق منشی قزوینی؛ تصحیح
محسن بهرام ازداد
٦٨. شرح الأربعین / القاضی سعید القمی؛ تحقیق
نحوقلی حبیبی
٦٩. مجموعه رسائل و مصنفات / عبدالرزاق
کاشانی؛ تصحیح مجید هادی زاده
٧٠. خانقه / فقیر شیرازی؛ تصحیح منوچهر
دانش پژوه
٧١. شرح دیوان منسوب به امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب علیهمما السلام / میر حسین بن معین
الدین مبیدی یزدی؛ تصحیح حسن رحمانی و
سید ابراهیم اشک شیرین
٧٢. لطائف الاعلام فی إشارات أهل الإلہام /
عبدالرزاق کاشانی؛ تحقیق مجید هادی زاده
٧٣. جواهر التفسیر / ملاحسین واعظ کاشانی
سیزواری، تصحیح دکتر جواد عباسی
٧٤. تذکرۀ الشعراء / مطربی سمرقندی (قرن ١٥ -
١١ ق.)؛ تصحیح اصغر جانقدا، علی رفیعی
علامروذشی
٧٥. روضة الأنوار عباسی / ملامحمد باقر
سیزواری؛ تصحیح اسماعیل چنگیز اردہایی
راحة الرواح و مونس الاشباع / حسن شیعی
سیزواری (قرن ٨ ق.)؛ تصحیح محمد سپهیری
٧٦. کلمات علیة غرّا / مکتبی شیرازی؛ تصحیح
باخاری؛ تصحیح محمد اکبر عشیق
٧٧. خریدة القصر و جریدة العصر (٢ ج) /
عمادالدین اصفهانی (قرن ٦ ق.)؛ تحقیق
الدکتور عدنان محمد آل طعمه
لوح فشرده (CD) دوره سه جلدی
٧٨. طفونات خسروی / ناشناخته (قرن ١٣ ق.)؛
تصحیح دکتر منوچهر ستوده
٧٩. تاریخ آل سلجوق در آناتولی / ناشناخته (قرن
٨ ق.)؛ تصحیح نادره جلالی
٨٠. خرابات / فقیر شیرازی (قرن ١٣ ق.)؛ تصحیح
منوچهر دانش پژوه
٨١. محجوب القلوب (ج ١) / قطب الدین
الاشکوری؛ تحقیق الدکتور ابراهیم الدیباجی -
الدکتور حامد صدقی
٨٢. دیوان جامی (٢ ج) / عبدالرحمان جامی
مشنوی هفت اونگ (٢ ج) / عبدالرحمان
جامی (٨١٧ - ٨١٧ ه. ق.)؛ تصحیح جابلقا
دادعلیشا، اصغر جانقدا، ظاهر احراری، حسین
احمد تربیت و اعلاخان افصحزاد
٨٣. نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی /
تألیف اعلاخان افصحزاد
٨٤. فهرست نسخه‌های خطی مدرسة علمیة
نمایز خوی / تأیف علی صدرائی خوی
٨٥. منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغة (٢ ج) /
ملا عبدالباقي صوفی تبریزی (قرن ١١ ق.)؛
تصحیح حبیب الله عظیمی
٨٦. فهرست نسخه‌های خطی مدرسة
خاتم الانبیاء (صدر) بابل / تأیف علی
صدرائی خوی، محمود طیار مراغی، ابوالفضل
حافظیان بابلی
٨٧. ترجمه انجیل اربعین / میر محمد باقر
رسول جعفریان
٨٨. عین الحکمہ / میر قوام الدین محمد رازی
تهرانی (قرن ١١ ق.)؛ تصحیح علی اوجی
عقل و عشق، یا، مناظرات خمس / صاتن
الدین ترکه اصفهانی (٧٧٥ - ٨٣٥ ق.)؛ تصحیح
اکرم جودی نعمتی
٨٩. احیای حکمت (٢ ج) / علیقلی بن قرجخانی
خان (قرن ١١ ق.)؛ تصحیح فاطمه فنا
٩٠. منشات مبیدی / فاضی حسین بن معین الدین
مبیدی؛ تصحیح نصرت الله فوهر
٩١. کیمیای سعادت / میرزا ابوطالب زنجانی؛
تصحیح دکتر ابوالقاسم امامی / خواجه
شیرازی؛ تصحیح علی اوجی
٩٢. شرح منهاج الكرامه فی اثبات الإمامه علامه
حلی / تأیف علی الحسینی المیلانی
٩٣. تقویم الایمان / المیر محمد باقر الداماڈ؛
تحقیق علی اوجی
٩٤. التعريف بطبقات الامم / فاضی صاعد اندرسی
(قرن ٥ ق.)؛ تصحیح دکتر غلامرضا جمشید
نزاد اول
٩٥. رسائل حزین لاهیجی / حزین لاهیجی (قرن
١٢ ق.)؛ تصحیح علی اوجی، ناصر باقری بید
هندی، اسکندر اسفندیاری و عبدالحسین
مهدوی
٩٦. رسائل فارسی / حسن لاهیجی (قرن ١١ ق.)؛
تصحیح علی صدرائی خوی
٩٧. دیوان ابی بکر الخوارزمی / ابوبکر الخوارزمی
(قرن ٤ ق.)؛ تحقیق الدکتور حامد صدقی
٩٨. رسائل فارسی جرجانی / ضیاء الدین
جرجانی؛ تصحیح دکتر معصومه نور محمدی
٩٩. دیوان غالب دهلوی / اسدالله غالب دهلوی
(قرن ١٣ ق.)؛ تصحیح دکتر محمدحسن حائری
١٠٠. حکمت خاقانیه / فاضل هندی؛ با مقدمه دکتر
غلامحسین ابراهیمی دینانی، تصحیح دفتر نشر
میراث مکتب
١٠١. لطایف الأمثال و طرایف الأقوال / رشید الدین
وطواط؛ تصحیح حبیبی دانش آموز

١٤٢. مجالس جهانگیری / عبدالستار بن قاسم الاهوري / عارف نوشاهي و معين نظامي
١٤٣. تحسين و تقبیح ثعالبی / مترجم محمدبن ابی بکر بن علی ساوی / عارف احمد الرغول
١٤٤. مسخر البلاد / محمدیارین عرب قطغان / نادره جلالی
١٤٥. ارشاد / عبدالله بن محمد بن ابی بکر قلاطی نسخی / عارف نوشاهي
١٤٦. ارج نامه ملک الشعرا بهار / علی میرانصاری
١٤٧. مرأت الواقع مظفری / عبدالحسین خان ملک المورجن / دکتر عبدالحسین نوایی
١٤٨. سفارت نامه خوارزم / رضا قلی خان هدایت؛ جمشید کیان فر
١٤٩. تاریخ هرات (نسخه برگردان) / مؤلف ناشناخته / محمد رضا ابی مهریزی، محمد حسن میر حسینی با مقدمه ایرج افشار
١٥٠. جامع التواریخ: بخش بنی اسرائیل / رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریمه محمد روشن
١٥١. خلاصه الاشعاروزبیدة الانکار(بخش اصفهان) / میر تقی الدین کاشانی؛ مصحح : عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنموبی دریندانه میرزا حیدر وزیراف / به اهتمام جمشید کیان فر؛ با همکاری نوری محمدزاده
١٥٣. خزانی الأنوار و معادن الأخبار / میر محمد رضا بن محمد مؤمن خاتون آبادی؛ تصحیح و تحقیق مریم ایمانی خوشخوا
١٥٤. رباعیات حکیم خیام طریخانه یار احمد رشیدی، رساله سلسله الترتیب، خطبه تمجید ابن سینا / با مقدمه و حواشی عبدالباقي گلپیتاری
١٥٥. جامع التواریخ (تاریخ سامانیان و بویهیان و غزنویان) / رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریمه محمد روشن.
١٥٦. جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق) / رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریمه محمد روشن.
١٥٧. منتخب رسالت صفاء الحق / سید حسن مدنی همدانی گزیش، ویرایش و تعلیقات: علیرضا ذکارتی قراگزلو
١٢٧. شرح نظم الدر / صائب الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی (٧٧٠ - ٨٣٥ هـ. ق)؛ تصحیح و تحقیق اکرم جودی نعمتی
١٢٨. المختصر من کتاب السیاق لتأریخ نیسابور / ابوالحسن الفارسی؛ تحقیق محمد کاظمی
١٢٩. جنگنامه کشم / از سرایندۀ ای ناشناس. و جرون نامه / سروده قدری؛ تصحیح و تحقیق محمد باقر و ثوّقی و عبدالرسول خیراندیش
١٣٠. تحلیله الارواح بحقائق الاتجاج / المتسبوب الى کمال الدین عبدالرزاق کاشانی؛ تحقیق علی اوچبی
١٣١. خلاصه الاشعاروزبیدة الانکار(بخش کاشان) / میر تقی الدین کاشانی؛ مصحح : عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنموبی
١٣٢. نسخه خطی و فهرست نگاری در ایران مجموعه مقالات و جستارها به پاس قدردانی از خدمات سی ساله فرانسیس ریشار؛ به کوشش احمد رضا رحیمی ریسه
١٣٣. جامع التواریخ: اغوز / رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریمه محمد روشن
١٣٤. اسکندرنامه: (بخش ختا) / منسوب به منوچهرخان حکیم؛ تصحیح علی رضا ذکارتی قراگزلو
١٣٥. جامع التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای) / تأثیف رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریمه محمد روشن
١٣٦. ختم الغرائب خاقانی شروانی (تحفة العارقین) / نسخه برگردان به قطعه اصل نسخه خطی شماره ٨٤٥ کتابخانه ملی اتریش (وین) کتابت ٥٩٣ هـ؛ به کوشش ایرج افشار
١٣٧. کتاب ایرانی / چهار مقاله در مباحث متن پژوهی، نسخه شناسی و کتاب آرایی؛ فرانسیس ریشار؛ ترجمه ع. روحبخشان
١٣٨. ماهتاب شام شرق / گزاره و گزینه اندیشه شناسی اقبال / محمدحسین ساکت
١٣٩. ارج نامه حبیب یغمایی / سید علی آل داود
١٤٠. دیوان اشراق / میر محمد باقر میرداماد؛ پیشگذار جویا جهانبخش / سمیرا پوستین دوز
١٤١. متن شناسی شاهنامه فردوسی / منصور رستگار فسایی
٩٨. تحفة الملوك / علی بن ابی حفص اصفهانی؛ تصحیح علی اکبر احمدی دارانی
٩٩. مشنوی شیرین و فرهاد / سروده سلیمانی جزوی؛ تصحیح دکتر نجف جوکار
١٠٠. الإلهيات من المحاكمات بين شرح الإشارات / القطب الدين محمد بن محمد بن الرازى؛ تصحیح مجید هادی زاده
١٠١. الأربعينيات لكشف أنوار القدسیات / القاضی سعید محمد بن محمد فید القسمی؛ تصحیح نجفقلی حبیبی
١٠٢. الصراط المستقیم في ربط الحادث بالقدیم / میر محمد باقر داماد، تصحیح علی اوچبی
١٠٣. اشراف الالهوت في نقد شرح الیعقوت / عسیدالدین ابوعبدالله عبدالملطف بن مجذالدین الحسینی العبدلی، تصحیح علی اکبر ضیایی
١٠٤. دفاتر التأویل و حقائق التنزیل / ابوالمکارم محمودین ابی المکارم حسنه واعظ، پژوهش جویا جهانبخش
١٠٥. گوهر مقصود / مصطفی تهرانی (میرخانی)، به کوشش زهراء میرخانی
١٠٦. بلوه و بیوذهسف / مولانا نظام، تصحیح محمد روشن
١٠٧. سندبادنامه / محمدین علی ظهیری سمرقندی، تصحیح محمد باقر کمال الدینی
١٠٨. تحفة الفتی فی تفسیر سوره هل أتسی / غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی، تصحیح پروین بهارزاده
١٠٩. جهان دانش / شرف الدین محمدبن مسعود مسعودی؛ تصحیح جلیل اخوان زنجانی
١١٠. کلیات بسحق اطعمه شیرازی / مولانا جمال الدین ابواسحق حلاج اطعمه شیرازی معروف به بسحق اطعمه شیرازی؛ تصحیح منصور رستگار فسایی
١١١. محبوب اللسلوب (ج ٢) / قطب الدین الاشکوری؛ تحقیق дکتور ابراهیم الدیباچی - الدکتور حامد صدقی
١١٢. تاریخ عالم آرای امینی / فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی؛ تصحیح محمد اکبر عشیق
١١٣. روضة المنجمین / شهردان بن ابی الخیر

۲۰۰. کتاب نهج البلاعه و هو المختار من کلام امیر المؤمنین علیه السلام / پیشگفتار محمد مهدی جعفری، با همکاری محمد برکت
۲۰۱. علی نامه (منظومه‌ای کهن) / از سراینده‌ای متخلص به ریبع؛ تصحیح: رضا بیات و ابوالفضل غلامی
۲۰۲. ترجمه کتاب النجارة (در هندسه عملی) / ابوالوفاء محمد بن محمد بوزجانی؛ از مترجمی ناشناخته؛ تحقیق و تصحیح همراه با ترجمه متن اثر به فرانسه جعفر آقایانی چاوشی؛ با مقدمه برنارد ویتراک.
۲۰۳. ترجمه منظوم و صیت امام علی به امام حسین (علیهم السلام) (از نیمه نخست سده ششم قمری) / ترجمه و سروده حسن غزنوی ملقب به اشرف؛ مقدمه و تصحیح جواد بشیری.
۲۰۴. جامع التواریخ (تاریخ سلغیریان فارس) / رشید الدین فضل الله همدانی تصحیح و تحریثیه: محمد روشن
۲۰۵. ترسیم الأرواح فی تهذیب الصحاح (معجم مهذب الصحاح) (المجلد الأول و الثاني) شهاب الدین محمد بن احمد بن بختیار الزنجانی؛ حَفَّهُ و قَدَّمَ لَهُ مُحَمَّدُ صالح شریف العسكري
۲۰۶. اندیشه‌های فلسفی و کلامی خواجه نصیر الدین طوسی / هانی نعمان فراتات؛ ترجمه: غلام رضا جمشیدزاده اول
۲۰۷. کتاب الوحشیات / ابوتمام حبیب بن اوس طائی؛ محمد رضا جمشیدزاده اول و حبیب ذوقفاری؛ با پیشگفتار احمد مهدوی دامغانی کلمات قصار امام علی (ع) / (دو مجموعه)؛ ۱۰۸. مائة کلمه - ثرالاکی منسوب به جاخط (۱۶۵ هـ) - از گردد اورنده ناشناس به خط احمد وقار شیرازی ۲. ترجمه منظوم نشراللآلی از یارعلی بن عبدالله علانوی تبریزی (سدۀ ۹ و ۱۰)؛ با مقدمه علی صفری آق قلعه
۲۰۹. معیارالاشعار (در علم عروض و قافیه) / تأليف نصیر الدین محمد بن محمد طوسی. میران الاکار فی شرح معیار الاشعار / محمد سعدالله مفتی مرادآبادی؛ تصحیح محمد فشارکی.
- صادقی؛ ترجمة فارسی مقدمة زلیگمان مصطفی امیری؛ با مقدمه انگلیسی بر特 گ. فراگنر / نصرت الله رستگار؛ کارل هولوپار؛ اوا ایریلیش و محمود امیدسالار
۱۸۸. آداب المضیفین و زاد الکلین / سلطان محمود بن محمد بن محمود؛ به کوشش ایرج افسار.
۱۸۹. عرفات العاشقین و عرصات العارفین / تقی الدین محمد اوحدی حسینی داقی بیانی اصفهانی؛ تصحیح ذبیح الله صاحبکاری، آمنه فخر احمد؛ با نظرارت علمی محمد قهرمان.
۱۹۰. تاریخ شاه صفی (تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ هـ. ق.) / ابوالمفاخر فضل الحسینی. به انصمام مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه صفی) (تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۳۸ - ۱۰۴۱ هـ. ق.)
۱۹۱. بدایع الأخبار (واقایع بهبهان در زمان حملة محمود افغان) / میرزا عبدالنبي شیخ الاسلام بهبهانی؛ مقدمه، تصحیح و توضیحات: سید سعید میر محمد صادق
۱۹۲. منهاج العلی (رساله‌ای دربار حکومت قانون) / ابوطالب بهبهانی؛ به کوشش حوریه سعیدی
۱۹۳. جامع التواریخ (تاریخ سلاطین خوارزم) / رشید الدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریثیه محمد روشن
۱۹۴. دیوان فهیم استرآبادی / تصحیح و مقدمه محمدحسین کرمی
۱۹۵. ارج نامه محمد معین زندگی، آثار، جستارهای متن پژوهی / محمد غلام رضایی
۱۹۶. راشیکات الهند (تناسب نزد هندیان) / محمد بن احمد بیرونی؛ تصحیح، ترجمه و تحقیق محمد مهدی کاوه یزدی.
۱۹۷. جامع الصنایع: آشپزی نامه از عصر قاجار / از مؤلفی ناشناخته؛ به کوشش ایرج افسار.
۱۹۸. تاریخ سلاطین کرت / حافظ ابرو؛ تصحیح میرهاشم محدث.
۱۹۹. لطایف الحساب (رساله‌ای درباره سرگرمیهای ریاضی) / قطب الدین لاهیجی؛ به کوشش محمد باقری
۱۷۴. چین نامه / ماتیو ریچی؛ با مقدمه ازمن لاتین محمد زمان؛ مقدمه، تصحیح، توضیح و مقابله با ترجمه‌های کهن چینی، انگلیسی و ایتالیایی از لو جین؛ پیشگفتار مظفر بختیار
۱۷۵. قانون شاهنشاهی / حکیم ادریس بن حسام الدین بدیلیسی؛ تصحیح عبد الله مسعودی آرانی
۱۷۶. برزونامه سروده: شمس الدین محمد کوسج؛ تصحیح: اکبر نخوی
۱۷۷. نزهه الانفس و روضة المجلس / ابوسعید محمد بن علی بن عبد الله عراقی؛ تحقیق و تصحیح رمضان بهداد
۱۷۸. رسم نامه / سراینده ناشناس؛ به کوشش سجاد آبدانلو
۱۷۹. رسالت فی استخراج جیب درجه واحدة / موسی بن محمد قاضی زاده رومی؛ تصحیح، ترجمه و تحقیق فاطمه سوادی
۱۸۰. شرح التلويحات اللوحية والعرشية / ابن کمونه، عز الدوّله سعد بن منصور؛ تصحیح و مقدمه: نجفقلی حبیبی
۱۸۱. قرآن کریم / ترجمه ابوالفضل رشید الدین مبیدی
۱۸۲. تحفة العراقيين: ختم الغرائب / سرودة خاقانی شروانی؛ به کوشش علی صفری آق قلعه
۱۸۳. ساختار معنایی مثنوی معنوی دفتر اول / سید سلمان صفوی؛ ترجمه مهوش السادات علوی؛ با مقدمه سید حسین نصر
۱۸۴. علی نامه (منظومه‌ای کهن) / از سراینده‌ای متخلص به ریبع؛ با مقدمه محمد رضا شفیعی کلکنی و محمود امیدسالار
۱۸۵. ارج نامه غلامحسین یوسفی / محمد جعفر یاحقی
۱۸۶. دستورالجمهور فی مناقب سلطان العارفین ابویزید طیفور / احمد بن الحسین بن الشیخ الخرقانی؛ به کوشش: محمد تقی دانش پژوه و ایرج افسار
۱۸۷. کتاب الابنیة عن حقایق الادوية / ابو منصور موفق بن علی هروی سده پنجم هجری؛ با مقدمه فارسی ایرج افسار و علی اشرف
۱۵۸. دفتر اشعار صوفی / صوفی محمد هروی (قرن نهم)؛ به کوشش: ایرج افسار
۱۵۹. تحفة السلاطین / محمد بن جابر انصاری؛ به کوشش احمد فرامرز قراملکی، زینت فنی اصل و فرشته مسجدی
۱۶۰. تحفة الدستور (قرن هنگ اعداد کلمات) / لطف الله بن عبدالکریم کاشانی؛ تصحیح مهدی صدری.
۱۶۱. شجرة الملوك (تاریخ منظوم سیستان) / سروده صبوری، ناصح و ظهیر؛ تحقیق، تصحیح و توضیحات منصور صفتگل.
۱۶۲. سلم السماءات / ابوالقاسم بن ایسی حامد کازرونی؛ تصحیح عبدالله نورانی.
۱۶۳. بیان الحقایق / رشید الدین فضل الله همدانی؛ تصحیح هاشم رجبزاده.
۱۶۴. قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل / سید محمد عمادی حائری
۱۶۵. اشرف التواریخ / محمد تقی نوری؛ تصحیح: سوسن اصیلی
۱۶۶. تفسیر شهرستانی (مفاتیح الأسرا و مصابیح البار) (۲ ج) / محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ تحقیق و تعلیق: محمد علی آذر شب
۱۶۷. ارج نامه صادق کیا / عسکر بهرامی
۱۶۸. الإفادة فی تاریخ الأئمۃ السادة / ابوطالب یحیی بن حسین هارونی؛ تصحیح محمد کاظم رحمتی
۱۶۹. جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان) / رشید الدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحریثیه محمد روشن.
۱۷۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی جمعیت نشر فرهنگ رشت / تالیف: محمد روشن
۱۷۱. روضة الانوار / خواجه کرمانی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمود عابدی
۱۷۲. الیمینی / فی اخبار دولة الملك یمین الدولة؛ ابی القاسم محمود بن ناصر الدوّلة ابی منصور سبکتکین؛ تأليف: محمد بن عبدالجبار العتبی؛ تحقیق: یوسف الهادی
۱۷۳. معرفت فلاحت (دوازده باب کشاورزی) / از

٢١٠. حل مشکلات کتاب الإشارات و التنبیهات
(شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا) مشهور به شرح اشارات خسرواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (٥٩٧ - ٦٧٢ ه)؛ با مقدمه سید محمد عمامدی حائری
٢١١. کتاب المباحث و الشکوک (نخستین تعلیقه بر الإشارات و التنبیهات) شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد مسعودی (زنده در ٥٨٢ ه) همراه با کتاب عیون المسائل فارابی و رساله الأسماء المفردة کندی؛ با مقدمه محمد برکت
٢١٢. کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی تألیف ایرج افشار
٢١٣. از دست نویس تامن (جستارهایی در معرفی و ارزیابی دست نویس‌های شاهنامه و روش تصحیح انتقادی متن؛ جلال خالقی مطلق
٢١٤. عهد حسام (سفرنامه لرستان و خوزستان)؛ محمود میرزا قاجار؛ به کوشش: ایرج افشار
٢١٥. کتابشناسی فردوسی و شاهنامه چاپ چهارم (از آغاز نوشهای پژوهشی تا سال ١٣٨٥)؛

- گرداوری ایرج افشار
٢١٦. ارج نامه ذبیح الله صفا / سیدعلی آل داود
٢١٧. مجلس در قصه رسول (ص) / از مؤلفی ناشناخته؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد پارسان‌نسب
٢١٨. محک خسروی / میرزا خسرو بیگ گرجی؛ تصحیح و تعلیقات: فائزه زهرا میرزا
٢١٩. اصول الحكم فی نظام العالم / حسن کافی الاتحصاری البوسنوی؛ تحقیق و تصحیح علی اکبر ضیائی
٢٢٠. حفظ البدن (رساله‌ای فارسی در بهداشت و تندرستی)؛ امام فخرالدین محمد بن عمر رازی؛ تصحیح محمد ابراهیم ذاکر
٢٢١. اخبار ولاة خراسان / اللئلامی (قرن ٣-٤ هـ). ق؛ پژوهش و بازسازی: محمدعلی کاظمی‌بیکی
٢٢٢. پژوهش‌هایی در تاریخ علم: مقالاتی درباره تاریخ ریاضیات، نجوم، مکانیک و پیشکی؛ گرداوری و پیرایش جعفر آقایانی چاوشی
٢٢٣. جامع اللغات (فرهنگ منظوم) / سروده نیازی حجازی؛ به اهتمام افسانه شیفتہ فر

RISALAH-YI JILDSĀZĪ

(The Book-binding Treatise)

Sayyed Yūsif Ḥusayn

Introduced by

Iraj Afshar

Edited by

Ali Safari Agh Ghaleh



Miras-e Maktoob
Tehran, 2011

Treatises (15)

Miras-e Maktoob (224)

Science Art & Technology

(5)

Written Heritage Research Centre, 2011

First Published in I. R. of Iran by Miras-e Maktoob

ISBN 978-600-203-022-1

All rights reserved. No part of this book
may be reproduced, in any form or by any
means, without the prior permission of the publisher.

P R I N T E D I N T E H R A N

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

Oceans of Iranian and Islamic culture lie in manuscript form. These manuscripts are not only the record of the achievements of our nation's great scholars, they are also testimonials to our unique national identity. It is, therefore, the duty of every generation of Iranians to protect and celebrate this priceless heritage and to spare no effort in restoring these records on which all studies of Iran's history and culture depend.

Many efforts towards better identification, study, and preservation of our country's manuscript collections have been launched. In spite of these efforts, and despite the fact that hundreds of books and treatises that deal with this important area of learning have been published, much remains undone. Thousands of books and treatises either linger as unidentified codices in Iranian and foreign libraries, or await publication. Others, although previously published, exist in unsatisfactory editions and need to be re-edited according to modern scholarly standards.

It is the duty of scholars and cultural organizations to undertake the important tasks of restoring and publishing these manuscripts. The Written Heritage Publication Center was established in 1993 in order to achieve this important cultural objective with the purpose of supporting the efforts of scholars, editors, and publishers who work in this field of learning. We hope that by supporting scholarly work in this area, we can help make an essential collection of scholarly texts and sources available to the scholarly community that is engaged in the study of Iran's Islamic culture and civilization.

The importance and necessity of the revival and publication of manuscript treatises compelled us to publish them independently along with our other published works. In this way, we will provide researchers and scholars with a valuable collection on different subjects.

The Written Heritage Research Centre (Miras-e Maktoob)

Introduction

Jildsāzī is a versified treatise written in Persian by Sayyid Yūsuf Husayn on book-binding (preparation of the binding) and its various techniques. The treatise is the only known work in Persian in this technical field; therefore, it is an important source for those who are interested in the history of art and the making of artifacts.

Despite his stated purpose to teach book-binding techniques, the writer, while introducing the book-binder's tools, also discusses a range of various related techniques such as tool-making, frame-making for glasses, making lanterns, making fans, etc.

The only known copy of the manuscript, kept as M. 437 in the State Eastern Library of Madras, was used as the basis of an edition by the late Professor Iraj Afshar, which was published in the Journal, *Farhang Iran Zamin* (Vols. 16, 17) in 1349/1970. The text was corrected for the second time on the basis of a facsimile copy of the manuscript and published in the series *Kitābārā'ī dar Tamaddun Islāmī* (*Book Preparation in the Islamic Civilization*) by Najib Mayel Herawi in 1372/1993.

The textual criticisms and corrections have so far been based on the above-mentioned codex: but recently, another copy of the manuscript was found in the personal collection of Muhammad Husayn Husayni Jalali. This newly found copy greatly helped to correct many mistakes of the Madras copy. The new copy also has three additional *bayts* (no. 77, 78, and 654), the first two of which greatly facilitate the understanding of some sections of the text.

The present edition is based on the newly found copy in which many of the previous mistakes are corrected.